

# کشور شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی در مقیاس ملی و جهانی

## ■ مقدمه

عدم رضایت از شاخص محصول ناخالص داخلی سرانه به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری رشد و توسعه، منجر به بررسیهای گسترده برای یافتن شاخصهای ترکیبی توسعه شد. یکی از شاخصها، شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>(۱)</sup> است که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ برنامه عمران سازمان ملل (UNDP)<sup>(۲)</sup> آن را در گزارش توسعه انسانی (HDR)<sup>(۳)</sup> سال ۱۹۹۰ انتشار داد. در گزارشهای سالهای بعد نیز، این شاخص، محاسبه و منتشر شده است.

شاخص توسعه انسانی، شاخصی است ترکیبی، متشکل از نماگرهایی نظیر: امید به زندگی، با سواد و محصول ناخالص داخلی حقیقی که نسبت به تقاضای قدرت خرید میان کشورها تعدیل شده است. در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵، با معرفی HDI، هدف توسعه به وجود آوردن شرایطی است که مردم بتوانند در آن، از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده بهره‌مند شوند و توجه جهانیان را به سوی مسایل برابری و فقر جلب نمایند و رسیدن به رفاه انسانی را هدف توسعه قرار دهند. در راستای معرفی وسیع‌تر شاخص HDI است، که گزارش توسعه انسانی، پیشرفت بشر در سطح جهان و راهبردهایی را که کشورهای مختلف برای تحقیق رفاه انسانی به کار می‌گیرند، مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

انتقادهایی چند، بر چگونگی و نحوه محاسبه شاخص توسعه انسانی وارد است. یک انتقاد مربوط به اشتباهات اندازه‌گیری است. این مسأله می‌تواند، ناشی از غفلت بسیاری از کشورها در انجام مرتب سرشماری باشد که با استفاده از آن اطلاعات مربوط به امید زندگی و با سواد به

دست می‌آید، یا مربوط به مسایل مفهومی و آماری همراه با اندازه‌گیری با سواد است. هایکینر، درباره گزارش توسعه انسانی اظهار می‌دارد: از سه نمایانگر شاخص توسعه انسانی، نمایانگر با سواد ضعیف‌ترین شاخص است، به دلیل این که ممکن نیست بتوان معیارهای مشابهی را برای تواناییهای خواندن و نوشتن با توجه به اختلاف زبانها ارائه نمود. ایشان همچنین، بر ضرورت صرف منابع بیشتر برای بهبود کیفیت اطلاعات تأکید می‌کند به جای این که به مسایل مفهومی شاخص توسعه انسانی، نظیر: انتخاب وزنها پرداخته شود. اگر چه، «مک گیلیوری» و «وایت»، شواهدی ارائه داده‌اند، مبنی بر این که شاخص توسعه انسانی به طور نسبی در مقابل اشتباهات اندازه‌گیری مصون است؛ ولی منطقی‌تر آن است که ابتدا متغیر واحدی شناسایی شود که بتواند به بهترین وجه نمایانگر سه عنصر تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی باشد و سپس نسبت به بهبود کیفیت آمار اقدام کرد. مزیت دیگر انتخاب یک واحد این است که: این امر مسایل ناشی از انتخاب اوزان را برطرف می‌سازد<sup>(۴)</sup>.

مقاله حاضر، ابتدا در چارچوب مفهوم توسعه انسانی به چگونگی بسط و گسترش آن می‌پردازد، سپس روش‌شناسی عناصر اساسی تشکیل دهنده یک شاخص مرکب، ولی در عین حال ساده و قابل درک - شاخص توسعه انسانی - را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. روش محاسبه شاخص توسعه انسانی و رتبه‌بندی آن در مناطق روستایی استانهای کشور، بخش دیگری از این مقاله را تشکیل می‌دهد. در پایان سعی شده

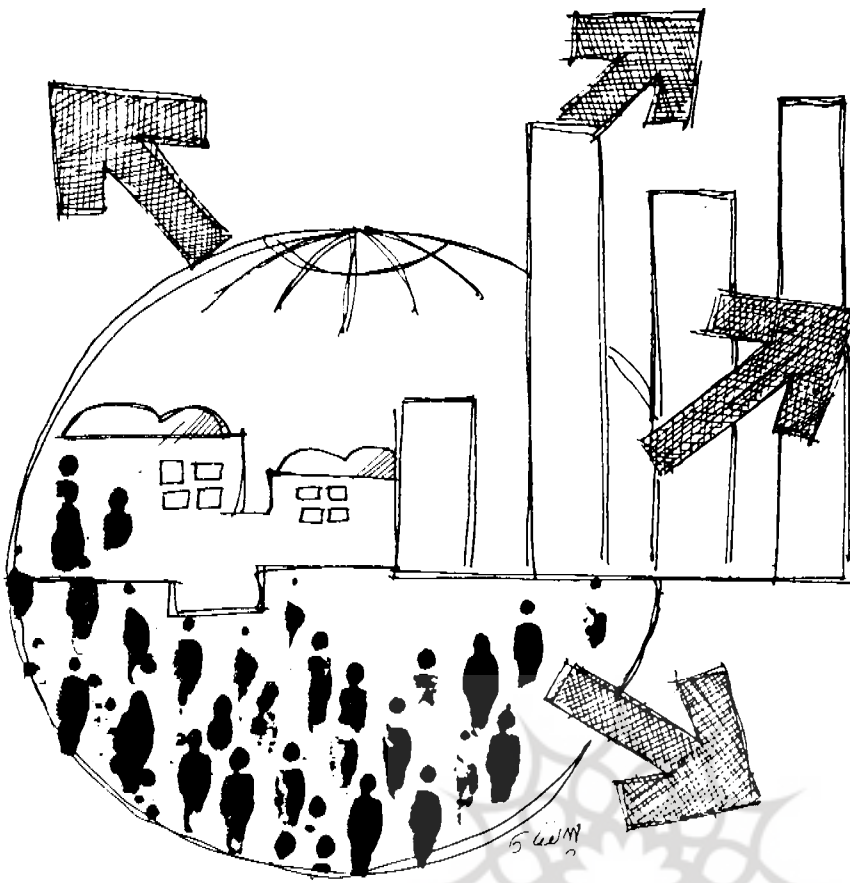
■ میر عبدالله حسینی

است، تصویری کلی از شاخص توسعه انسانی (HDI) در مناطق روستایی استانهای کشور و رتبه‌بندی آن در مقیاس ملی و جهانی ارائه شود و موارد کاربرد شاخص توسعه، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این مقاله، با ارائه خلاصه مطالب و نتیجه، پایان می‌یابد.

## ■ مفهوم «شاخص توسعه انسانی»

پژوهشگران اجتماعی و اقتصاددانان توسعه، در طی ۷۰ سال گذشته، از واژه «توسعه»، تعبیر مختلفی داشته‌اند که از آن میان می‌توان به افزایش تولید (رشد کمی)، افزایش بهره‌وری، ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم و تأمین نیازهای اساسی اشاره کرد. در باب توسعه، نظریه‌ها و مکاتب اقتصادی با بینش و دیدگاههای مختلف یا به عرصه گذاشته‌اند و در راستای رشد و توسعه اقتصادی، راهبردها، سیاستها و برنامه‌های توسعه‌ای را تصویب و اجرا کرده‌اند.

برای ارزیابی توسعه کشورها در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی، شاخصهای مختلفی معرفی شد که یکی از جدیدترین و کاملترین شاخصها، «شاخص توسعه انسانی» است که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰، معرفی شد. این شاخص مورد توجه پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی، برنامه‌ریزان، سیاستمداران و دولتها قرار گرفت. در قالب «شاخص توسعه انسانی» توسعه،



فرآیندی است که در دامنه حق انتخاب از سوی مردم را گسترده‌تر می‌سازد. لیکن، در طول زمان و در هر سطحی از توسعه، برای مردم، سه عامل یا گزینه ضروری ملاک قرار می‌گیرد: رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت، کسب علم و دانش و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز برای یک سطح زندگی مناسب و شایسته. در صورت نبود این گزینه‌های ضروری، دسترسی به بسیاری از فرصت‌های دیگر ناممکن می‌شود. (مأخذ ۳)

طبق مفهوم توسعه انسانی، درآمد، تنها یکی از گزینه‌های مورد نظر را تشکیل می‌دهد. اگر چه این گزینه یکی از مهمترین گزینه‌هاست؛ لیکن، نمی‌توان زندگی را در آن خلاصه کرد. توسعه انسانی، می‌کوشد تمام گزینه‌های انسانی را وسعت بخشد نه فقط درآمد را. پس توسعه انسانی، مفهوم به مراتب وسیع‌تر از نظریات قراردادی توسعه اقتصادی دارد. الگوهای رشد اقتصادی بیشتر با گسترش تولید ناخالص مالی (GDP) سر و کار دارند تا بهبود کیفیت و سطح زندگی انسان. در نظریات توسعه منابع انسانی، آدمی یکی از نهادها یا دروندا‌های فرایند تولید قلمداد می‌شود؛ یعنی انسان وسیله است نه هدف. رهیافت‌های رفاه‌نگر، انسان را بیشتر، بهره‌بردار فرایند تغییر قلمداد می‌کنند تا عامل تغییر در فرایند توسعه. رهیافت مبتنی بر نیازهای اساسی، بر تأمین کالاهای مادی و خدمات مورد نیاز کشورهای مسحروم جامعه، بیش از گسترش گزینه‌های انسانی در همه حوزه‌های زندگی تأکید می‌ورزد (مأخذ ۴).

### ■ روش اندازه‌گیری شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی، شاخصی است ترکیبی، متشکل از سه نمایانگر: امید به زندگی، باسوادی و محصول ناخالص داخلی حقیقی که نسبت به تفاوت‌های قدرت خرید میان کشورها تعدیل شده است؛ امید به زندگی؛ نشان دهنده عمر طولانی و سلامت، باسوادی و پیشرفت تحصیلی؛ نشان دهنده سطح علم و دانش. محصول ناخالص داخلی حقیقی (بر حسب برابری قدرت خرید به دلار): بیانگر وجود سطح زندگی شایسته و متناسب شاخص توسعه انسانی می‌خواهد، جانشین نماگرهای اجتماعی و اقتصادی تفصیلی شود. این شاخص را می‌توان برای گروه‌های مختلف در هر کشور (گروه‌های قومی، مردان، زنان و طبقات اجتماعی مختلف) محاسبه نمود، که در قالب «شاخص توسعه انسانی» تفکیک شده، از آن یاد می‌شود. همچنین شاخص توسعه انسانی می‌تواند نابرابری‌ها تعدیل شود؛ یکی در مورد جنسیت و دیگری در مورد توزیع درآمد. از سال ۱۹۹۱ به بعد، نمایانگر میزان

عناصر و اجزای متشکله موضوعات اساسی در توسعه و برابری میان جنسیت‌ها را نیز شامل می‌شود. در الگوی توسعه انسانی، چهار عنصر اساسی: بهره‌وری (۱۲)، برابری (۶)، بیداری (۷) و توانمندسازی (۸) به چشم می‌خورد (مأخذ ۳) توسعه انسانی پایدار، مساوات در داخل نسل‌ها را به مساوات برابری در بین نسل‌ها، مورد توجه قرار می‌دهد. تا تمامی نسل‌های عمر حاضر و آینده را قادر سازد، توانمند، با استعدادها و استعداد‌های خود را به نحو احسن به کار گیرند. توسعه انسانی پایدار، فرایند توسعه را بر اساس قدرت تحمل و ظرفیت طبیعت به کار می‌گیرد و در راستای مراقبت و محافظت از فرصت‌های مورد نیاز نسل‌های بعدی، اولویت را به تجدید و بازسازی منابع ریست محیطی می‌دهد. این موضوع بیداری، دارای ابعاد متعددی است که: ظرفیت، محیط ریست و نهادها، از آن جمله‌اند. اگر فرایند توسعه نتواند، پشتیبانی کامل نهادها را نسبت به حقوق مردم جلب کند، نخواهد توانست بقای خود را در دراز مدت تأمین نماید. به همین دلیل است که توسعه انسانی بر تقویت نهاد‌های دولتی تأکید می‌ورزد تا به ثبات و بیداری درونی دست یابد.

توسعه انسانی، بر خلاف تمام این رهیافت‌ها، تولید و توزیع کالاها و گسترش و کاربرد توانمندی‌های انسان را یک مجموعه واحد تلقی می‌کند. و با لحاظ قرار دادن موارد فوق در رهیافت‌های مذکور، نه تنها همه آنها را در خود جای می‌دهد، بلکه از محدوده آنها نیز فراتر می‌رود. توسعه انسانی، تمام مسایل موجود در جامعه، تدبیر رشد اقتصادی، تجارت، اشتغال، آزادی سیاسی و ارزش‌های فرهنگی را از دیدگاه مردم، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و به همین اعتبار، ضمن تأکید بر گسترش دامنه گزینه‌های انسان، کشورهای در حال توسعه و صنعتی را به یک چشم می‌نگرد. توسعه انسانی،

تحصیلات از میزان با سواد بزرگسالان به میانگین سالهای تحصیل گسترش یافت. یعنی سطح درآمد، یک ارزش آستانه در نظر گرفته شده است که فراتر از آن، افزایش نهایی درآمد، اهمیت کمتری دارد.

تا سال ۱۹۹۳، این آستانه از درآمد، برابر بود با سطح فقر کشورهای صنعتی (طبق مطالعه درآمد لوکزامبورگ) و از طریق به هنگام کردن ارزشها و تبدیل آنها به دلار، برابری قدرت خرید، محاسبه می‌شد. وقتی کشوری از متوسط جهان فراتر رفته باشد، سهم نهایی هر گونه افزایش بیشتر درآمد سرانه در توسعه انسانی به شدت کاهش خواهد یافت.

در سال ۱۹۹۴، متوسط جهانی محصول ناخالص واقعی سرانه - ارزش آستانه - ۵۱۲۰ دلار تعیین شده است. یک تنزیل نیز صورت می‌گیرد؛ روش تنزیل، عبارت است از: مقدار تنزیل به موازات فراتر رفتن درآمدها، که از مضرهای بالاتر آستانه، افزایش پیدا می‌کند (درآمد فراتر از آستانه با استفاده از نرخ که به طور تصاعدی افزایش می‌یابد، تنزیل شده است).

HDI هر شاخص، با واحد خاص خودش بیان می‌شود؛ امید به زندگی بر حسب سالهای عمر، آموزش بر حسب میانگین سالهای تحصیل و باسواد به صورت درصد، درآمد بر حسب دلار تعدیل شده بر حسب قدرت خرید.

برای یکسان کردن این واحدها، هر کدام از آنها را به عددی در دامنه صفر و یک تبدیل می‌کنند. بنابراین، باید حداقل و حداکثری را برای هر کدام تعیین نمایند. مثلاً؛ اگر حداقل امید به زندگی ۲۵ سال باشد (= ۰) و اگر حداکثر امید به زندگی ۸۵ سال باشد (= ۱)، در این صورت، کشوری با امید به زندگی ۵۵ سال، دارای عدد ۰/۵ خواهد بود:

$$0/5 = \frac{xi - x_{min}}{x_{max} - x_{min}} = \frac{55 - 25}{85 - 25} = \frac{30}{60} = 0/5$$

اما این که این حداقل و حداکثر چگونه تعیین می‌شود، در سالهای قبل حداقل مربوط به هر شاخص، برابر بود با حداقل آن در بین کشورها (پایین ترین میزان در بین کشورها) و حداکثر مربوط به آن برابر بود با حداکثر شاخص در تمام کشورها.

بنابراین مقدار هر کدام از شاخصها برای هر یک از کشورها بر مبنای این حداقل و حداکثر سنجیده می‌شد. پس شاخص توسعه انسانی هر کشور، عبارت بود از موقعیت آن کشور بین بهترین و بدترین کشورها. پس با تغییر حداقلها و حداکثرها، جایگاه کشورها تغییر می‌یافت، که درست نبود (یک کشور ممکن بود نسبت به خودش پیشرفت کرده باشد، اما به دلیل پیشرفت کشورهای دیگر، شاخص توسعه انسانی آن پایین می‌ماند).

برای همین این حداقل و حداکثر را تغییر داده‌اند، و در حال حاضر، عبارتند از: نهایی ترین ارزشهای مشاهده شده یا مورد انتظار در طول دوره‌های بلند. مثلاً ۶۰ سال. حداقلها، عبارتند از: حداقلهایی که به طور تاریخی در طول ۳۰ سال گذشته مشاهده شده‌اند. حداکثرها، عبارتند از: حدهای نهایی که می‌توان طی ۳۰ سال آینده تصور نمود. این حداقل و حداکثر در سال ۱۹۹۴ عبارتند از:

جدول شماره (۱): نمایانگرهای سه گانه شاخص ترکیبی HDI

حداکثر	حداقل	
۸۵	۲۵	امید به زندگی (سال)
۱۰۰	۰	با سواد بزرگسالان (درصد)
۱۵	۰	میانگین سالهای تحصیل
۴۰۰۰	۲۰۰	درآمد (سرانه محصول ناخالص داخلی واقعی)

Source : Human Development Report , 1995 , UNDP

در مورد حداکثر درآمد، از حداکثر درآمد تعدیل شده، استفاده می‌شود:

$$\frac{1}{4} (\text{درآمد در حد آستانه} - \text{بالاترین درآمد در بین کشورها}) + 2 \text{ درآمد در حد آستانه} = \text{حداکثر درآمد تعدیل شده.}$$

اگر درآمد کشوری بیش از حد آستانه باشد، به شکل زیر تعدیل می‌شود. اگر پایین تر باشد، لازم ندارد.

$$\frac{1}{4} (\text{درآمد در حد آستانه} - \text{درآمد کشور}) + 2 \text{ درآمد در حد آستانه} = \text{درآمد تعدیل شده کشور.}$$

آنچه مناطق روستایی استانی را در مقایسه با مناطق روستایی سایر استانها به صورت نقطه قوت یا ضعف نشان می‌دهد، در برخورداری است. برای مقایسه سطح توسعه، شاخصهای مختلفی وجود دارد که این شاخصها، به یک اندازه، از

در نهایت، کشورهایی با شاخص توسعه انسانی پایین تر از ۰/۵، به عنوان کشورهای دارای سطح انسانی نازل هستند. کشورهایی با شاخص توسعه انسانی واقع در فاصله ۰/۵ و ۰/۸، در سطح انسانی متوسط هستند و کشورهایی با شاخص

توسعه انسانی بالاتر از ۰/۸ به عنوان سطح انسانی پیشرفته تر تلقی می‌شوند.

شاخصهای جزئی مورد استفاده در HDI عبارت است از:

۱- امید به زندگی

۲- میزان تحصیلات، باسواد بزرگسالان  $\times \frac{2}{3}$

و میانگین سالهای تحصیلی  $\times \frac{1}{3}$

۳- درآمد تعدیل شده.

شاخص جزئی هر کشور =

حداقل جهانی - آمار کشوری مربوطه  
حداقل جهانی - حداکثر جهانی

شاخص توسعه انسانی (HDI) هر کشور = میانگین شاخصهای سه گانه جزئی کشور.

### ■ شاخصهای ترکیبی توسعه انسانی در مناطق روستایی استانهای کشور

از اهم مشکلات توسعه در کشورهای توسعه نیافته، عدم برابری و پایین بودن سطح توسعه

اهمیت برخوردار نیستند و برای مقایسه، لازم است از شاخصهایی که بر مبنای نظری قوی استوارند، بهره جست و به منظور استفاده از شاخصهای اساسی مهم مقایسه پذیر بود که، از شاخصهای ترکیبی توسعه انسانی، گزارش توسعه انسانی UNDP در سال ۱۹۹۰ استفاده کرده ایم. منعکس ساختن مهمترین ابعاد توسعه انسانی را می توان یکی از اهداف اصلی در تعیین شاخص

توسعه انسانی (HDI) عنوان کرد.

HDI به عنوان یک شاخص مرکب، خود دارای سه نمایانگر<sup>(۹)</sup> یا زیر شاخص است: امید به زندگی، نشان دهنده عمر طولانی و سلامت؛ پیشرفت تحصیلی، نشان دهنده سطح علم و دانش و تولید ناخالص داخلی (بر حسب برابری قدرت خرید به دلار)، بیانگر وجود سطح زندگی شایسته و مناسب (مأخذ ۴).

جدول شماره (۲): نمایانگرهای ترکیبی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی استانهای کشور

استان	امید به زندگی (سال)	باسوادی (درصد)	درآمد سرانه (هزار ریال)
آذربایجان شرقی	۵۷/۱	۶۱/۶	۶۵۷/۶۵
آذربایجان غربی	۵۶/۳	۵۰/۳	۶۰۸/۱۵
اصفهان	۶۰/۷	۷۵/۲	۸۶۰/۵۳
ایلام	۵۴/۶	۶۵/۲	-
بوشهر	۵۸/۳	۶۸/۳	-
تهران	۶۵/۴	۷۴/۳	۸۵۴/۹۴
چهارمحال و بختیاری	۵۷/۴	۶۷/۲	-
خراسان	۵۲/۵	۵۹/۸	۴۳۴/۰۲
خوزستان	۶۳/۹	۵۸/۸	۶۱۰/۹۹
زنجان	۵۶/۱	۶۲/۹	۴۴۲/۲۵
سمنان	۶۲/۹	۶۹/۳	-
سیستان و بلوچستان	۵۲/۴	۴۰	۳۲۱/۶۷
فارس	۶۴/۹	۶۷/۵	۶۵۴/۶۱
کردستان	۵۲/۹	۴۹/۵	۵۴۲/۹۶
کرمان	۶۱/۹	۶۵/۴	۷۳۰/۱۸
کرمانشاه	۵۷/۶	۶۰/۵	-
کهگیلویه و بویراحمد	۵۷/۳	۶۲/۲	-
گیلان	۶۲/۲	۶۸/۷	۶۰۵/۶۵
لرستان	۵۹	۶۱	۴۱۳/۵۴
مازندران	۶۱/۹	۶۹/۲	۷۰۰/۴۹
مرکزی	۶۳	۶۶/۵	-
هرمزگان	۵۷	۵۵/۲	-
همدان	۵۵/۹	۶۶/۲	۵۳۴/۵۱
یزد	۶۰/۸	۷۱/۵	-
کل کشور	۵۸/۸	۶۳/۶	۵۸۱/۸۹

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۳

HDI نشان می دهد که در هر کشور، مناطق روستایی استانی تا رسیدن به مرحله تأمین گزینه های ضروری برای کلیه آحاد ملت، چه مسافتی را باید طی کند. از این رو، نمی توان آن را شاخص برای سنجش میزان رفاه یا سعادت مندی جامعه قلمداد کرد، بلکه شاخصی که میزان توانمندسازی را اندازه گیری می کند و نشان می دهد که اگر مردم، سه گزینه اساسی مزبور را در اختیار داشته باشند، خواهند توانست سایر فرصتها را نیز به دست آورند. HDI به رغم برخورداری از نقایص احتمالی، می تواند جایگزینی مناسب، برای نشان دادن تولید ناخالص ملی سرانه باشد؛ به طوری که روز به روز، کار برد آن برای نظارت بر میزان پیشرفت ملل و جامعه جهانی بیشتر می شود.

HDI، تنها تصویری کلی از اوضاع و احوال توسعه انسانی در مناطق مورد نظر ارائه می دهد. از این رو، نمی توان آن را معیاری فراگیر برای سنجش توسعه انسانی قلمداد کرد. برای به دست آوردن تصویری کاملتر از توسعه انسانی در هر کشور، لازم است از سایر نمایانگرهای مهم در توسعه انسانی به عنوان مکمل HDI استفاده شود. طی سالها، جرح و تعدیلهایی چه به لحاظ روش شناسی و چه از نظر داده ها، در HDI صورت گرفته است و اینک می توان این شاخصها را برای ارزیابی میزان پیشرفت کشورها یا مناطق روستایی استانهای کشور در طول زمان، با هم مقایسه کرد یا HDI را به تفکیک منطقه جغرافیایی، مناطق شهری و روستایی، گروه قومی، سطح درآمد یا جنسیت مورد استفاده قرار داد [مأخذ (۱) و (۳)].

اکنون با توجه به توضیحات تفصیلی در زمینه روش شناسی و شاخص بندی توسعه انسانی، در این مقاله می خواهیم وضعیت و رتبه مناطق روستایی استانهای کشور را در مقیاس ملی و جهانی از نظر شاخص توسعه انسانی بررسی کنیم. نمایانگرهای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استانهای کشور و منابع آماری آن به این شرح است:

۱- امید به زندگی: برای این زیر شاخص «امید به زندگی جمعیت<sup>(۱۰)</sup> در مناطق روستایی ۲۴ استان کشور در فاصله سالهای ۷۰ - ۱۳۶۵» و از مأخذ: «مطالعات تحول جمعیت ایران در

طرح‌ریزی کالبدی ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۱» استفاده شده است.

۲- باسوادی: برای این زیر شاخص از «نسبت باسوادی به جمعیت ۶ ساله و بیشتر در مناطق روستایی ۲۴ استان کشور در سال ۱۳۷۰» و از مآخذ «مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ استفاده شده است».

۳- تولید ناخالص داخلی (برحسب قدرت خرید به دلار): برای این نمایانگر از «متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی در مناطق روستایی استانهای منتخب کشور در سال ۱۳۷۳» و از مآخذ «مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۳» استخراج کرده‌ایم. جدول شماره ۲

## ■ شاخص توسعه انسانی ایران در جهان

شاخص توسعه انسانی، از هر شاخص مرکب یا حتی از هر مجموعه شاخص آماری تفصیلی، مفهومی عمیق‌تر و غنی‌تر ارائه می‌دهد. مبنای انتخاب ابعاد اساسی و نشانگرهای متشکله شاخص توسعه انسانی را ظرفیتهای اولیه مردم در جهت مشارکت و ایفای نقش در جامعه تشکیل می‌دهد.

ارزش عددی HDI هر کشور نشان می‌دهد که آن کشور تا رسیدن به اهداف تعیین شده، یعنی رسیدن به طول عمر ۸۵ سال، دسترسی به آموزش همگانی و سقف درآمد مکفی، چه مسافتی را باید طی کند. هر چه HDI کشوری به عدد یک نزدیکتر باشد، مسافتی که آن کشور باید تا رسیدن به مقصد طی کند، کمتر است. HDI هر کشوری در نقطه‌ای بین دو مقیاس ۰ و ۱ قرار می‌گیرد. پس HDI هر کشور، درجه موفقیت نسبی کشور در هر یک از سه متغیر اولیه را مشخص می‌سازد و میانگین ساده برای هر سه نمایانگر، در کشور مورد نظر استخراج می‌گردد. از زمان کاربرد HDI در سال ۱۹۹۰، نسبت به آن نقدهایی شده، که در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۳، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. این مباحث، اصلاح و تجدید نظر مداوم در روش‌شناسی و شکل ارائه HDI را به دنبال داشته است.

یکی از اصلاحات اساسی در گزارش ۱۹۹۴،

ثابت نگهداشتن ارقام هدف برای هر نمایانگر بود، تا کار تجزیه و تحلیل آن با گذشت زمان دچار اشکال نشود. جدول شماره (۳)، وضعیت رتبه‌بندی HDI کشورهای منتخب را نشان می‌دهد. جدول شماره ۳

رتبه‌بندی کشورها بر اساس ارزش عددی HDI آنها، در (HDI، ۱۹۹۵) نشان می‌دهد که از مجموع ۱۷۴ کشوری که HDI آنها محاسبه شده، ۶۳ کشور دارای توسعه انسانی بالا، ۶۴ کشور دارای توسعه انسانی متوسط و ۴۷ کشور نیز، دارای توسعه انسانی پایین قرار گرفته‌اند. در طی ۳۰ سال گذشته، سهم جمعیت ساکن در کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، تقریباً دو برابر شده است. کانادا، ایالات متحده و ژاپن، به ترتیب: بالاترین رتبه شاخص توسعه انسانی و در بین کشورهای در حال توسعه: قبرس، هنگ‌کنگ، بارابادوس بالاترین رتبه HDI و سیرالئون و نیجریه پایین‌ترین رتبه HDI را به خود اختصاص داده‌اند.

گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ توضیح می‌دهد که اکثر کشورهای خاورمیانه، بر خلاف پیشرفت‌های شایان توجهی که طی سه دهه گذشته در زمینه توسعه انسانی به دست آورده‌اند،

هنوز هم، تا رسیدن به مرحله توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از رشد اقتصادی خود، مسیر نسبتاً طولانی را طی کنند. در این گونه کشورها و بسیاری کشورهای دیگر، میانگینهای ملی، مانع از بر ملا شدن نابرابریهای عظیم می‌شود. تفکیک HDI در هر کشور بر اساس گروههای جمعیتی متفاوت، از عمق نابرابری میان سهم‌گروهها در توسعه انسانی حکایت دارد.

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه، از لحاظ رتبه شاخص توسعه انسانی و GDP واقعی سرانه، به ترتیب: در رتبه ۷ و ۶۲ کشورهای جهان قرار دارد. ایران از حیث شاخص توسعه انسانی با کشورهای اکوادور، دومینیکا، لیتوانی و کوبا هم رتبه و از حیث GDP واقعی سرانه با کشورهای کاستاریکا، کلمبیا، فیجی و برزیل هم رتبه است.

## ■ شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استانهای کشور در مقیاس ملی و جهانی

محاسبه HDI برای گروههای مختلف تشکیل دهنده یک جمعیت، همچون آینده‌ای

جدول (۳): رتبه‌بندی HDI کشورهای منتخب جهان و جایگاه ایران در سال ۱۹۹۲

کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	رتبه GDP واقعی سرانه	رتبه GDP واقعی سرانه منهای رتبه HDI
کانادا	۰/۹۵	۱	۸	۰۷
آمریکا	۰/۹۳۸	۲	۱	-۱
ژاپن	۰/۹۳۷	۳	۸	۵
ترکیه	۰/۷۹۲	۶۶	۶۵	-۱
جمهوری اسلامی ایران	۰/۷۷	۷۰	۶۲	-۸
اسپانیا	۰/۷۶۹	۷۱	۸۲	۱۱
کوبا	۰/۷۶۹	۷۲	۸۸	۱۶
برزیل	۰/۷۶۲	۷۶	۳۳	-۴۳
پاکستان	۰/۴۸۳	۱۲۸	۱۰۰	۲۸
افغانستان	۰/۲۲۸	۱۷۰	۱۵۸	-۱۲
نیجریه	۰/۲۰۷	۱۷۴	۱۵۶	۱۸

Source: Human Development Report, 1995; UNDP



تمام نما، نقاط ضعف و قوت جامعه را به خوبی در برابر دیدگان آشکار می‌سازد. تا کنون بسیاری از کشورها، اقداماتی جهت محاسبه HDI خود، به تفکیک منطقه جغرافیایی، جنس، گروه قومی و سطح درآمد، به عمل آورده‌اند. ارزشهای عددی یا مقادیر حاصل از این محاسبات تفکیکی، حکایت از نابرابریهای شدیدی دارد که کاهش فاصله میان آنها، اعمال سیاستهای ویژه‌ای را طلب می‌کند. نابرابریهای منطقه‌ای در نیجریه، برزیل و آفریقای جنوبی و ایالات متحده، اندازه‌گیری شده که از آن میان، نابرابریهای منطقه‌ای در نیجریه، جزء عمیق‌ترین نابرابریهای موجود در سطح جهان است و در مورد برزیل و آفریقای جنوبی به رغم کاهش نابرابریها، هنوز نابرابریهای

منطقه‌ای شدیدی وجود دارد و در آمریکا، برخلاف وجود قوانین و سیاستهای تساوی فرصتهای اشتغال و بازار، هنوز هم، تا رسیدن به برابری کامل، راهی دراز در پیش است.

قدر مسلم آن که، رفع نابرابریهای منطقه‌ای نه ممکن است و نه لازم، ولی شناخت بیشتر جوانب نابرابریها، در اتخاذ سیاستهای منطقه‌ای و تعیین راهبردهای منطقه‌ای، لازم و ضروری می‌نماید. برای حصول به نتایج دقیق‌تر و کاربردی‌تر در جدول (۴) و (۵) شاخص توسعه انسانی به تفکیک در مناطق روستایی استانهای کشور در مقیاس ملی و جهانی اندازه‌گیری شده و وضعیت شاخص توسعه انسانی و رتبه مناطق روستایی استانهای کشور، در مقیاس ملی و

جهانی، مشخص شده است.

### ■ خلاصه و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از وضعیت و رتبه شاخص توسعه انسانی و نمایانگرهای ترکیبی آن در مناطق روستایی استانهای کشور در مقیاس ملی (در مقایسه با مناطق روستایی استانها با همدیگر) و جهانی (جدول شماره (۴) و (۵) و (۶)) برخی نکات برجسته را آشکار می‌سازد:

- ۱- در جدول شماره (۴)، از مجموع ۲۴ استان کشور، HDI ۱۵ استان کشور محاسبه شده است که نشان می‌دهد: از لحاظ شاخص «امید به زندگی»، مناطق روستایی استانهای تهران، فارس و خوزستان، به ترتیب: بالاترین رتبه و

جدول شماره (۴): رتبه‌بندی HDI مناطق روستایی استانهای کشور (مقیاس ملی)

توسعه انسانی	درآمد سرانه (Y1)		باسوادی (Y1)		امید زندگی (Xi)			
	رتبه	شاخص (HDI)	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص		
۸	۰/۵۳۱	۵	۰/۶۲۳	۱۶	۰/۶۱۴	۱۶	۰/۳۵۶	آذربایجان شرقی
۱۲	۰/۳۷۳	۸	۰/۵۳۲	۲۲	۰/۲۹۳	۱۸	۰/۲۹۴	آذربایجان غربی
۲	۰/۸۷۹	۱	۱/۰۰	۱	۱/۰۰	۱۰	۰/۶۲۶	اصفهان
-	-	-	-	۱۳	۰/۷۱۶	۲۱	۰/۱۶۳	ایلام
-	-	-	-	۷	۰/۸۰۴	۱۲	۰/۴۴۹	بوشهر
۱	۰/۹۸۸	۲	۰/۹۸۹	۲	۰/۹۷۴	۱	۱/۰۰	تهران
-	-	-	-	۹	۰/۷۷۳	۱۴	۰/۳۷۹	چهارمحال و بختیاری
۱۳	۰/۲۵۷	۱۳	۰/۲۰۸	۱۹	۰/۵۶۲	۲۴	۰/۰۰	خراسان
۷	۰/۶۵۲	۷	۰/۵۳۷	۲۰	۰/۵۳۴	۳	۰/۸۸۴	خوزستان
۱۱	۰/۳۸۴	۱۲	۰/۲۲۳	۱۴	۰/۶۵۱	۱۹	۰/۲۷۹	زنجان
-	-	-	-	۴	۰/۸۳۲	۵	۰/۸۰۶	سمنان
۱۵	۰/۰۲۳	۱۵	۰/۰۰	۲۴	۰/۰۰	۲۲	۰/۰۶۹	سیستان و بلوچستان
۳	۰/۷۸۷	۶	۰/۶۱۸	۸	۰/۷۸۱	۲	۰/۹۶۱	فارس
۱۴	۰/۲۳۷	۱۰	۰/۴۱۱	۲۳	۰/۲۶۹	۲۳	۰/۰۳۱	کردستان
۵	۰/۷۳۶	۳	۰/۷۵۸	۱۲	۰/۷۲۲	۸	۰/۷۲۸	کرمان
-	-	-	-	۱۸	۰/۵۸۲	۱۳	۰/۳۹۵	کرمانشاه
-	-	-	-	۱۵	۰/۶۳۰	۱۵	۰/۳۷۲	کهگیلویه و بویراحمد
۶	۰/۶۹۸	۹	۰/۵۲۷	۶	۰/۸۱۵	۶	۰/۷۵۲	گیلان
۱۰	۰/۴۲۳	۱۴	۰/۱۷	۱۷	۰/۵۹۶	۱۱	۰/۵۰۴	لرستان
۴	۰/۷۵۳	۴	۰/۷۰۳	۵	۰/۸۲۹	۷	۰/۷۲۸	مازندران
-	-	-	-	۱۰	۰/۷۵۳	۴	۰/۸۱۴	مرکزی
-	-	-	-	۲۱	۰/۴۳۳	۱۷	۰/۳۴۹	هرمزگان
۹	۰/۴۶۸	۱۱	۰/۳۹۵	۱۱	۰/۷۴۴	۲۰	۰/۲۶۴	همدان
-	-	-	-	۳	۰/۸۹۵	۹	۰/۶۶۴	یزد
-	-	-	-	۰/۵۸۲	۰/۶۶۵	-	۰/۴۸۸	کل کشور

استانهای خراسان، سیستان و بلوچستان و کردستان پایین ترین رتبه را از آن خود کرده‌اند. از لحاظ شاخص «باسوادی»، مناطق روستایی استانهای اصفهان، تهران و یزد بالاترین رتبه و استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی پایین ترین رتبه و از آن میان، مناطق روستایی سایر استانها حد فاصل این دو رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ درآمد سرانه، مناطق روستایی ۱۵ استان منتخب، مناطق روستایی استانهای اصفهان و تهران بالاترین رتبه و مناطق روستایی استانهای سیستان و بلوچستان و لرستان پایین ترین رتبه را از آن خود کرده‌اند.

از لحاظ شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ۱۵ استان منتخب، استانهای تهران، اصفهان و یزد، بالاترین رتبه شاخص توسعه انسانی و استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و خراسان پایین ترین رتبه شاخص توسعه انسانی و مناطق روستایی سایر استانها در حد فاصل آن قرار داشته‌اند.

۲- جدول شماره (۵)، رتبه شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استانهای منتخب کشور را در مقایسه با ۱۷۴ کشور جهان نشان می‌دهد. در تبدیل درآمد سرانه مناطق روستایی استانهای کشور از ریال به دلار از نرخ ارز شناور (۱۵ = ۱۷۵۰ ریال) در سال ۱۳۷۳ استفاده شده است و افزون بر

این به دلیل سهم بالای اقتصاد معیشتی و پایین جلوه دادن درآمدها از سوی خانوارهای روستایی، به نظر می‌رسد درآمد سرانه مناطق روستایی بسیار پایین است؛ به طوری که بالاترین درآمد سرانه متعلق به مناطق روستایی استانهای اصفهان و تهران، به ترتیب ۴۹۱/۷ و ۴۸۸/۵ دلار و پایین ترین درآمد سرانه متعلق به مناطق روستایی استانهای سیستان و بلوچستان و لرستان، به ترتیب: ۱۸۳/۸ و ۲۳۶/۱ دلار و از آن میان، مناطق روستایی استان زنجان، درآمد سرانه ۲۵۲/۷ دلار دارند. در محاسبه و شاخص بندی درآمد سرانه، از جدول شماره (۳) که اقتباس از صفحات ۲۸ و ۷۰ و ۷۱ گزارش توسعه انسانی سال

جدول شماره (۵): رتبه بندی HDI مناطق روستایی استانهای کشور (مقیاس جهانی)

استان	شاخص امید به زندگی (X <sub>1</sub> )	شاخص باسوادی (X <sub>2</sub> )	درآمد سرانه		توسعه انسانی	
			دلار	شاخص (X <sub>3</sub> )	رتبه جهانی HDI	شاخص (HDI')
آذربایجان شرقی	۰/۵۳۵	۰/۶۱۶	۳۷۵/۸	۰/۰۳۴	۱۴۲ و ۱۴۳	۰/۳۹۵
آذربایجان غربی	۰/۵۲۲	۰/۵۰۳	۳۴۷/۵	۰/۰۲۸	۱۵۰ و ۱۵۱	۰/۳۵۱
اصفهان	۰/۵۹۵	۰/۷۵۲	۴۹۱/۷	۰/۰۵۶	۱۳۱ و ۱۳۲	۰/۴۶۸
ایلام	۰/۴۹۳	۰/۶۵۲	-	-	-	-
بوشهر	۰/۵۵۵	۰/۶۸۳	-	-	-	-
تهران	۰/۶۷۳	۰/۷۴۳	۴۸۸/۵	۰/۰۵۶	۱۲۷ و ۱۲۸	۰/۴۹
چهارمحال و بختیاری	۰/۵۴	۰/۶۷۲	-	-	-	-
خراسان	۰/۴۵۸	۰/۵۹۸	۲۴۸	۰/۰۰۹	۱۵۰ و ۱۵۱	۰/۳۵۵
خوزستان	۰/۶۴۸	۰/۵۸۸	۳۴۹	۰/۰۲۹	۱۳۷ و ۱۳۸	۰/۴۲۲
زنجان	۰/۵۱۸	۰/۶۲۹	۲۵۲/۷	۰/۰۱	۱۴۲ و ۱۴۳	۰/۳۸۶
سمنان	۰/۶۳۲	۰/۶۹۳	-	-	-	-
سیستان و بلوچستان	۰/۴۷۳	۰/۴۰	۱۸۳/۸	۰/۰۰۴	۱۶۴	۰/۲۹۱
فارس	۰/۶۶۵	۰/۶۷۵	۳۷۴/۱	۰/۰۳۴	۱۳۲	۰/۴۵۸
کردستان	۰/۴۶۵	۰/۴۹۵	۳۱۰/۳	۰/۰۲۱	۱۵۸ و ۱۵۹	۰/۳۲۲
کرمان	۰/۶۱۵	۰/۶۵۴	۴۱۷/۲	۰/۰۴۲	۱۳۴ و ۱۳۵	۰/۴۳۷
کرمانشاه	۰/۵۴۳	۰/۶۰۵	-	-	-	-
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۳۸	۰/۶۲۲	-	-	-	-
گیلان	۰/۶۲	۰/۶۸۷	۳۴۶/۱	۰/۰۲۸	۱۳۳ و ۱۳۴	۰/۴۴۵
لرستان	۰/۵۶۷	۰/۶۱	۲۳۶/۳	۰/۰۰۷	۱۴۲ و ۱۴۳	۰/۳۹۴
مازندران	۰/۶۱۵	۰/۶۹۲	۳۰۰/۴	۰/۰۳۸	۱۳۳ و ۱۳۴	۰/۴۴۸
مرکزی	۰/۶۳۳	۰/۶۶۵	-	-	-	-
هرمزگان	۰/۵۵۳	۰/۵۵۲	-	-	-	-
همدان	۰/۵۱۵	۰/۶۶۲	۳۰۵/۴	۰/۰۲	۱۴۲	۰/۳۹۹
یزد	۰/۵۹۷	۰/۷۱۵	-	-	-	-
کل کشور	۰/۵۶۳	۰/۶۳۴	۳۳۲/۵	۰/۰۲۶	۱۴۰ و ۱۴۱	۰/۴۰۸

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری خانوارها در مرداد خرداد ۱۳۷۳

۱۹۹۴ است، استفاده کرده‌ایم.

اکنون با فرض صحت و واقع‌بینی ملاحظات فوق، بالاترین رتبه شاخص توسعه انسانی را مناطق روستایی استانهای تهران، اصفهان و فارس، به ترتیب رتبه‌های ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲ را در مقیاس جهانی دارا هستند و نیز، پایین‌ترین رتبه شاخص توسعه انسانی را، مناطق روستایی استانهای سیستان و بلوچستان و کردستان، به ترتیب: رتبه‌های ۱۶۴ و ۱۵۸ را به خود اختصاص داده‌اند و از این میان، مناطق رتبه شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی سایر استانهای منتخب حد فاصل ۱۲۷ و ۱۶۸ در مقیاس جهانی قرار دارند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اولاً نابرابریهای منطقه‌ای مناطق روستایی در مقایسه با سایر کشورها پایین (۳۷ واحد) است و ثانیاً تمامی مناطق روستایی استانهای کشور، دارای توسعه انسانی پایین هستند.

شاخص توسعه انسانی، برای برانگیختن بحث سیاسی - مالی، برای اولویت دادن به توسعه انسانی، برای نمایاندن نابرابریهای درون کشوری، به منظور گشودن بحثهای جدیدی برای تجزیه و تحلیل‌های آکادمیک و گزارشها و آمارهای کشوری و برای برانگیختن گفتگو در باب سیاست اعطای

کمک، می‌تواند به طور وسیع، مورد استفاده قرار گیرد.

هرچند، ایران، جزء اولین کشورهایی است که برای دستیابی به توسعه، اقدام به تهیه برنامه کرد و تا سال ۱۳۵۶، تعداد ۵ برنامه تهیه و اجرا شد، اما از آنجایی که یکی از خصیصه‌های برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب، بی‌توجهی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و معطوف به رشد مناطق شهری تحت تأثیر نظریات آرتور لونیس بود، منجر به، تشدید نابرابریهای منطقه‌ای و مهاجرت از مناطق محروم به سایر مناطق شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رفع محرومیت و ایجاد توازنهای منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. شناسایی مناطق جغرافیایی محروم، از کارهای مقدماتی در این

مقاله به حساب می‌آید. نتایج بررسیها نشان می‌دهد، که پس از انقلاب، شکاف بین استانهای کشور، و مناطق شهری و روستایی و هم در بین آنها، کاهش یافته است. این در حالی است که نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تمامی مناطق روستایی کشور، دارای توسعه انسانی پایین هستند و برای رسیدن به توسعه انسانی بالا، راه درازی را در پیش دارند.

### پی‌نوشتها:

- 1- Human Development Index (HDI)
- 2- United Nations Development Program (UNDP)
- 3- Human Development Report (HDR)
- 4- McGillivray , 1991; Hopkins , 1991; Rao; 1991; McGillivray and White , 1993

۵- مردم باید قادر شوند، در فرایند درآمدزایی و اشتغال‌جیرانی، مشارکت فعال داشته باشند؛ (رشد اقتصادی)

۶- موانع موجود بر سر راه فرصتهای اقتصادی و سیاسی باید به گونه‌ای برطرف شود که مردم بتوانند، ضمن مشارکت در این فرصتها، از منابع آنها بهره‌مند شوند، دسترسی و برخورداری مساوی از فرصتها

۷- هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی نه تنها برای نسلهای حاضر، بلکه باید برای نسلهای بعدی، ذخیره‌سازی و جبران شود؛ تضمین دسترسی به فرصتها برای نسلهای آینده

۸- مردم باید در جریان تصمیمات و فرآیندهایی که زندگی آنها را شکل می‌دهند، مشارکت تام داشته باشند، توسعه توسط مردم، نه برای مردم.

۱۰- جمعیت ایران یکی از جوانترین جمعیت‌های دنیاست. برآوردهای متعددی که از امید به زندگی در ایران وجود دارد، نشان می‌دهد که امید به زندگی از ۲۷/۵ سال (رگر سال ۱۳۳۵ به ۶۷/۵ سال برای مناطق روستایی و ۶۸ سال برای مناطق شهری در سال ۱۳۷۱ تغییر کرده است.

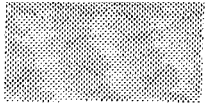
بقیه در صفحه ۷۵

جدول شماره (۶): طبقه‌بندی مناطق روستایی استانهای همکن از لحاظ شاخصهای «امید زندگی»، «بأسوادی»، «درآمد سرانه» و «توسعه انسانی»

استان	شاخص امید به زندگی (X1')	شاخص باسوادی (Y1')	درآمد سرانه	توسعه انسانی
تهران، فارس	۰/۹۰ <	اصفهان، تهران	اصفهان، تهران	تهران
۰/۸۹ < ۰/۸۰	خوزستان، سمنان و مرکزی	بوشهر، سمنان، گیلان، مازندران، یزد	-	اصفهان
۰/۷۹ < ۰/۷۰	کرمان، گیلان، مازندران	ایلام، چهارمحال و بختیاری	کرمان، مازندران	فارس، کرمان، مازندران
۰/۶۹ < ۰/۶۰	اصفهان، یزد	آذربایجان شرقی، زنجان	آذربایجان شرقی، فارس	خوزستان، گیلان
۰/۵۹ < ۰/۵۰	لرستان	خراسان، خوزستان، کرمانشاه	آذربایجان غربی، خوزستان، گیلان	آذربایجان شرقی
۰/۴۹ < ۰/۴۰	بوشهر	هرمزگان	کردستان	لرستان، همدان
۰/۳۹ < ۰/۳۰	آذربایجان شرقی، هرمزگان	-	همدان	آذربایجان غربی، زنجان
۰/۲۹ < ۰/۲۰	آذربایجان غربی، زنجان	آذربایجان غربی، کردستان	خراسان، زنجان	خراسان، کردستان
۰/۱۹ < ۰/۱۰	ایلام	-	لرستان	-
۰/۰۹ <	سیستان و بلوچستان، خراسان، کردستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۳





# آمایش سرزمین و توسعه روستایی

## از دیدگاه جغرافیای کاربردی

رحیم سرور

### ● مقدمه

اصطلاح "آمایش سرزمین"<sup>(۱)</sup> برابر عبارت انگلیسی Land Use به کار رفته است، این واژه دارای دو معنا می‌باشد:  
۱- زمین در وضع موجود چگونه و به چه اندازه برای انواع کاربریها اختصاص یافته است.  
۲- بهینه‌ترین کاربری زمین با توجه به توان اکولوژیکی آن چیست؟

این واژه در معنای دوم (آمایش سرزمین) بیش از چند دهه نیست که پژوهشگران به ویژه جغرافی‌دانان استفاده می‌نمایند. واقعیت این است که توسعه کشاورزی و صنعتی مسائل مهمی را در محیط زیست انسان موجب شده است که افزایش آلودگی آب، فرسایش خاک، تقلیل تولیدات کشاورزی و ... نمونه‌هایی از آن است، پدید آمدن این گونه مسائل بیانگر بهره‌برداری نامعقول از زمین و اختصاص آن به کاربریهای است که توان لازم را برای آن نوع کاربری ندارد. بنابراین پیدایش اصطلاح "آمایش سرزمین" که به معنی استفاده از سرزمین متناسب با خصیصه‌های اکولوژیکی آن است، در واقع راه حلی است بهینه برای تقلیل آثار سوء تخریب محیط زیست و حتی توسعه بدون تخریب. با توجه به این واقعیت که هدف جغرافیای کاربردی نیز "توسعه پایدار" یعنی سرزمین آرایبی بدون

سرزمین آلابی است، می‌توان به ارتباط آمایش سرزمین و جغرافیا پی برد. زیرا اساس هر دو توسعه است اما نه توسعه به هر قیمتی. جغرافیا به عنوان یک علم، اهداف توسعه روستایی را توضیح می‌دهد و آمایش به عنوان مجموعه‌ای از شیوه‌ها، فنون و هنرها می‌کوشد تا آنرا عملی سازد. جغرافیا توضیح می‌دهد و آمایش تغییر، جغرافیا تبیین می‌کند و آمایش طراحی<sup>(۲)</sup>  
عدم توجه به کاربری بهینه و استفاده غیر

اصولی از زمین در مناطق روستایی و شدت یافتن اینگونه استفاده به موازات افزایش جمعیت مطلق مناطق روستایی در یک روند ۳۰ ساله، موجب شده که منابع طبیعی به عنوان سرمایه‌های اصلی مناطق روستایی کشور مسیری را بپیمایند که در نهایت به عدم تعادل اکولوژیکی در پهنه سرزمین منتهی شده است، امروزه بخشی از تبعات این عدم تعادل اکولوژیکی را به صورت تشدید مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها شاهد هستیم.

هدف این مقاله بررسی مراحل و علل پیدایش عدم تعادل اکولوژیکی در مناطق روستایی، سپس ارائه راه‌حلهای عملی در قالب جغرافیای کاربردی به منظور برقراری تعادل اکولوژیکی است. سلسه مراتب و نحوه ارائه مطالب یا به عبارتی دیگر ساختار کلی مقاله مطابق نمودارهای یک و دو می‌باشد.

### ■ تنوع آمایشی منابع کشاورزی

کاربری اراضی کشور در حال حاضر بر طبق نمودار شماره سه می‌باشد. براساس این نمودار کاربری اراضی در ایران برای امر کشاورزی اغلب تحت تأثیر دشواریهای محیطی قرار دارد. به طوری که حدود ۵۰ درصد از کل مساحت کشور را کوه، بیابان، کویر و صحرا در بر می‌گیرد و مساحت اراضی حاصلخیز فقط ۱۱ درصد (۱۶ میلیون هکتار) کل مساحت کشور را شامل می‌شود که ۵۸ درصد از جمعیت کشور نیز، بروی همین اراضی استقرار یافته‌اند. به طور کلی به علت تنوع آب و هوا و کیفیت زمین، مناطق کشاورزی ایران بیشتر منحصر به مناطق شمال، غرب و شمال غرب است. با اینحال از طرفی کشاورزی ما در چند دهه اخیر به لحاظ افزایش بهره‌برداری از اراضی و گسترش نسبی زیرساختهای کشاورزی رشد و گسترش چشمگیری یافته است و از طرف دیگر، در حال حاضر بهره‌برداری از زمین با مشکلات و محدودیتهای بسیاری رو به رو است که به عنوان مانعی در جهت توسعه بیشتر کشاورزی و نهایتاً توسعه روستایی عمل می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که به رغم استعدادهای نسبتاً بالای کشاورزی ایران، ابعاد خرد مالکیتها و قطعات کوچک بهره‌برداری، سطح نازل سواد کشاورزان، ضعف خدمات عمومی در زمینه توسعه زیر ساختهای کشاورزی، استفاده

از زمین، پائین بودن تولید، فشار جمعیت بر روی منابع و ضعف بنيه مالی اکثر کشاورزان، از جمله عواملی هستند که کارایی تخصیص منابع در این بخش را تنزل می‌دهند. به طوری که رشد تولیدات این بخش نیز نیازهای مواد غذایی جمعیت رو به رشد را، برآورده نمی‌سازد که در این ارتباط استفاده نادرست از زمین و رشد بی‌رویه جمعیت از مهمترین عواملی هستند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

### ■ حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از سرزمین

عدم توجه به آمایش سرزمین و یا حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از سرزمین به این معنی است که از زمین و آب به اندازه توان یا ظرفیت آن استفاده نشود. به بیانی ساده در زمینی مرتعداری صورت بگیرد که توانی برای این نوع

کاربری ندارد، و یا در زمینی کشت آبی صورت بگیرد که نسبت به آبیاری حساس است، همچنین در زمینی کشت دیم به عمل آید که شیب تند آن موجب فرسایش خاک دامنه شود (۴) و ...

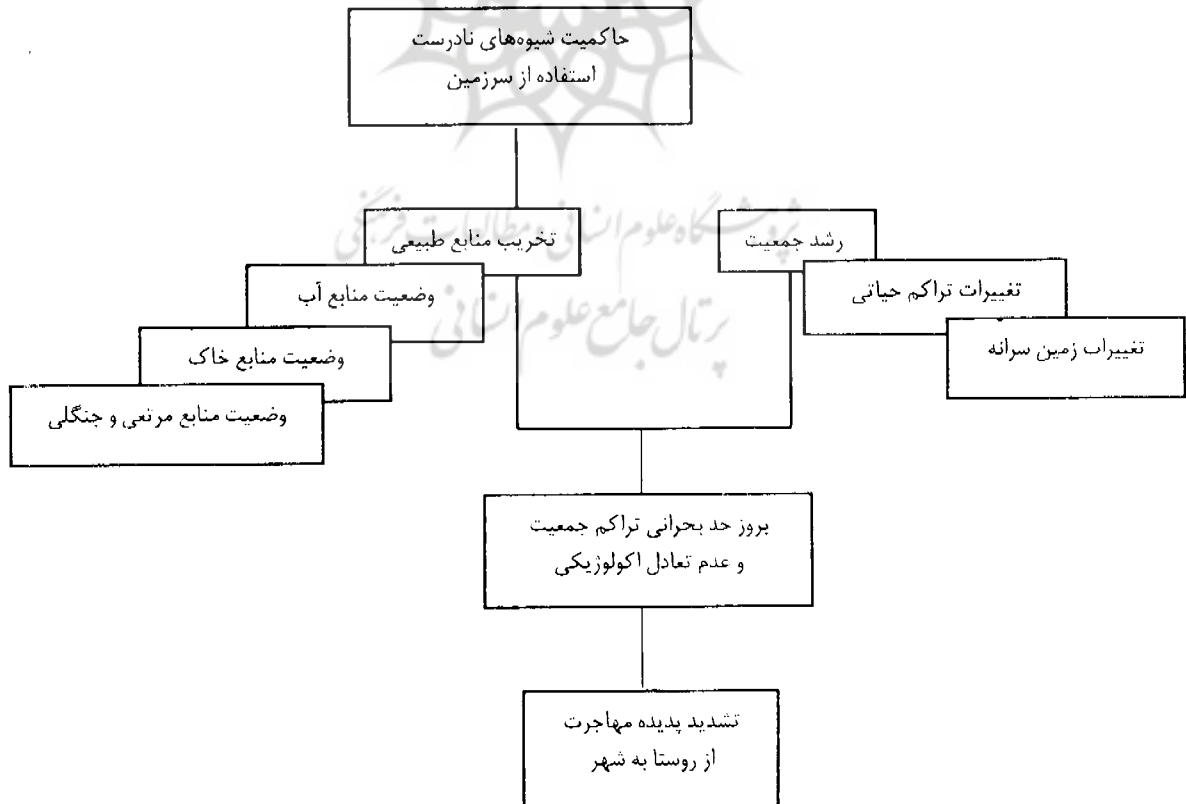
در همین زمینه لازم به توضیح است که در قرون گذشته، یعنی در دورانی که جمعیت بسیار کمتر از حد کنونی بود، بیشتر جوامع روستایی در تعادلی نسبتاً پایدار با محیط خود به سر می‌بردند و در مواردی که کاربری زمین صحیح و درست نبود به لحاظ بالابودن قدرت خودپالایی طبیعت تبعات سوء آن چندان مشهود نمی‌شد. با افزایش جمعیت و نیاز به مواد غذایی برای جمعیت رو به رشد، اراضی زیادی بدون رعایت و توجه به توانهای اکولوژیکی به زیر کشت رفت. اختصاص اراضی به کاربریهایی که در اکثر موارد با خصیصه‌های طبیعی آنها سازگار نبود، از یک طرف و رشد بی‌رویه جمعیت از طرف دیگر، تعادل پایدار یاد

شده را بر هم زد.

انسانها برای ادامه حیات، راهی جز استفاده از زمین و ایجاد نظام معیشتی متکی بر زمین ندارند. ولی از زمانی که رشد جمعیت روند رو به تزایدی را به خود گرفته، به علت نیاز شدید به منابع طبیعی، رفتار زیستی و ارتباط اکولوژیکی انسانها با محیط طبیعی خودشان بدون انطباق با بار و ظرفیت و قابلیت‌های اکولوژیکی محیط ادامه یافته و تحت تأثیر همین استفاده‌های نامعقول، به مرور زمان از قابلیت و توانائی محیط کاسته شده است. در حال حاضر نشانه‌های خطر آنچنان آشکار شده که به نظر می‌رسد، به منظور بقاء و دوام حیات چاره‌ای جز تغییر سیستم بهره‌برداری از زمین وجود ندارد. (۵) در ادامه برای نشان دادن بخشی از تأثیرات مخرب حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از زمین و یا به عبارتی عدم توجه به آمایش زمین، لازم است. نگاهی به وضعیت

#### نمودار شماره یک

شمای کلی پیدایش عدم تعادل اکولوژیکی در مناطق روستایی کشور



منابع طبیعی کشور داشته باشیم.

## ■ وضعیت منابع طبیعی کشور (تشخیص وضعیت و گرایشات موجود)

یکی از سازه‌های اصلی در تعیین ناپایداری زیست‌محیطی یک کشور، کشاورزی مبتنی بر استفاده نادرست از زمین و یکارگیری بیش از حد سایر نهادها نظیر کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات است که نتیجه نهایی آن تخریب منابع طبیعی است.

## ■ منابع آب

به لحاظ اقلیم خشک و نیمه خشک، کشور ایران، کلاً کم‌آب محسوب می‌شود که حاکمیت روشهای سنتی در استفاده و بهره‌گیری از آبهای سطحی به همراه بهره‌برداری بیش از حد از سفره‌های آب زیرزمینی، مسائل و مشکلات بی‌شماری را در این زمینه به وجود آورده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۲ در استان یزد حداکثر مقدار آبی که باید استخراج می‌شد، ۹۸۴ میلیون متر مکعب بوده است، حال آنکه مقدار آب برداشت شده برابر ۱،۱۴۸ میلیون متر مکعب بوده است، یعنی ۱۶۴ میلیون متر مکعب برداشت اضافی (۶) بهره‌برداری بی‌رویه از اصل سرمایه آبی کشور نه تنها به پائین افتادن سطح آبهای زیرزمینی، بلکه به انهدام و خشک شدن قنات‌ها، نشست زمین، ایجاد شکاف در زمینهای کشاورزی و ... نیز می‌انجامد. با توجه به مطالب فوق عامل آب، مهمترین عامل محدودکننده بهره‌برداری از زمین به شمار می‌آید، لذا برنامه‌ریزی استفاده بهینه از زمین باید به موازات برنامه‌ریزی بهره‌برداری بهینه و کنترل منابع آب صورت گیرد. (۷)

## ■ منابع خاک

گیاه بدون خاک و انسان بدون گیاه، نمی‌تواند زندگی کند. خاک‌های در دسترس از جمله ثروت ملی است که در طول صدها میلیون سال در اختیار ما قرار گرفته است. اما همین خاک به علت استفاده نادرست در معرض فرسایش قرار گرفته و دائماً از دسترس ما خارج شده. و نهایتاً تولید مواد غذایی و توسعه روستایی را، تحت تأثیر قرار داده است. استفاده بیش از حد از مراتع، تخریب جنگلها، کشاورزی بر روی اراضی شیب‌دار بدون

توجه به عملیات آبخیزداری و گسترش بی‌رویه شهرها بر روی اراضی حاصلخیز، بر روی فرایندهای فرسایش به نسبتی تشدید شونده اثر گذاشته‌اند. طبق برآورد سازمان فائو در سال ۱۹۸۰ برابر ۵۶ میلیون هکتار یا  $\frac{1}{3}$  سطح کشور دارای فرسایش بیش از ۱۰ تن در هکتار، خواهد شد و همچنین به علت گسترش ساخت و سازهای شهری، فعالیت‌های کشاورزی و راهسازی، سالانه معال ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشور از دست می‌رود و پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲ میلیون هکتار برسد (۸).

## ■ منابع مرتعی

وسعت مراتع کشور حدود ۹۰ میلیون هکتار است که شامل (۹):  
- ۱۴ میلیون هکتار مراتع خوب علفی یا ییلاقی درجه یک  
- ۶۰ میلیون هکتار مراتع بوته‌ای یا قشلاقی با درجه متوسط  
- ۱۶ میلیون هکتار مراتع فقیر حاشیه کویر امروزه منابع مرتعی کشور تحت تأثیر عوامل زیر در مسیر تخریب و نابودی قرار گرفته‌اند. (۱۰)  
- استفاده بی‌رویه و مستقیم انسان از مراتع مانند به زیر کشت بردن مراتع استفاده از گیاهان آن به عنوان ماده سوختنی، داروی و صنعتی  
- استفاده بی‌رویه و غیرمستقیم انسان از مراتع (بر اثر چرای بی‌رویه دامها).

تحت تأثیر عوامل مزبور در حال حاضر علوفه موجود در مراتع کشور توانایی تأمین غذای ۱۶ میلیون دام و در بهترین شرایط ۶۰ میلیون دام را دارد که حتی رقم اخیر نیز پاسخگوی نیاز فعلی جمعیت نیست و به همین دلیل علوفه از اقلام وارداتی کشور است. در زمینه تخریب مراتع به عنوان نمونه می‌توان به تخریب شدید مراتع مراوه تپه در شمال شرقی گرگان، مراتع سمیرمن اصفهان، مراتع دشت مغان و مراتع دیواندره کردستان در طی ۲ دهه اخیر اشاره کرد.

## ■ منابع جنگلی

جنگلها که در اعتدال آب و هوا، سلامت محیط زیست و جلوگیری از فرسایش خاک، نقش

عمده‌ای دارند از مهمترین منابع تولید چوب، جذب گازکربنیک و تولید اکسیژن به شمار می‌روند. در حال حاضر وسعت جنگلهای ایران حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار است و گفته می‌شود که چهل سال قبل، وسعت آنها حدود ۱۸ میلیون هکتار بوده تفاوت این دو عدد جنگلهایی است که تخریب شده‌اند (۱۱).

بهره‌برداری از عرصه جنگل به منظور توسعه اراضی کشاورزی، باغات و اماکن مسکونی از جمله بهره‌برداریهای غیر اصولی است که به کاهش مساحت جنگلها می‌انجامد و متأسفانه این روند تخریب هنوز هم ادامه دارد.

## ■ روند رشد جمعیت و تغییرات تراکم حیاتی و زمین سرانه

براساس جدول شماره ۱ - ۲ و نمودارهای شماره چهار و پنج جمعیت کشور در چند دهه اخیر، به میزان چشمگیری افزایش یافته است. از سال ۱۳۵۸ نسبت جمعیت روستائین، روندی کاهشی داشته، اما از لحاظ قدر مطلق در حال افزایش بوده است. به طوری که در حال حاضر (۱۳۷۳) از جمعیت ۶۰ میلیونی ایران حدود ۲۵ میلیون نفر روستائین هستند (۱۲). به تبع این افزایش مطلق جمعیت، تراکم حسابی، حیاتی و زمین سرانه به ترتیب، روندی صعودی و نزولی داشته‌اند به طوری که براساس نمودار شماره پنج، تراکم نسبی جمعیت ایران در هر کیلومتر مربع به ۲ نفر در سال ۱۳۰۰، به ۵ نفر در سال ۱۳۰۰، به حدود ۱۲ نفر در سال ۱۳۳۵، به ۱۵ نفر در سال ۱۳۴۵، به حدود ۲۰ نفر در سال ۱۳۵۵ و بالاخره به ترتیب به ۳۰ و ۳۳ نفر در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ رسیده است. در مقابل، زمین سرانه از حدود ۳۳ هکتار برای هر نفر در سال ۱۳۰۰، به حدود ۲/۹ هکتار در سال ۱۳۷۰، بالغ گردیده است.

در زمینه تراکم بیولوژیک هم لازم به توضیح است که در سال ۱۳۳۵ تراکم حیاتی، حدود ۱/۶۶ نفر بوده است که در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب به ۲/۸۸ و ۳/۲۵ نفر رسیده است (جدول شماره ۲ - ۳). به عبارتی دیگر در سال ۱۳۳۵ هر هکتار از اراضی کشاورزی باید برای ۱/۶ نفر، غذا تولید می‌کرد، حال آنکه در سال ۱۳۷۰ این رقم به ۳/۳ نفر (۲ برابر) افزایش یافت. در این زمینه شایان توجه است که، از کل مساحت اراضی کشاورزی گزارش شده در آمارگیری سال ۱۳۷۰ فقط

۱۲۱۸۱۱۴۷ هکتار زیر کشت محصولات سالانه قرار داشته است. بدین قرار در سال ۱۳۷۰ در واقع هر هکتار زمین زراعی در کشور باید برای حداقل ۴/۵ نفر غذا تولید کند، در حالی که در سال ۱۳۳۵ - با احتساب ۰/۳ آیش گذاری - این تعداد فقط ۲/۵ نفر بوده است (۱۳).

به طور کلی روند رو به رشد قدر مطلق جمعیت مناطق روستایی کشور از یکطرف و تخریب منابع طبیعی به علت حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از سرزمین از طرف دیگر، علاوه بر تأثیرات مختلف در زمینه‌های متعدد، در ارتباط به با توسعه جامعه روستایی کشور، تأثیر عمده‌ای را بر جای گذاشته است و آن بروز پدیده "حد بحرانی تراکم جمعیت" (۱۴) و متعاقب آن تشدید پدیده مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری است. ارجاع دادن بروز این پدیده به دو عامل رشد جمعیت و تخریب منابع طبیعی، از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که رشد جمعیت تا زمانی که به علت بهره‌برداری اصولی و صحیح از زمین معضل تخریب منابع طبیعی وجود ندارد، به تنهایی نمی‌تواند موجب بروز "حد بحرانی تراکم جمعیت" باشد (مراجعه شود به نمودار شماره یک).



### ■ مهاجرت از روستا به شهر

در تفکر و نگرش سیستمی، مناطق روستایی به عنوان یک سیستم، کلیت خود را از وظایفی کسب می‌کنند که، زیر مجموعه‌های اولیه سیستم یعنی، انسان ساکن در روستا و محیط طبیعی در تقابل و ارتباط با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند. نظر به اینکه در هر سیستم، تغییر در نقش و وظایف یک جزء در کلیت سیستم اثر می‌گذارد، لازم است سازماندهی، فضای زندگی با ساختار و مکانیسم هر مکان و استفاده از منابع زمین در چارچوب واقعیت‌های نهفته در منابع مورد اشاره، صورت گیرد، تا بران اساس قوام و تعادل سیستم لطمه نیندند. محیط برای یک روستایی بمثابة ظرفی است که مظلوف آن روستا است. این مظلوف با توجه به توانهایی که در زمینه‌های مختلف تولیدی دارد پذیرای تعداد مشخصی از جمعیت می‌شود. تا موقعی که بین این مظلوف یعنی استعدادهای محیط طبیعی و انسانهای ساکن در آن، تعادلی وجود داشته باشد، مهاجرت‌های زیادی صورت نخواهد گرفت. ولی اگر بنا به عللی این تعادل به هم بخورد، ما شاهد مهاجرت‌های بسیاری

از مناطق روستایی به نقاط دیگر خواهیم بود. این تعادل ممکن است به دو علت به هم بخورد:  
- افزایش بیش از حد جمعیت نسبت به توان و ظرفیت پذیرش محیط  
- سنتی بودن نظام بهره‌برداری و حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از زمین که در نهایت به پائین آمدن بازده تولید منجر می‌شود.  
ریشه‌یابی علل مهاجرت از روستا به شهر در قبل و بعد از اصلاحات ارضی نیز مؤید این مطلب است، که در کنار سایر عوامل مؤثر همچون عدم ایجاد اشتغال در بخش صنعت روستایی، پدیده مهاجرت از روستا به شهر تا حد زیادی متأثر از دو عامل یادشده می‌باشد. به عبارت دیگر افزایش و رشد نسبتاً چشمگیر جمعیت و به موازات آن تخریب و انهدام توان تولیدی منابع طبیعی موجب پسندیش عدم تعادل اکولوژیکی در مناطق روستایی (عدم تعادل بین ظرف و مظلوف) می‌شود و به تبع آن پدیده مهاجرت از روستا به شهر شدت می‌یابد. (۱۵)  
پدیده مهاجرت از روستا به شهر دارای تأثیرات سوء بسیاری است که یکی از تأثیرات سوء

آن تشدید همین پروسه‌ای است که در میاخذ قبل به بررسی آن پرداخته شد. رشد بی‌رویه جمعیت شهری به علت مهاجرت روستائیان، اختصاص اراضی زراعی به توسعه‌های آتی شهری را سبب می‌شود، به طوری که براساس مطالعات صورت گرفته توسط دکتر توفیق، جمعیت شهری کشور در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید و در این فاصله (۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰) ما مجبور هستیم که ۷۰۰ هزار هکتار از زمینهای حاصلخیز خود را به ساخت و سازهای شهری اختصاص دهیم که این میزان تقریباً دو برابر مساحت همه شهرهای سال ۱۳۷۰ کشور می‌باشد. (۱۶)

البته خطر رشد بی‌رویه شهرها به دلیل تشدید پدیده مهاجرت از روستا به شهر تنها به اختصاص اراضی کشاورزی به کاربریهای مسکونی شهری خاتمه پیدا نمی‌کند، بلکه به ایجاد تنش‌های شهری همچون افزایش بهای زمین، ایجاد کارگاهها و ... نیز می‌انجامد.  
قبل از ارائه راه‌حل به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، لازم به توضیح است که: از آنجا که

حاکمیت شیوه‌های نادرست استفاده از زمین به تخریب منابع طبیعی کشور به عنوان سرمایه‌های اصلی تولید روستائیان می‌انجامد و این منابع تخریب شده نیز نمی‌توانند با ایجاد شغل و درآمد برای جمعیت رو به رشد، در مسیر رشد و توسعه روستایی قرار بگیرند، لذا با پیدایش عدم تعادل اکولوژیکی (عدم تعادل میان ظرف و مظروف) روبرو خواهیم بود که به صورت تشدید پدیده مهاجرت از روستا به شهر تجلی می‌یابد.

در نتیجه راه‌حلهای ما از دیدگاه جغرافیای کاربردی، هدف رسیدن به توسعه پایدار روستایی (سرزمین آریایی بدون سرزمین آلابی) و تأمین و برقراری تعادل اکولوژیکی در مناطق روستایی را از طریق دو اقدام موازی و همزمان در دستور کار خود قرار داده است؛ در ادامه به بررسی ابعاد مختلف این راه‌حلها می‌پردازیم:

### ■ ارائه راه‌حلها

#### ● راه حل کاهش رشد جمعیت

براساس جدول شمار ۱-۲ قدر مطلق جمعیت همیشه در حال افزایش بوده است، دو راه‌حل

کاهش رشد جمعیت را می‌توان به دو صورت راه‌حل بلندمدت و راه حل کوتاه‌مدت ارائه کرد.

#### ۱- راه‌حل بلندمدت

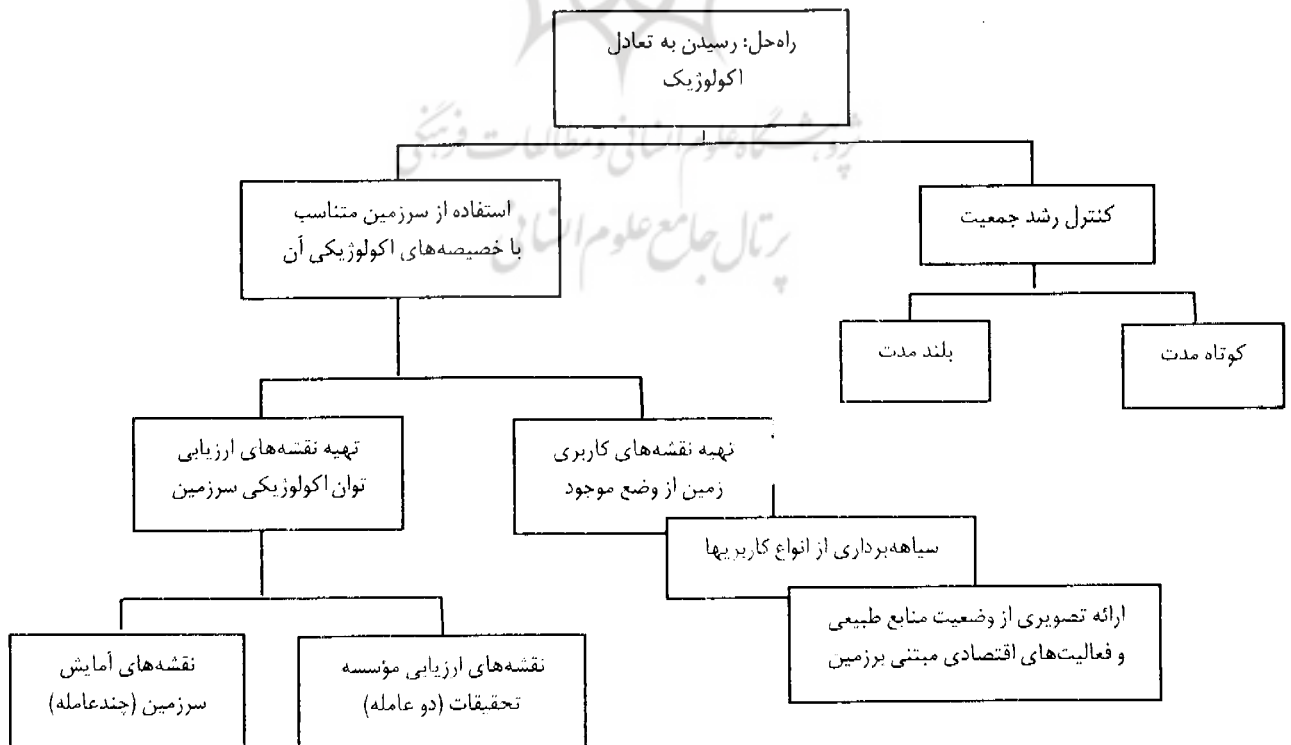
کنترل رشد جمعیت از طریق سیاست‌های تبلیغی، تشویقی و تنبیهی از جمله سیاست‌های بلند مدت است که باید در این زمینه اعمال شود. بلندمدت بودن این سیاست بدین علت است، که در انگاره گذار جمعیتی از طرفی تغییرات اجتماعی - فرهنگی ضروری برای به جریان انداختن مکانیسم تعدیل به طور خودکار رخ نخواهد داد (۱۷) و از طرفی دیگر پدیده جوانی جمعیت، نیروی محرکه نسبتاً قوی برای رشد جمعیت، خصوصاً در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، که اعمال سیاستهای کنترل رشد جمعیت و کاهش نرخ باروری این طبقه حداقل بعد از ۱۰ سال اثرات دموگرافیکی خود را نشان خواهد داد. (۱۸)

#### ۲- راه‌حل کوتاه مدت

واقعیتی که امروزه ما با آن مواجهیم این است که جمعیت روستایی با رشدی مضاعف در حال

افزایش است و روستاهای سنتی و متعارف امروزی به دلیل محدودیت‌هایی که به علت استفاده نادرست از منابع طبیعی و رسیدن جمعیت به ظرفیت ممکن محیطی، توانایی گنجایش و نگهداشت جمعیت سرریز خود را ندارند. این جمعیت سرریز ناگزیر راهی شهرهای همجوار می‌شود، که همین پدیده (مهاجرت از روستا به شهر) موجب شده طی ۲۰ سال (۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵) نسبت شهرنشینی در بعضی از استانها تا حدود ۲ برابر افزایش داشته باشد. این رشد ناخواسته در شرایطی به شکل خزنده پیش می‌رود که شهرها نیز به دلایل متعدد از جمله محدودیت‌های فضایی، کالبدی نمی‌توانند پذیرای جمعیت‌های مهاجر "سرریز" جوامع روستایی باشند. بنابراین راه حل کوتاه مدت این است که برای جلوگیری از مهاجرت جمعیت سرریز روستاها به شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ، و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مبادرت به تأسیس روستاهای "کشاورزی - صنعتی - خدماتی" شود و جمعیت سرریز روستاهای سنتی و قدیم در آنها اسکان

شمای کلی رسیدن به تعادل اکولوژیکی در مناطق روستایی کشور (ارائه راه حل)





این راه‌حل مزیت‌های زیادی دارد که از آن جمله می‌توان: به حفظ زمینهای کشاورزی، تقویت روند تولید مواد غذایی، خدمات‌رسانی به روستاهای پیرامونی، ممانعت از رشد بی‌رویه شهرگرایی و شهرنشینی و ... اشاره کرد.

● راه‌حل استفاده صحیح و اصولی از سرزمین متناسب با استعدادها و خصیصه‌های اکولوژیکی آن (تهیه نقشه‌های آمایش سرزمین)

از دیدگاه جغرافیای کاربردی یکی از عوامل مهم توسعه پایدار مناطق روستایی کشور در گرو استفاده صحیح و اصولی از سرزمین و این یک نیز، در گرو شناخت و ارزیابی دقیق منابع اکولوژیکی و سپس پیشنهاد کاربردی بهینه متناسب با خصیصه‌های اکولوژیکی آن است (آمایش سرزمین).

آمایش سرزمین موجب می‌شود که اراضی کشور را بنا به استعدادی که دارند به مصارف مناسب آن (دیم، مرتع، جنگل، شهرسازی و ...) اختصاص دهیم و این امر علاوه بر حفظ و حراست طبیعی و کسب غایدی در سطح ملی، کیفیت اراضی را دگرگون نکرده و تنزل نمی‌دهد. در نتیجه با برقراری تعادل اکولوژیکی توسعه همه جانبه فضای ملی اعم از شهری، روستایی و عشایری تضمین می‌شود (۲۰).

تهیه نقشه‌های کاربردی اراضی در وضع موجود پیش شرط تهیه نقشه‌های آمایش سرزمین می‌باشد، چراکه لازمه ارزش‌گذاری به هر پدیده، شناخت هر چه بهتر و دقیق‌تر آن است. بنابراین راه حل دوم را می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم کرد:

- تهیه نقشه‌های کاربردی اراضی در وضع موجود
- تهیه نقشه‌های ارزیابی توان اکولوژیکی محیط زیست (نقشه‌های آمایش سرزمین)

۱- نقشه‌های کاربردی اراضی در وضع موجود همچنان که از عنوان این قبیل نقشه‌ها بر می‌آید منظور از تهیه این نقشه‌ها وقوف بر این نکته است که زمین چگونه مصرف‌شده و یا چگونه مصرف می‌شود، به عنوان مثال سطح کل زمینهای یک روستا اندازه گرفته شده و مشخص می‌گردد که چه میزان از این سطح به باغداری،



کشاورزی و ... اختصاص یافته است.

از مهمترین کاربردهای نقشه‌های پوشش اراضی و یا کاربری اراضی امکانی است که این نقشه‌ها برای سباه برداری از انواع کاربریهای اصلی و یا حتی در حد فرعی و جزئی در اختیار می‌گذارند. این نقشه‌ها علاوه بر آن، موقعیت جغرافیایی انواع فعالیتهای بالفعل محدود روستاهای مورد مطالعه را نمایش می‌دهند، شمایی از حال و وضع طبیعی منطقه روستایی مورد نظر را به عنوان راهبردی به منظور رسیدن به کاربری مورد انتظار یا بهینه (آمایش سرزمین) نیز می‌نمایانند. (۲۱) نقشه‌های کاربری اراضی افزون بر اینکه تصویری کلی از وضعیت منابع طبیعی و فعالیتهای اقتصادی (از جمله کشاورزی و بهره‌برداری از مراتع و جنگلها) و رابطه فضایی موجود میان آنها را نشان می‌دهند، به عنوان پایه اطلاعاتی برای مطالعه تفصیلی روستا، برنامه‌ریزیهای بخشی (بخشهای مختلف از جمله منابع طبیعی)، نمونه‌گیریهای آماری، تحلیلهای مکانی و فضایی نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

نحوه تهیه نقشه‌های کاربری اراضی به طور

معمول بر مبنای استفاده از اطلاعات تصویری اخذشده از سطح زمین به هر یک از طرق ممکن است که از آن جمله میتوان، به عکسهای هوایی و تصاویر ماهواره‌ای اشاره کرد. برای تهیه نقشه کاربری اراضی در وضع موجود با استفاده از عکسهای هوایی و یا تصاویر ماهواره‌ای روشهای متفاوتی وجود دارد که یکی از روشهای متداول در این زمینه، روش معروف آندرسن است. بر مبنای این روش می‌توان از چهار سطح مختلف مطالعاتی برای تهیه یک نقشه کاربری سود جست. (۲۲)

از نقشه‌های کاربری اراضی در وضع موجود، نقشه‌های طرح کالبدی ملی ایران در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰ می‌باشد که از روی تصاویر سنجیده MSS (۲۳) ماهواره لندست تهیه شده‌اند (نقشه شماره یک)، همچنین نقشه‌های کاربری اراضی شهرستانهای مختلف در قالب طرحهای جامع شهرستان است که اغلب از روی تصاویر ماهواره‌ای کاسموس و لندست (TM) در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ و ۱:۱۰۰۰۰۰ تهیه می‌شوند. نقشه‌های کاربری اراضی شهرستانهای اردبیل، میانه، میاندوآب و مسجد سلیمان مثالهای خوبی

در این زمینه هستند که توسط مهندسين مشاور زیستا تهیه شده‌اند (نقشه شمار دو).

همانطور که اشاره شد، با توجه به معنی و برداشتی که از آمایش سرزمین در جغرافیای کاربردی وجود دارد، در مطالعات برنامه‌ریزی توسعه روستایی علاوه بر بیان و ترسیم بی‌نظمی‌های موجود در زمینه کاربری اراضی (ارائه نقشه کاربری اراضی در وضع موجود) باید با فراتر نهاد و آنچه را هم که باید باشد، مشخص ساخت، در این صورت نهایتاً هرگونه مطالعه آمایش فضاهای روستایی کشور به ارائه سندی نمی‌انجامد که در آن نظم نوینی از سازماندهی کاربریها و فعالیت‌های انسانی بر پهنه زمین توصیه شده است.

## ۲- تهیه نقشه‌های ارزیابی توان اکولوژیکی محیط زیست (نقشه‌های آمایش سرزمین)

ارزیابی توان اکولوژیکی محیط زیست عبارت است: از برآورد استفاده ممکن و بهینه انسان از زمین برای کاربریهای مختلف اعم از کشاورزی، مرتعداری، جنگلداری، حفاظت، شهرسازی و ... به عبارت دیگر ارزیابی توان اکولوژیکی محیط، عبارت است، از تعیین قدرت بالقوه و یا نوع کاربرد طبیعی سرزمین است که این تعریف دقیقاً بیانگر معنی دوم کاربری زمین (آمایش سرزمین) می‌باشد.

تهیه نقشه آمایش سرزمین بر این تفکر

بنیادی استوار است که در میان شیوه‌های متفاوت استفاده از زمین، معمولاً شیوه متناسب با شرایط زمین، سودمندترین شیوه خواهد بود که این خود با بررسی امکانات فنی و فیزیکی زمین تعیین می‌شود. در این روند آگاهی از قابلیت‌ها و محدودیت‌های پدیده‌های ارضی و ویژگیهای زیست محیطی شالوده علمی استواری را در زمینه ایجاد نقاط سکونتی جدید، توزیع مناسب اقدامات زیربنایی در یک منظومه روستایی، توزیع متناسب و بهینه انواع فعالیت‌های مبتنی بر زمین در یک منطقه روستایی و نیز جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه و گسترش لجام گسیخته و ناهماهنگ دامنه فعالیت‌های مبتنی بر زمین در زمینهای نامناسب، فراهم می‌سازد که تجلی بخش آمایش سرزمین، و به دیگر سخن تعیین بهترین روش استفاده از زمین برای دسترسی به حداکثر میزان بهره‌وری از آن است.

تاکنون به دلیل تفاوت ویژگیهای اکولوژیکی سرزمینهای مختلف و میزان تجربه‌اندوزی در دانش آمایش سرزمین روشهای بسیاری در کشورهای مختلف ارائه شده‌اند که عبارتند از:

- مدل اکولوژیکی یک عامله (در این مدل برای تعیین توان بهینه زمین فقط یک عامل را مدنظر قرار داده و مطالعه می‌کنند، نظیر: نوع خاک، شیب زمین و ...)

- مدل اکولوژیکی دو عامله

- مدل اکولوژیکی چند عامله

از جمله نقشه‌هایی که در ایران با مدل اکولوژیکی دو عامله تهیه می‌شوند می‌توان به نقشه‌های ارزیابی منابع و قابلیت اراضی مؤسسه تحقیقات خاک و آب اشاره کرد.

## ۳- نقشه‌های ارزیابی منابع و قابلیت اراضی مؤسسه تحقیقات خاک و آب

تهیه این نقشه‌ها از دیرباز توسط مؤسسه تحقیقات خاک و آب برای تعیین توان فاریاب و دیم استانهای کشور در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ اعمال شده است. در این روش، نخست منطقه مورد مطالعه به تیپ‌ها و واحدهای اراضی تجزیه می‌گردد و سپس نقشه خاکشناسی هر واحد زمین تهیه و برحسب محدودیت و توان خاک در شیب‌های مختلف و استان‌آذراهای جهانی (نشریه شماره ۲۱۲ و ۸۳۲) قابلیت واحدهای زمین برای کشاورزی آبی و دیم مشخص می‌شود. پس از آن، مراحل اجرایی بهسازی پیشنهاد می‌شود و در نهایت نیز قابلیت زمین پس از انجام بهسازی تعیین می‌گردد. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشور، سطحی معادل ۱۲۸ میلیون هکتار مورد مطالعه ارزیابی منابع و قابلیت اراضی قرار گرفته است.

به عنوان مثال می‌توان به نقشه‌های نشریه ۱: ۴ واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی تحت عنوان "مکان‌یابی شهرها و قابلیت اراضی منطقه آذربایجان" در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ اشاره کرد.

جدول شماره ۱- جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستایی در سرشماری سالهای مختلف

سال	جمعیت کل		جمعیت روستائین		درصد رشد سالیانه جمعیت	
	میلیون	درصد	میلیون	درصد	کل	شهرنشین
۱۲۶۰	۷/۷	۱۰۰	۵/۷	۷۴	-	-
۱۲۳۵	۱۹	۱۰۰	۱۲	۶۸	۱/۹۶	۲/۶۶
۱۲۴۵	۲۶	۱۰۰	۱۶	۶۲	۳/۷	۶/۶
۱۲۵۵	۳۴	۱۰۰	۱۸	۵۳	۳/۱	۶
۱۲۶۵	۴۹	۱۰۰	۲۲	۴۵	۴/۱	۶/۸
۱۳۷۰	۵۸	۱۰۰	۲۵	۴۳	۲/۶۸	۴/۴

جمعیت روستایی و عشایری (به عنوان جمعیت غیر شهرنشین) با هم محاسبه شده‌اند. جدول شماره ۱- با استفاده از ارقام سرراست تهیه شده است.

شایان توجه است که، هر چند این نقشه‌ها در حال حاضر با پوشش دادن نسی سراسر کشور مبنای طرح کالبدی ملی قرار گرفته‌اند، اما به دلیل اکتفا کردن به تخمین کیفی کاربری بهینه زمین، تعدد بودن فاکتورهای ارزیابی و ... به نظر می‌رسد که نسبت به نقشه‌های تهیه شده با مدل اکولوژیکی چند عامله از قابلیت پایداری برخوردار باشند.

۴- نقشه‌های تهیه شده با مدل اکولوژیکی چندعامله (نقشه آمایش سرزمین)  
برای نشان دادن جایگاه بارز و اهمیت این نقشه‌ها در آمایش سرزمین و در نهایت توسعه پایدار روستایی لازم است به این نکته اشاره شود، که طرح آمایش سرزمین در ایران شامل سه مرحله است:

مرحل اول: تهیه طرح پایه آمایش سرزمین  
مرحل دوم: تهیه طرح آمایش مناطق شامل شناسایی توان اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی سرزمین  
مرحل سوم: تهیه برنامه‌های توسعه مناطق  
فرایند مرحله دوم طرح آمایش سرزمین شامل کام‌های زیر است که در نهایت به نقشه آمایش (کاربری مورد انتظار و بهینه سرزمین) منتهی می‌شود.

### شناسایی منابع اکولوژیکی:

منابعی که باید شناسایی بشوند به ترتیب زیر است:

- ۱- منابع فیزیکی
- ۱-۱- آب و هوا و اقلیم
- ۱-۲- هیدرولوژی و منابع آبی
- ۲- منابع زیستی
- ۲-۱- رستنی‌ها
- ۲-۲- جانوران

۳-۱- شکل زمین

۴-۱- زمین‌شناسی

۵-۱- خاک

### تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی منابع

فرایند تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی داده‌ها برای تهیه نقشه آمایش سرزمین شامل تلفیق نقشه‌های مختلفی است که در مطالعات وضع موجود برای شناسایی منابع اکولوژیکی تهیه شده‌اند که از آن جمله می‌توان به نقشه‌های طبقات ارتفاعی، طبقات شیب و ... اشاره کرد (۲۴).

### ارزیابی و طبقه‌بندی توان اکولوژیکی سرزمین

در این مرحله با توجه به شکل‌های ابداعی برای انواع کاربریها، تمامی خصوصیات یک واحد اکولوژیکی (۲۵) برای کاربریهای مورد انتظار سنجیده می‌شود و توان سرزمین برای انواع کاربریها مشخص می‌گردد و در مرحله نهایی با محلول داشتن اطلاعات اقتصادی - اجتماعی (۲۶) و تحلیل‌های کمی بهینه‌ترین کاربری زمین اعلام می‌شود (نقشه شماره سه).

این قبیل نقشه‌ها عموماً توسط مهندسين مشاور بخش کشاورزی تهیه می‌شود ولی با این حال هم اکنون توسط مهندسين مشاور معماری و شهرسازی نیز در قالب طرح‌های جامع شهرستان چنین نقشه‌هایی در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ تهیه می‌شود. (۲۷)

در این جا به منظور نشان دادن معایر تهبایی که در اکثر مناطق روستایی کشور در زمینه کاربری

وضع موجود و کاربری بهینه یا مورد انتظار وجود دارد نقشه شماره دو و شماره سه با نرم‌افزار Auto cad تلفیق شده و نقشه شماره چهار استخراج شده است. تحلیل جغرافیایی این نقشه گویای واقعیت‌هایی خواهد بود که در زمینه استفاده نادرست از زمین، تخریب منابع، عدم توجه به آمایش سرزمین، عدم تعادل‌های اکولوژیکی و ... در مناطق روستایی وجود دارد و در نهایت به توسعه نیافتگی روستایی منتهی می‌شود.

علاوه بر کلیه موارد مذکور نباید از نقش بسیار سازنده ترویج و آموزش غافل بود، چرا که تبدیل انسان تخریب‌کننده به یک انسان سازنده و احیاءگر، رسالتی است که آموزش و ترویج به عهده دارد. انسان به وسیله آموزش و ترویج در می‌یابد که: سود بلندمدت او، در استفاده صحیح از موهبت‌های خدادادی است.

### پی‌نوشت:

- ۱- مهندس فولادی - آمایش سرزمین و جغرافیا - مجله رشد آموزش جغرافیا سال اول شماره ۳ پائیز ۱۳۶۴.
- ۲- واژه آمایش از ریشه 'آمودن' به معنای 'آباد کردن' گرفته شده و در فرهنگ‌های لغت نیز به معنای 'آراستن'، 'مهما کردن' و 'آماده کردن' به کار رفته است.
- ۳- مهندس رسول اف، جلال - جمعیت، غذا - تصویری از یک اضطراب - اقتصاد کشاورزی و توسعه سال اول - شماره ۲ - تابستان ۱۳۷۲ - ص ۱۵.
- ۴- دکتر مخدوم، مجید - شالوده آمایش سرزمین - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹ ص ۱۲.
- ۵- دکتر بدری فر، منصور - جغرافیا و کاربری زمین دانشنامه، فصلنامه

جدول شماره ۲- توزیع جمعیت و خانوار کشور براساس سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰

میزان رشد	تراکم حیاتی (بیولوژیکی)	مساحت اراضی* کشاورزی (هکتار)	تراکم حسابی	نسبت شهرنشینی	بعد خانوار	جمعیت روستایی	جمعیت شهری	تعداد خانوار	کلی جمعیت کشور	مقطع سرشماری
-	۱/۶۶	۱۱,۳۵۶,۰۰۰	۱۱/۵	۳۱	۴/۷	۱۳,۰۰۱,۱۴۱	۵,۹۵۳,۵۶۲	۳,۹۸۵,۶۸۰	۱۸,۹۵۲,۷۰۱	۱۳۳۵
۲/۱۲	۲/۲۷	۱۱,۳۵۶,۰۰۰	۱۵/۶	۳۸	۴/۹	۱۵,۹۹۴,۴۷۶	۹,۷۹۴,۲۴۶	۵,۱۶۷,۱۹۲	۲۵,۷۸۸,۷۲۲	۱۳۴۵
۲/۷۰	۲/۰۵	۱۶,۲۶۱,۲۰۰	۲۰/۴	۴۷	۵/۰	۱۷,۸۵۴,۰۶۶	۱۵۸,۵۴۵,۶۸۰	۶,۷۱۱,۶۲۱	۱۳۰,۷۰۸,۷۴۴	۱۳۵۵
۳/۹۰	۲/۸۸	۱۷,۱۵۰,۱۳۰	۳۰/۰	۵۴	۵/۱	۲۲,۴۴۹,۲۵۱	۲۶,۸۴۴,۵۶۱	۹,۶۷۳,۶۳۱	۴۹,۴۴۵,۰۰۰	۱۳۶۵
۲/۴۵	۳/۲۵	۱۷,۱۳۰,۰۰۰	۳۳/۸	۵۷	-	۲۵,۰۰۰,۵۶۵	۳۱,۸۳۶,۵۸۸	-	۵۶,۸۳۷,۱۵۳	۱۳۷۰

\*بافت جدول: طبقه‌بندی روستایی (۱۳۷۰)، طبقه‌بندی شهری (۱۳۶۷) و تلفیق جمعیتی سال ۱۳۷۰ (کلیت کشور)

\*%۱۰: در این جدول، مساحت اراضی کشاورزی (هکتار) از مجموع مساحت اراضی کشاورزی (هکتار) و مساحت اراضی غیر کشاورزی (هکتار) تشکیل شده است. تراکم حسابی (بیولوژیکی) منابع را در یک واحد سرزمینی و برای هر یک از بخش‌های مختلف، در هر یک از مقاطع مختلف، به لحاظ جمعیت، اندازه و تعداد نشان می‌دهد.

دوره عالی تحقیقات. سال دوم - شماره ۲ - بهار ۱۳۷۰ - ص ۹۴

۶- جمع‌بندی مقالات دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران - دانشگاه شیراز ۱۷ آبان ۱۳۷۲.

۷- دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه - سابقه برنامه‌ریزی در ایران - پائیز ۱۳۶۲ ص ۱۲۶.

۸- درخشان. حسن - آموزش و ترویج، رهیافتی جهت استفاده بهینه از منابع طبیعی - مجله جهاد، سال ۱۵ شماره ۱۷۲ - ۱۷۲ ص ۱۰.

۹- سخنرانی وزیر محترم جهاد در سمینار بهره‌وری - مجله جهاد شماره ۱۷۴ - سال ۱۵ - ص ۶.

۱۰- دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه - شرایط کنونی و آمایش سرزمین ص ۱۲۹ - پائیز ۱۳۶۲.

۱۱- سخنرانی وزیر محترم جهاد در سمینار بهره‌وری - مجله جهاد شماره ۱۷۴ - سال ۱۵ - ص ۵.

۱۲- دکتر شهازی، اسماعیل - مبانی سیاستگذاری برای توسعه روستایی در ایران - مجله جهاد - سال ۱۵ شماره ۱۷۵ ص ۴.

۱۳- مهندس رسول اف، جلال - جمعیت، غذا - تصویری از یک اضطراب - اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال اول - شماره ۲ تابستان ۱۳۷۲ ص ۲۴.

۱۴- منظور از حد بحرانی تراکم جمعیت "ظرفیت جمعیتی" و یا ظرفیت ممکن محیط" و با "ظرفیت پذیرش" است و آن عبارت است از بیشترین تعداد جمعیتی که محیط یک ناحیه

معین می‌تواند - بدون اینکه در معرض تخریب قرار بگیرد - حمایت یا تحمل بکند. توضیح اینکه اگر "ظرفیت ممکن محیط" را بنا به علل متعدد ثابت در نظر بگیریم (K).

ظرفیت رشد بیولوژیکی یا ظرفیت حیاتی به سبب فشار محیط تعدیل می‌شود. این فشار محیطی را می‌توانیم به صورت مدل

رشد تصاعدی نشان بدهیم البته لازم به توضیح است که ظرفیت پذیرش و یا "ظرفیت ممکن محیط" میزانی ایستائست

و با فعالیت انسان تغییر می‌کند با وجود این توانایی یک اکوسیستم برای تحمل دخالت‌های انسان بشدت متغیر است و هر

اکوسیستمی ممکن است به علت فشار بیش از حد جمعیت بر آن و یا دخالت‌های حساب نشده انسان به یک نقطه بدون بازگشت رانده شود.

۱۵- محمدرضا حائری و گیتی اعتماد - شهرنشینی در ایران چاپ اول زمستان ۱۳۶۳ - انتشارات آگاه

۱۶- دکتر توفیق، فیروز - "کشاورزی در طرح کالبدی ملی" - اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال سوم، شماره ۱۱ پائیز ۱۳۷۳.

۱۷- سرور، رحیم - تحولات اقتصادی - اجتماعی و باروری - هفته‌نامه فرهنگ آفرینش ۲۳ - اسفند ۱۳۷۳.

۱۸- سرور، رحیم - تأثیر سواد بر کاهش نرخ باروری در زنان - فصلنامه علمی - تحقیقی - اجتماعی بصیرت - سال سوم -

شماره ۷ و ۸ - پاییز ۱۳۷۲ - ص ۵۲

۱۹- دکتر شهازی، اسماعیل - پیدایش، تکثیر یافتن و تحلیل رفتن روستاها - مسکن و انقلاب شماره ۴۸ خرداد ۱۳۷۲ ص ۲۲.

۲۰- جهان‌دوست، رسول - تهیه نقشه‌های اراضی کشاورزی گامی مؤثر در فرایند توسعه روستایی - مجله جهاد شماره ۱۷۴ - سال ۱۵ خرداد ۱۳۷۴.

۲۱- واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی - نشریه شماره ۱: ۵ "کاربری اراضی منطقه آذربایجان" - ۱۳۷۲ ص ۹ و ۱۰.

۲۲- سرور، رحیم - تحلیلی مقدماتی از کاربرد تصاویر ماهواره‌ای کاسموس در طرح‌های توسعه - مهندسی مشاور معماری و شهرسازی زیستا زمستان ۱۳۷۴.

22- Multi - spectral - scanner (Mss)

۲۴- تلفیق نقشه‌ها قبلاً دستی صورت می‌گرفت در حالیکه امروز نرم‌افزارهای متعددی وجود دارند که این کار را به راحتی و با دقتی بسیار بالا انجام می‌دهند.

۲۵- واحد اکتولوژیک به عنوان سیستمی است که اجزاء و عناصر آن عبارتند از شب، ارتفاع، خاک، جهت شیب و ...

۲۶- وضعیت دلمداری و تعداد دام، معیشت غالب منطقه، منابع موجود، مالکیت دام و مرتع، مالکیت اراضی، مهاجرت، اشتغال، وضعیت الودگی محیط و ...

۲۷- یکی از مسایل عمده‌ای که در مسیر اجرا و اعمال این قبیل نقشه‌ها در حال حاضر وجود دارد مقیاس نسبتاً کوچک این قبیل نقشه‌ها است (۱: ۲۵۰۰۰۰) کوچک مقیاس بودن این نقشه‌ها

از این واقعیت نشأت می‌گیرد که در حال حاضر منابع اطلاعاتی اولیه جهت تهیه این قبیل نقشه‌ها کوچک مقیاس هستند بنا بر این جهت رفع این اشکال لازم است، ضمن تهیه منابع

اطلاعاتی بزرگ مقیاس در پوشش سراسری نظیر نقشه‌های توپوگرافی، خاکشناسی، آب‌شناسی و ... ، روند تلفیق

اطلاعات نه به صورت دستی بلکه با استفاده از نرم‌افزارهای رایج در این زمینه صورت گیرد تا بدین وسیله امکان بروز

اشتباهات به حداقل ممکن برسد. البته لازم به توضیح است که می‌توان در کوتاه مدت با استفاده از ارائه ضوابط تدقیق

نقشه‌های آمایش سرزمین، قابلیت این نقشه‌ها را تا حد بسیار

نمادی بالا برد.

## منابع و مأخذ:

۱- دکتر مهدوی، مسعود - "جغرافیای جمعیت" انتشارات پیام‌نور - چاپ دوم، دیماه ۱۳۷۱.

۲- دکتر مهدوی، مسعود - "روستا و توسعه" جزوه درسی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی نیمسال اول سال تحصیلی ۷۵ - ۷۴.

۳- دکتر کلانتری، جلیل - "مشارکت، استراتژی جدید در توسعه" - مجله جهاد - شماره ۱۷۹ - ۱۷۸ سال یازدهم مهر و آبان ۱۳۷۳.

۴- دکتر درویشی، عبدالکریم "ظرفیت و توان توسعه پایدار کشاورزی ایران" اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، شماره ۵ - بهار ۱۳۷۳.

۵- دکتر بدیعی، ربیع - "جغرافیای مفصل ایران" - جلد اول، چاپ اول ۱۳۶۲ ص ۱۴۵ تا ۱۵۰.

۶- واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی - نشریه شماره ۱ و ۴ مکانیابی شهرها و قابلیت اراضی منطقه آذربایجان.

۷- مهندسین مشاور زیستا - طرح جامع شهرستان اردبیل - مصوب ۱۳۷۴.

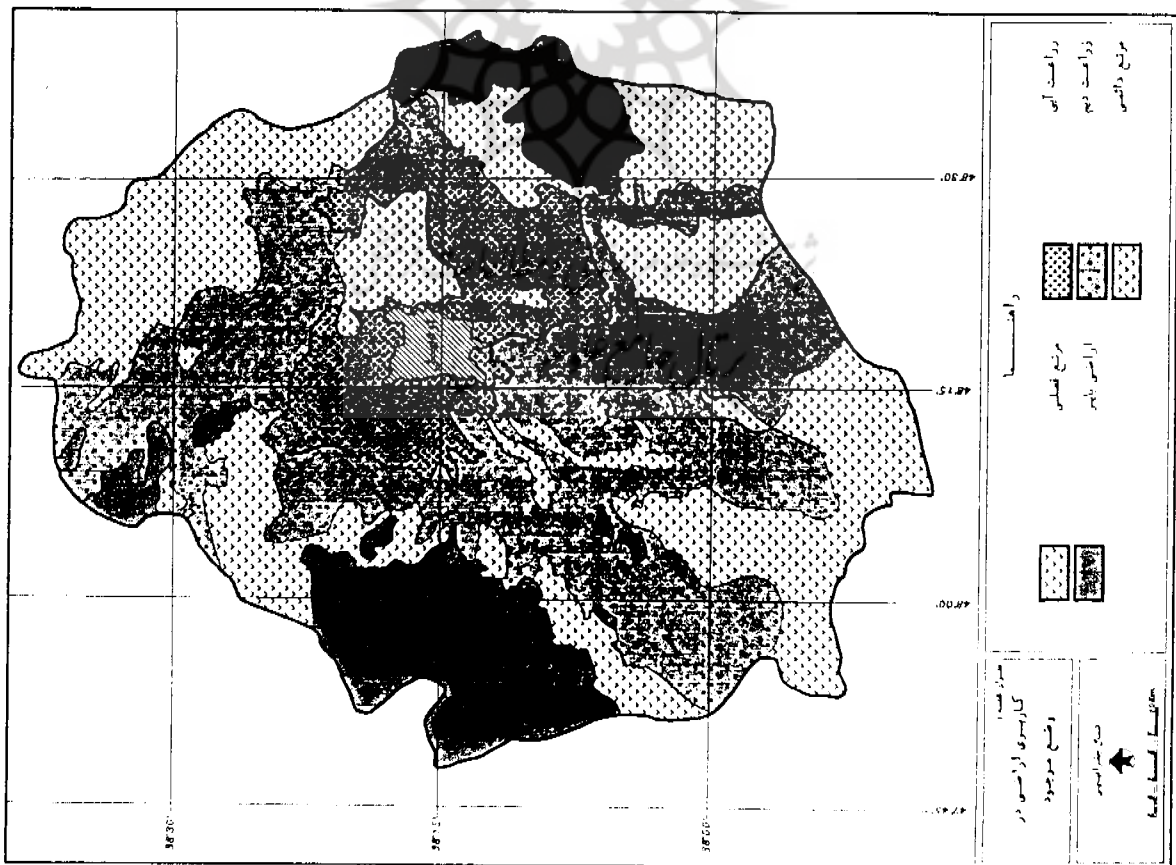
۸- مهندسین مشاور زیستا - ضوابط تدقیق منطقه‌بندی اراضی (دلرح جامع شهرستان مسجد سلیمان) ۱۳۷۴.

۹- مهندسین مشاور زیستا - طرح جامع شهرستان میانه - مصوب ۱۳۷۴.

۱۰- دکتر غازی، ایران - "مفهوم آمایش و رابطه آن با تحلیل‌های جغرافیای توسعه" - مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی، دیماه ۱۳۷۰.

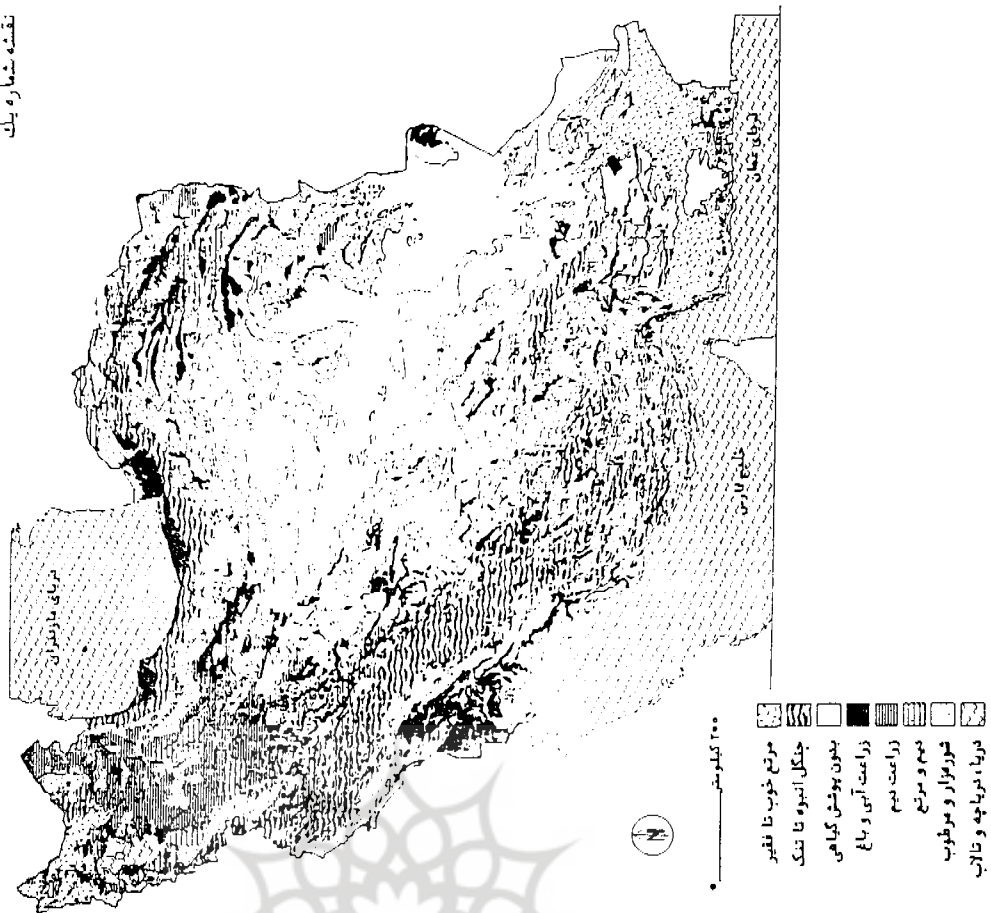
۱۱- توفیق، فیروز، کشاورزی در طرح کالبدی ملی مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال سوم - شماره ۲.

نقشه شماره دو



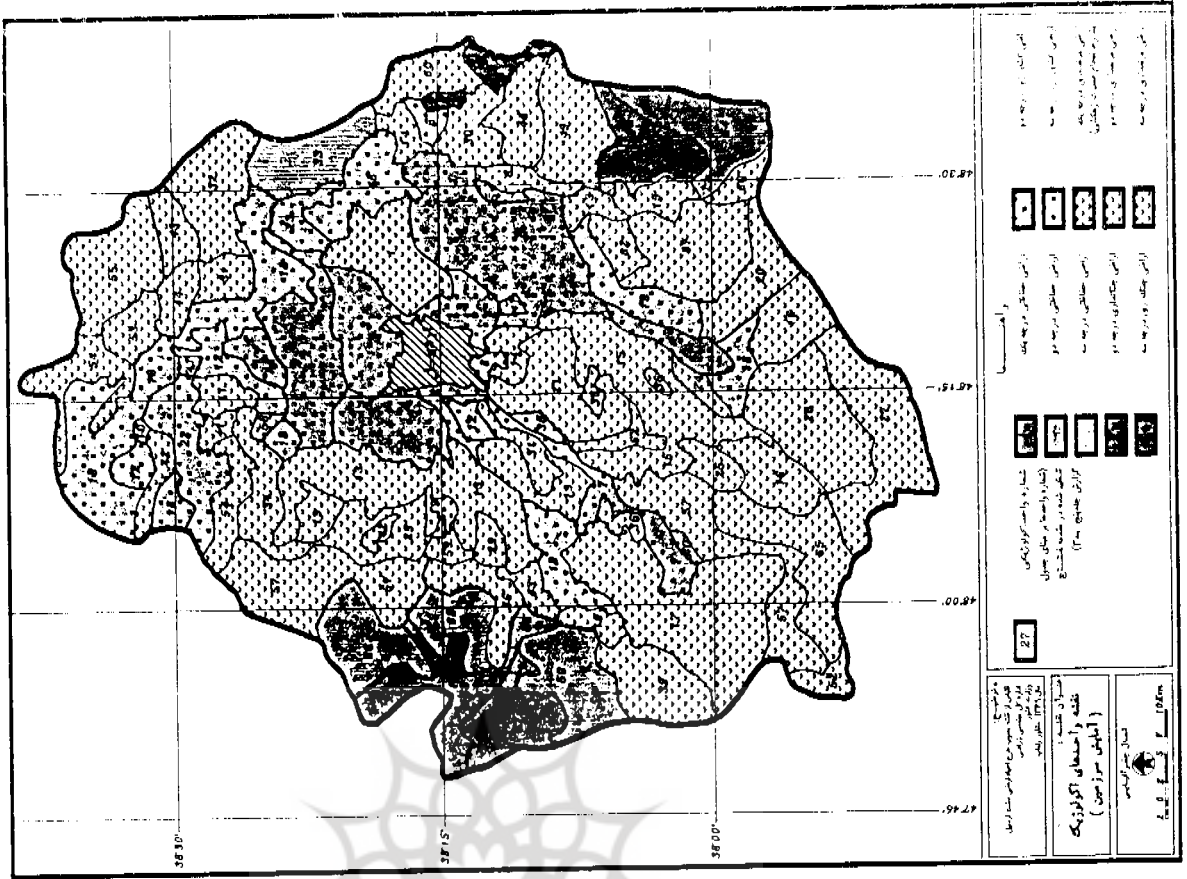
نقشه کارتسری و پیوستش از زمین کشاورزی

نقشه شماره یک

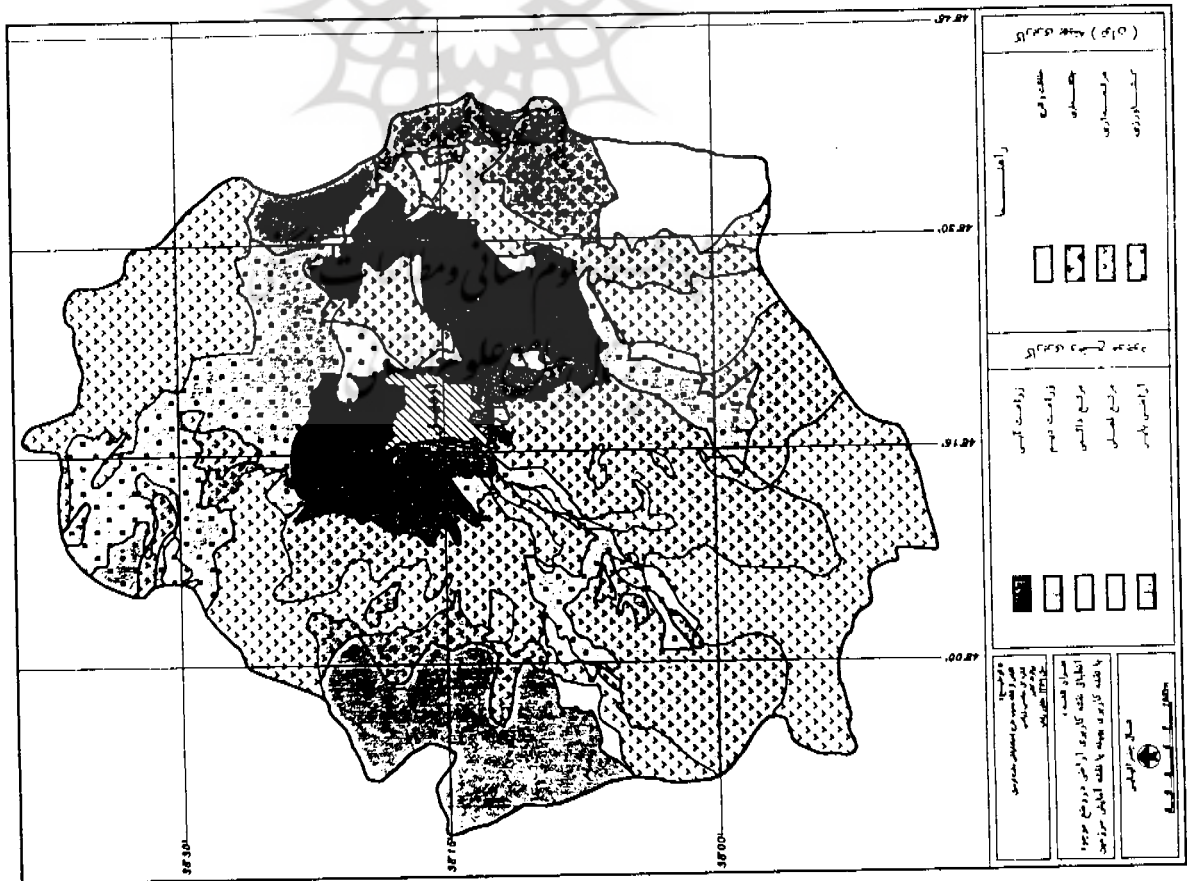




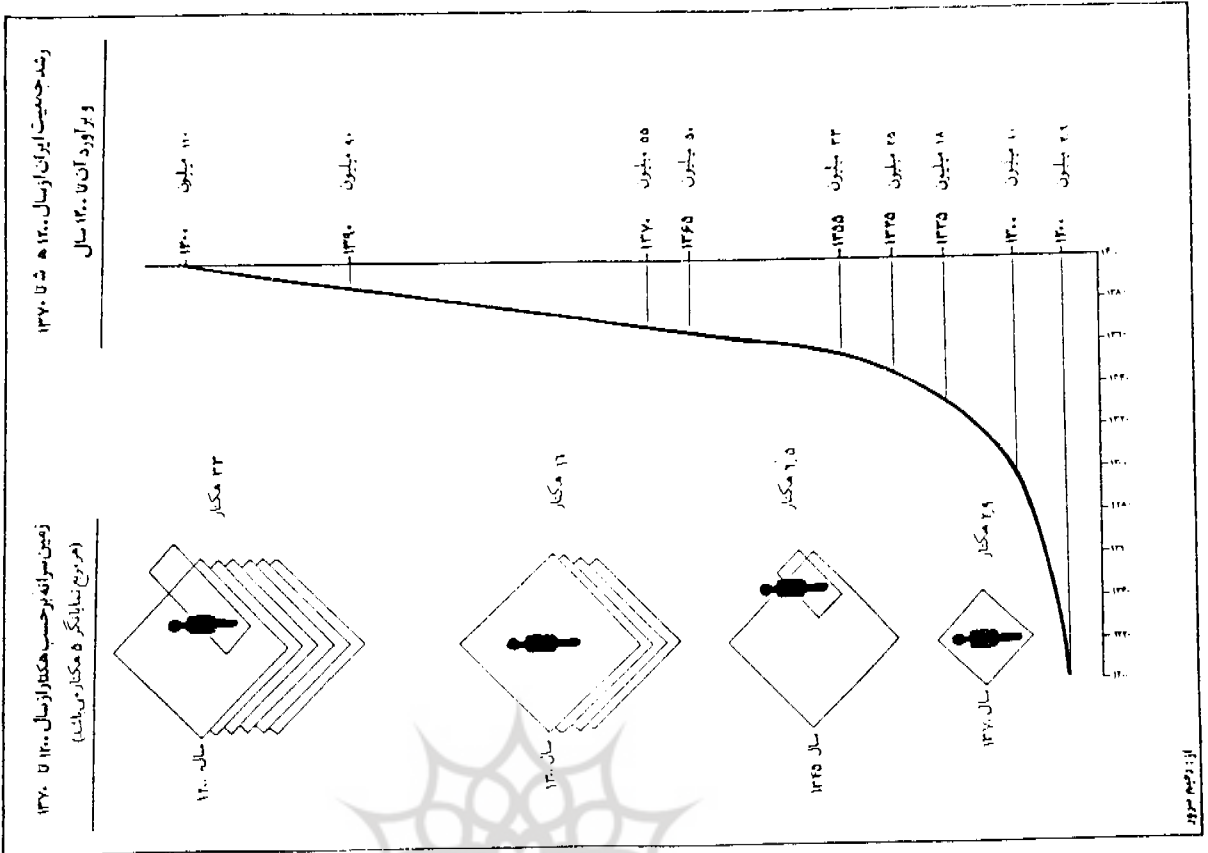
نقشه شماره سه



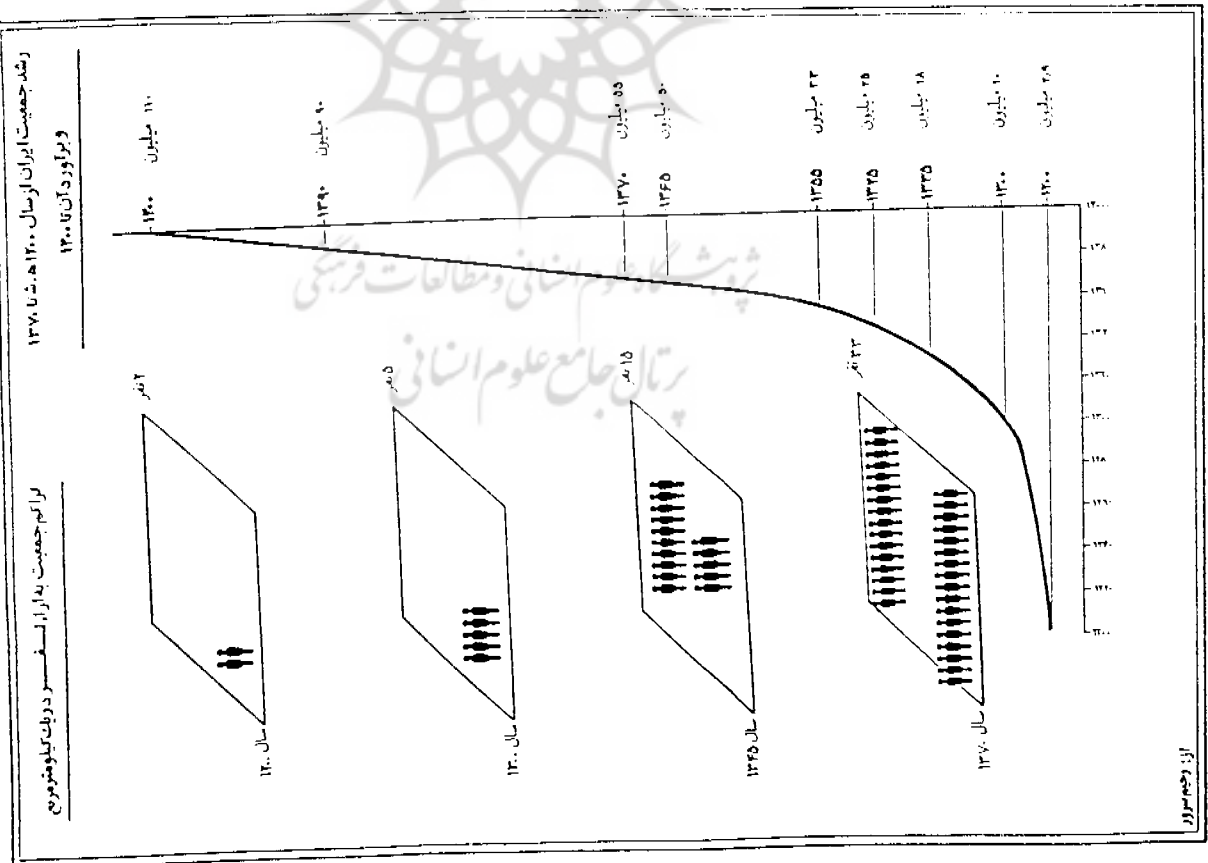
نقشه شماره چهار



تعداد شماره چهار



تعداد شماره پنج



تاریخ حیات بشر، بر روی کره زمین با نشیب و فرازهای زیادی همراه بوده است. انسان در طی مراحل مختلف زندگی خود با مشکلات و مسائل زیادی روبرو بوده و بحرانهای عظیمی را در زمینه‌های گوناگون طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، پشت سر گذاشته است. بسته به سطح تکامل جامعه، سازمان اقتصادی، ساختار اجتماعی و توان مادی آن، مشکلات شکل خاصی به خود گرفته‌اند. به عبارت دیگر، بحرانهای پدیدار شده، بسته به زمان بروز و سطح تکامل جامعه از ویژگیها و پیچیدگی خاصی برخوردار هستند. یکی از این بحرانها، که در طی قرن بیستم به شکل بارزی پدیدار و به تدریج بر دامنه و پیچیدگی آن افزوده شده است، بروز مسائل زیست محیطی یا بحران محیط زیست می‌باشد. بحرانی که با گسترش دامنه و افزایش پیچیدگی آن، به عنوان معضل اساسی در حیات کنونی جامعه بشری مطرح شد و ادامهٔ نسل بشری و فراتر از آن ادامهٔ حیات بر روی کره زمین را با خطر جدی مواجه ساخته است.

اکنون دامنهٔ آلودگیهای جوی، آب و خاک و نابودی منابع طبیعی و ذخایر حیاتی کره زمین از حد مسائل محلی، منطقه‌ای و ملی فراتر رفته و به مسائل جهانی تبدیل شده‌اند. بروز مسائلی، چون: افزایش اثرات گلخانه‌ای جو در اثر افزایش گاز کربنیک موجود در هوا و سوراخ شدن لایهٔ اوزون که به سرعت بر دامنهٔ آن افزوده می‌شود، مسائلی هستند، که آیندهٔ زندگی بشر را بر روی کره زمین، به زیر سؤال برده و آن را با ابهام بسیاری مواجه ساخته و هیچ شکلی را باقی نگذاشته است که خناتجه این روند ادامه یابد. سامان زیادی برای ادامهٔ حیات انسان وجود ندارد و جامعه بشری به نابالغان خود نزدیک می‌شود.

### ● ابعاد مسأله

این واقعیت که تنها یک زمین یا یک فضای مسطح و یک سفینهٔ فضایی به نام زمین، برای زیست و ادامهٔ حیات وجود دارد، بیان‌کنندهٔ ضرورت

# چشم اندازهای انسانی بحران زیست محیطی

● محمود جمعه‌پور

نگرش جامع و سیستمی به مسائل زیست محیطی است. مسائل زیست محیطی، مسائلی فردی یا خاص یک منطقه یا کشور نیست. بلکه، محیط زیست جهانی، به عنوان یک سیستم یا بیکره واحد، خصایص یک ارگانیزم زنده را داراست، که هر یک از عناصر یا اجزاء، بر روی سایر اجزاء و کل سیستم تأثیر دارد. بنابراین، نه تنها سرنوشت کشورهای همسایه به هم وابسته است و هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که محیط زیست او از لحاظ جغرافیایی بسته است، بلکه مناطق مختلف دنیا و حتی قاره‌ها بر هم اثر می‌گذارند. پس محیط زیست دارای ابعاد جهانی است و مرز نمی‌شناسد. (۱۳)

این نگرش جامع و سیستمی، هم در ابعاد مکانی و هم در ابعاد زمانی جاری است؛ به عنوان مثال، همان طوری که آلودگیهای ایجاد شده در یک مکان مثلا ایالات متحده به عنوان یکی از کانونهای آلوده کنندهٔ محیط می‌تواند، سایر مکانها و نواحی و در نهایت، محیط زیست جهانی را تحت تأثیر قرار دهد، از نظر زمانی نیز، ممکن است، سراسرا کانونی متاثر از فعالیت‌های بشر در ۵۰ تا ۱۰۰ سال گذشته باشد و اثر فعالیت‌های کنونی در شرایط محیطی سالهای آینده بروز نماید. مثلا عناصر کربوفلونور یا کربنها که منجر کاهش قابلیت اوزون جو می‌شوند، دارای عموی بین

حدود ۱۲ تا صد سال در جو زمین هستند. بنابراین، حتی اگر امروز موفق به قطع کامل تولید و مصرف آن بشویم، تا یک قرن دیگر، پالایش جو زمین از آن میسر نمی‌شود. (۱۳) به بیان دیگر، بدون نگرش سیستمی و بدون دریافت نظام اکولوژیک، به حقیقت بقا و دوام حیات، نمی‌توان بی‌برد. دریافت هر نظام اکولوژیک، نخست مستلزم دریافت جغرافیایی محیط و کره زمین است. کره زمین به عنوان بزرگترین واحد جغرافیایی قبل از هر چیز از یک وحدت برخوردار است. مراد از این اصطلاح وحدت وجودی و پیوستگی و وابستگی اعضای اندام، اجزاء، پاره‌ها و عناصر سازنده آن است. در داخل هر یک از این سه فضا (آب، خاک و هوا)، هرچه هست به هم پیوسته است و در رابطه متقابل می‌باشد. بنابراین، نباید در کار دریافت محیط به تفکر تجریدی و جدا ساختن پدیده و موجود و عنصری از آنچه آن را در بر گرفته بیندیشیم که این مغایر طبیعت و ذات علم محیط و خاصه دور از مبانی جغرافیایی علمی است. (۱۵)

بنابراین، جامع‌نگری و نگرش سیستمی در بررسی مسائل زیست محیطی، شرط اصلی واقع‌نگری و درک واقعیت مسأله است.

بعد دیگر مسائل زیست محیطی، این است که در واقع این مسائل پیش از آن که یک مسأله طبیعی و ناشی از رابطه انسان با محیط طبیعی باشند، معلول عملکرد اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری و رابطه انسانها در قبال یکدیگر هستند. چنانکه "باری کامنر" یکی از بزرگان طرفدار توسعه محیط زیست انسانی در این باره می‌گوید: وقتی هر مسأله محیطی، برای یافتن منشأش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، یک حقیقت گریزناپذیر این است که ریشه علت بحران را نباید در چگونگی رفتار انسانها با طبیعت جستجو کرد، بلکه در این که انسانها چگونه با هم رفتار می‌کنند، باید جستجو کرد. آشکار می‌شود که برای حل بحران محیطی باید مسائل فقر، بی‌عدالتی نژادی و جنگ را حل کنیم، دین به طبیعت که علامت بحران طبیعی است، نمی‌تواند به طور انفرادی از طریق استفاده مجدد از بطریها یا عاداتهای مناسب بوم‌شناختی پرداخته شود. بلکه، باید از طریق فکر دیرینه عدالت اجتماعی پرداخته شود. یعنی به طور خلاصه سازش میان انسانها باید مقدم بر سازش انسان با طبیعت



باشد. (۳)

کشورها پدید آمده است، خود دلیلی روشن بر این بی‌تعادلی می‌باشد، که روز به روز هم در حال افزایش است و ممکن است، روزی به واژگونی جهان بینجامد. بی‌تعادلی دیگر این نظام، شکافی است که با طبیعت پیدا کرده، این امر باعث شده است که انسان روز به روز از طبیعت بیشتر جدا شود و رابطه خصوصت‌آمیز میان انسان و طبیعت شدیدتر شود و در نتیجه، تعادل میان انسان و طبیعت از میان برود و طبیعت با واکنش شدیدتر از بشر انتقام گیرد. از این جهت، توسعه ارگانیسم، مفهومی است نظام‌گونه که جهان را همچون نظامی به هم پیوسته می‌بیند، در حالی که اجزای آن نظام هر یک هویت مستقلی دارند. (۵)

"باری کامنر" بحث در مورد عوارض و اثرات طبیعی مسائل زیست محیطی را بحث درباره معلولها می‌داند و چنین می‌گوید: درمان عوارض به هیچ‌وجه راه حل نیست. باید از افتادن به دام بحث بر سر یک علامت به جای علت اجتناب کرد. جایگزینی فن‌آوری (تکنولوژی) پرمشغلت‌تر و آلوده‌سازتر به جای فن‌آوری (تکنولوژی) کم‌سودتر، این مسائل را قویاً به خاطر می‌آورند، که مسائل بوم‌شناسی و خسارت و زیانهای محیطی، پدیده‌های بی‌ریشه نیستند، بلکه به نحو محکم و استواری، به عملکرد سیستم اقتصادی مربوط می‌شوند. وقتی یک نظام اقتصادی

درست است که سرزمین، یک منبع محدود و آسیب‌پذیر است، اما اگر از امکانات مفید و بسیار آن بیجا استفاده نشود، ابدی و قابل تجدیدند. انسانها در طول تاریخ دراز و دیربای خود، به شعور و خرد و شناخت قابل ملاحظه‌ای از محیطی که در آن زیست می‌کنند، دست یافته‌اند. به سخن دیگر، زندگی انسانها تا همین دو قرن پیش، در مجموعه محیط باقی و ساخته شده بود. (۵)

در واقع، مشکلات زیست محیطی، از زمانی شکل پیچیده‌ای به خود گرفتند، که بشر صنعتی با دستیابی به صنعت، ابتدا به فکر تسلط بر محیط طبیعی پیرامون خود و سپس تسلط بر محیطهای انسانی و اقتصادی افتاد و تلاش کرد که با تکیه بر قدرتی که با انکاء به ماشین بدست آورده است، تمامی منابع طبیعی و انسانی کره زمین را در اختیار بگیرد. جامعه صنعتی در ذهن خود، زمین را به صورت مکانی پر از منابع و فضای نامحدود تجسم می‌کند. جایی که تولید، مصرف و فن‌آوری (تکنولوژی) به طور مدام هر فرد را از زندگی بهتری بهره‌مند می‌سازد. (۴) با توجه به خصایص رشد ارگانیسم، جهان ما زمانی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که به تعادل تازه‌ای برسد. وجود شکاف عظیمی که از نظر سطح زندگی و رفاه میان

لمبوری کار می‌داد که قسمت عظیمی از ثروت خود را در اختیار تعداد نسبتاً کمی می‌نماید، آن وقت احتمال این که هر نوع کوشش عمدتاً برای مبارزه با زیانهای محیطی، اختلاف بین ثنی و فقیر را بیشتر کند. زیاد است. (۳)

به گفته یکی دیگر از دانشمندان زیست محیطی؛ اگر به زندگی انسانها چه در سطح جهانی و چه در سطح مناطق مختلف اهمیت داده شود، آن گاه اساس منابع آینده، بیشتر از امور تقنی و لوکس، مورد توجه قرار خواهد گرفت و کشورهای صنعتی تولید کننده مازاد مواد غذایی، تمایل پیدا می‌کنند، تأسیسات کشاورزی خود را از بعد کمی و کیفی تغییر دهند. تولید حجم کمتری از مواد غذایی با کیفیت بالاتر، برای محیط زیست، به طور قطع، گامی به پیش خواهد بود. (۱۶)

بنابراین، در بررسی مسائل زیست محیطی، نه تنها نگرش جامع مکانی و زمانی ضروری است؛ بلکه، جامع نگرشی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و توسعه جوامع بشری نیز لازم است و نگرش تک بعدی ممکن است، ما را به بخشی از واقعیت رهنمون سازد. تمامی ابعاد مسائل را بر ما آشکار نسازد. مسائل زیست محیطی، در مورد توسعه، دارای ویژگیهایی به شرح زیر هستند:

- ۱ - مسائل نه یک بعدی و نه به یک رشته مربوط می‌شود؛ بلکه، چند بعدی و چند رشته‌ای است.
- ۲ - مسائل برخلاف ماهیت مالی، سان، غیرمالی هستند.
- ۳ - هر نوع تجزیه‌ای در منابع غیرمالی (ذخایر انسان، روایدا اجتماعی، اکوسیستمها یا منابع طبیعی) بحران پذیر یا به سختی جبران پذیرند.
- ۴ - منابع غیر مالی به تدریج بی‌نهایت و ذهنی، اغلب منحصر به خود یا خیلی کمبات هستند.
- ۵ - دانستن اینکه، مسائل اغلب از جنس «مختار» آنها فراتر می‌رود و با متافیزیکی شکل گرفته اند، در کشورهای در حال توسعه، کمتر دیده می‌شود.
- ۶ - برای مسائل انسانی، بررسی‌های نظریین در این حوزه‌ها، برخوردار هستند.
- ۷ - مسائل حسیه چند بعدی دارند و به یک بخش اجتماعی یا اقتصادی محدود نمی‌شود.

● **باری کامرا: منشأ بحرانهای زیست محیطی را نباید در رفتار انسان با طبیعت جستجو کرد. بلکه باید در رفتار انسانها با یکدیگر باز یافت. برای رفع بحران زیست محیطی باید مسائل فقر، بی عدالتی، تبعیض نژادی و جنک را حل کرد. دین به طبیعت نمی‌تواند، به طور انفرادی از طریق استفاده از عاداتهای مناسب بود شناختنی پرداخته شود، بلکه باید از طریق فکر دیرینه عدالت اجتماعی انجام پذیرد.**

● **در بسیاری از کشورها یکی از موانع عمده توسعه پایدار وجود ساختار اجتماعی است که بیشترین سهم از ثروت ملی را در اختیار اقلیت کوچکی از مردم قرار می‌دهد.**

زدن به آن می‌بینند، شاید بیس از همه، بخته در باره محیط زیست بر سر مساله رشد و توسعه اقتصادی باشد. عده‌ای توسعه اقتصادی را عامل بروز مسائل زیست محیطی و برعکس عده‌ای تنها راه حل بحران زیست محیطی را، در رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند. این دیدگاه به شکل پارزی در بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و به عبارت دیگر، کشورهای شمال و جنوب تجلی یافته است. کشورهای توسعه نیافته، منابع کردن مسائلی همچون، محدودیت رشد و بحران جمعیت و فراق نجات از جانب کشورهای پیشرفته را در جهت منافع خود می‌دانند یا هدف از بحث و بحران بر سر بحران زیست محیطی و برزد، کردن آن را، بحران هزینه‌های آن به کشورهای جهان سوم می‌دانند، در حالی که این کشورها کمترین سهم را در ایجاد آن داشته‌اند. برعکس کشورهای پیشرفته، مسائلی همچون، رشد سریع جمعیت، بهره‌برداری بی‌رویه از جنگلهای منطقه منداری یا سایر منابع اولیه در کشورهای جهان سوم را از عوامل اصلی بروز بحران می‌دانند و خواهان سازش بیشتر کشورهای جهان سوم در حل مسائل زیست محیطی هستند.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ در استاکهولم بیانیه‌ای صادر کرد که بر سر این دیدگاه توافق حاصل شد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، با این بیانیه موافقت کردند و در سطح جهانی، این اعلامیه وجود دارد که بعضی از کشورهای با درجه‌های بزرگ صنعتی، سوخت خود را در بزرگ جلوه دادن بحران محیط زیست و انسان

۸ - این مسائل ایجاد ناامنی و خطر می‌نماید، در حالی که فعالیتهای تحقیقاتی یا کسب دانش موجود اقتصادی از دیگر نقاط آنها می‌تواند، بخشی از ناامنی را کاهش دهد.

۹ - این مسائل منسأ بروز تناقضات بین منافع و ایندولوریهایی مختلف در جامعه است. (۱۶)

موارد فوق روشن می‌کند که مسائل زیست محیطی مسائل مجزا و تک بعدی نیستند؛ بلکه، توسعه و چند بعدی هستند و بالطبع اثرات و پیامدهای آنان نیز، متفاوت و زمینه‌های بروز گوناگونی دارد که در بررسی و ساساتی بحران باید به آن توجه شود.

### ● دیدگاههای متفاوت در مورد بحران محیط زیست

هر چه یک ساله پیچیده‌تر و دارای ابعاد بیشتری باشد، نظرها و دیدگاههای متفاوت بیشتری در این مورد وجود خواهد داشت. مسائل زیست محیطی نیز در این زمینه‌ها، مسائل ساده و ساده‌اند. در مورد آنها دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. به عنوان مثال، در مورد بحران زیست محیطی، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد که بر سر این است که بحران جهانی است یا فقط در کشورهای توسعه یافته دیده می‌شود و یا اینکه بحران جهانی است و در تمام کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. این اختلاف وجود دارد که بعضی از کشورهای با درجه‌های بزرگ صنعتی، سوخت خود را در بزرگ جلوه دادن بحران محیط زیست و انسان



● **ار. پی. پاجوری:** کنسی که نگران وعده بعدی غذای خویش است به سخنرانهای زیست محیطی کوش نمی‌دهد. آنچه را که شمالیها بدترین تجاوز به حريم محیط زیست می‌شمارند. آنان که منبع درآمد دیگری ندارند. اغلب به راحتی انجام می‌دهند.

● **چه کسی باعث بالا رفتن دمای زمین شده است؟ به گواه شاخصهای سرانه، اکسید دو کربنی که یک نفر شمالی با مصرف انرژی ایجاد می‌کند، نزدیک به دو برابر مقداری است که هم‌نای جنوبی‌اش بوجود می‌آورد.**

اقتصادی، معتقدند: با توجه به محدودیت منابع زمین، رشد و توسعه اقتصادی به صورت کنونی نمی‌تواند، ادامه یابد و ادامه آن نیز، آینده انسان را با خطر جدید مواجه خواهد کرد. میزان رشد صفر، در گزارش محدودیتهای رشد باشگاه رم، یکی از این موارد است. این گزارش، فریاد غارت انسان را به علت رشد سریع اقتصادی بلند کرد و به شیوه‌های مکاشفه آمیز، سال ۲۰۸۰ را سال روز فیانت انسان دانست، مگر آن که میزان رشد اقتصادی و رشد جمعیت به سرعت به صفر کاهش یابد. رشد اقتصادی و جمعیت تنها به غارت بیشتر و تهی ساختن احتمالی منابع کمیاب زمین منجر می‌شود و همچنین به معنی اوده کردن بی‌خردانه و درجانه وار زمین، رودها، هوا و جنگلهاست. (۷)

تا حدودی بیس، رشد اقتصادی به صورت یک آیین مقدس درآمده بود و هندوگورها، امر از توسعه یافته و توسعه نیافته به آن مؤمن بودند. عقیده بر این بود که رشد اقتصادی هر قدر سریعتر باشد، تقدیر و سسکن و بهداشت و آموزش و خلاصه رفاه عمومی جامعه به نحو بهتر و کاملتری تأمین خواهد شد. پس توسعه در درجه اول یک هدف اقتصادی در برداشت و در نتیجه، برنامه ریزی فقط به دست اقتصاددانان سپرده می‌شد، ولی بحریات سالهای اخیر، در عمل نشان داده است که برای حل مشکلات کشورها، رشد اقتصادی و استفاده از فناوری (تکنولوژی) چه دید کفایت نمی‌کند و باعث بروز مشکلات اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی دسترسی می‌شود. (۸)

مخالفان این امر، به ویژه در کشورهای جهان

سوم، طرح این مساله را از سوی کشورهای بیسفرته در جهت حفظ منافع خود، حفظ وضع موجود و جلوگیری از سیسرفت کشورهای در حال توسعه می‌دانند. عقیده خاتم گانندی، در این مورد بر این است که: نخستین و مهمتر از همه این است که، می‌توان از میزان رشد صفر، برای کسی که تولید ناخالص ملی سرانه‌اش بیش از ۵ هزار دلار است، سخن گفت، اما، سخن برای کسی که تولید ناخالص سرانه‌اش کمتر از صد دلار است، بی‌معنی است. در حالی که ما به حق، در برابر الودگیهای ناشی از فراوانی برمی‌خیزیم، نباید فراموش کرد که برای یک میلیارد جمعیت جهان، وحشت از الودگی ناشی از فقر است. (۷) این مباحث که پس از برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در استکهلم (۱۹۷۲) آغاز شد بود، در طی حدود سه دهه ادامه یافت. در حالی که در طی این زمان، بر مشکلات زیست محیطی و اختلاف موجود میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز، افزوده می‌شد، در اجلاس سران زمین (۱۹۹۲) در بودورانسوی برزئیل که در باره مسائل محیط زیست و تعیین استراتژیهای توسعه آینده برگزار شد، این مسائل به ویژه اختلاف بین شمال و جنوب به نحو بارزتری مطرح می‌شود.

در ذهن روستفکران جهانی سوم، این ظن شکل گرفته است که کشورهای توسعه یافته، بنا به منافع خویش، ناکهان نگران ناسر تلخانه‌های سده‌اند. گرم شدن کره زمین ممکن است، بر ارزش املاک، دماغه هنراس تأثیر بگذارد، اما اب ناسالم بنگلادش منافع آنان را تهدید نمی‌کند!

یکی دیگر از دانشمندان، در دفاع از رشد اقتصادی کشورهای چهار سوم می‌گوید: زمانی که انقلاب علمی از غرب منکسر می‌تواند، کسی به فکر چنین مسائلی نبود و این گونه، بود که غرب نیرومند شد. اکنون غرب می‌خواهد، باقی کشورهای دنیا، روال دیگری را که سخت‌تر هم هست، پیش بگیرند. لستبراون، از طرفداران آمریکایی محیط زیست می‌گوید: کنفرانس زیرتایت خواهد کرد که امکان زندگی بر روی کره زمین در آینده از نحوه فعلی توزیع ثروت جدا نیست. بنا به گفته یک دیپلمات غربی، بی جنک، چینی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند، که اگر بنا باشد بین توسعه و محیط زیست یکی را انتخاب کنند، توسعه را بر خواهند گزید. (۱۱) یکی دیگر از دانشمندان در دفاع از رشد اقتصادی می‌گوید: بدترین عیب، زیاده‌رویهای زیست محیطی، تعصبی است که در مخالفت با رشد اقتصادی دارد. درمان مشکلات بزرگ کشورهای فقیر در رشد اقتصادی است، در حالی که، جوامع غنی‌تر برای پاکیزه کردن هوا و رفع آلودگی، اندازه کافی درآمد دارند. درست است که ما مشکلات زیست محیطی داریم و راکتورهای موجود در نیروی سابق، خطرات ایمنی به همراه دارند، رشد اقتصادی و محیط زیست با هم در تضادند و رشد اقتصادی اکسید دو کربن و زایدات صنعتی به بار می‌آورد، ولی این مشکلات، آن طور که در لفاظیهای زیست محیطی می‌آید، موانع اصلی توسعه پایدار نیستند. مشکل عمده دولت‌های نالایق هستند. دولت نالایق است، که سلا مانع از درآمد مناسب کشاورزی می‌شود و بدین ترتیب تولید مواد غذایی را با اسکال مواجه می‌کند. (۱۱)

کنفرانس سران زمین (ریو)، راه حل اساسی بحران را توسعه پایدار و به عبارت دیگر، در تعیین استراتژیهای توسعه در هر کشور با توجه به محیط زیست می‌داند. جامعه‌ای را پایدار توان گفت: که رشد اقتصادی خود را خنان ترتیب دهد، که هیچ خسارت جبران‌ناپذیری بر محیط زیست وارد نسازد. اگر نیازهای اقتصادی را در تعادل با مسائل اکولوژیک رفع کنیم هم خواسته‌های مردم برآورده می‌شوند و هم آینده نسلهای آینده به مخاطره نخواهد افتاد.

در بسیاری از کشورهای، یکی از موانع عمده توسعه پایدار، وجود ساختار اجتماعی است، که بیشترین سهم

از ثروت ملی را، در اختیار اقلیت کوچکی از مردم قرار می‌دهد. آر. پی. یاچوری، مدیر انستیتو تحقیقات انرژی تانای دهلی نو، می‌گوید: کسی که نگران وعده بعدی غذای خویش است، به سخنرانیهایی زیست‌محیطی گوش نمی‌دهد، مثلاً آنچه را که شمالیها بدترین تجاوز به حریم محیط زیست می‌شمارند (مانند قطع درختان جنگلهای بارانی و فروش آنها برای سوخت). آنان که منبع درآمد دیگری ندارند، اغلب به راحتی انجام می‌دهند.

نابرابریهایی که کشورها را از یکدیگر متمایز می‌سازند، در کل کره زمین نیز منعکس است. اکثر ثروتهای طبیعی زمین، در شمال متمرکز است. از نظر جنوبیها، مشکل از الگوهای مصرف بی‌رویه جهان غنی ناشی می‌شود. ماشینهای بزرگشان، سردخانه‌ها و مراکز بزرگ خرید مجهز به سیستم تهویه هوایشان.<sup>(۱۲)</sup>

سیستمهای اقتصادی فعلی چه سرمایه‌داری و چه سوسیالیستی، میراثی هستند از اوایل دوران انقلاب صنعتی، یعنی، اساساً یک هدف اساسی و اصلی دارند و آن هم صرفاً افزایش تولید است. چنین طرز تفکر کوتاه بینانه‌ای به اجبار به بهره‌برداری بی‌رویه و هر چه سریع‌تر از منابع زمین منجر می‌شود. هر بهانه‌ای برای نیل به آن هدف قابل قبول است، حتی مفهوم ناسالم مانند: "Planned Obsolescence" یعنی تولید عمدی کالاهای کم دوام و زودگذر. هر سیستم اقتصادی که اسراف و تبذیر در مواد اولیه را تشویق کند، در ذات خود سیستم ناسالمی است و بحران زیست‌محیطی کنونی، این نکته را ثابت می‌کند.<sup>(۸)</sup>

فرناندو کوموردملو رئیس جمهور برزیل می‌گوید: در جهانی که نابرابریهای اجتماعی دارد، نمی‌توان سیاره‌ای با سلامت زیست‌محیطی داشت. یکی از نمایندگان آمریکا در مخالفت با این نظر می‌گوید: آنها سعی می‌کنند، همه کاسه کوزه‌ها را سر ما بشکنند، چون ما می‌خواهیم استانداردهای زندگی مردمان را بالاتر ببریم.

تنشهای موجود میان شمال و جنوب و کشمکشهای مالی آنها به صورت اختلافی در مذاکرات آنها نیز راه یافته‌اند. مهمترین اختلافات در موضوعات زیر است:

● **وقتی هر مسأله محیطی، برای یافتن منشأ مورد مطالعه قرار می‌گیرد، یک حقیقت گریزناپذیر این است که ریشه علت بحران را نباید در چگونگی رفتار انسانها با طبیعت جستجو کرد، بلکه در این که انسانها چگونه با هم رفتار می‌کنند، باید جستجو کرد.**

● **در واقع، مشکلات زیست محیطی، از زمانی شکل پیچیده‌ای به خود گرفتند، که بشر صنعتی با دستیابی به صنعت، ابتدا به فکر تسلط بر محیط طبیعی پیرامون خود و سپس تسلط بر محیطهای انسانی و اقتصادی افتاد و تلاش کرد که با تکیه بر قدرتی که با اتکاء به ماشین بدست آورده است، تمامی منابع طبیعی و انسانی کره زمین را در اختیار بگیرد.**

۱ - چه کسی باعث بالا رفتن دمای زمین شده است؟ به سادات شاخصهای سرنانه، اکسید دو کربنی که یک نفر شمالی با مصرف انرژی ایجاد می‌کند، نزدیک به دو برابر مقداری است که همتای جنوبی‌اش به وجود می‌آورد.

۲ - چه کسی اقیانوسها را مسموم می‌کند؟  
۳ - جنگلها از آن کیست؟<sup>(۱۲)</sup>  
۴ - هزینه ترمیم خسارتهای زیست محیطی را چه کسی باید تقبل نماید؟

● **نتیجه گیری**  
چنانچه در مقدمه نیز اشاره شد، دیدگاههای مختلف درباره مسائل زیست محیطی نشان می‌دهد، بحران محیط زیست، بیش از آن که ناشی از رابطه انسان با محیط طبیعی پیرامون خود باشد، متأثر از رابطه انسانها با همدیگر و اساساً یک مسأله اجتماعی

و اقتصادی است. بحران زیست محیطی، پیامد عملکرد سیستمهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جهان کنونی است، که در جهت کسب منافع بیشتر به هر اقدامی دست می‌زنند و نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی را تشدید می‌کنند.

از دیدگاه زیست محیطی می‌توان، توسعه را راه رسیدن به کیفیت زندگی معقول و مطلوب دانست، که برنامه‌ریزی در این وجه، مصداق کاربرد پیدا می‌کند و در این مسیر شکل می‌گیرد. بنابراین، توسعه با بهره‌برداری معقول از همه منابع، شامل نیروی انسانی، تواناییهای مالی و منابع زنده و بیجان محیط امکان پذیر است. مهمترین ویژگی توسعه، تداوم و پویایی آن است. برای حفظ تداوم و پویایی توسعه باید، تداوم و پویایی منابع را تضمین کرد. این کار تنها با هماهنگی توسعه و محیط زیست ممکن می‌شود. توسعه صنعتی و کشاورزی و گسترش شهرها اغلب علت‌های اصلی آلودگی محیط زیست و تخریب آن شمرده می‌شود و شاید بتوان گفت: عدم توسعه، اثرهای تخریبی ماندگارتری در محیط زیست دارد. راه چاره را باید در هماهنگی و یکپارچگی و همه سونگری توسعه جست، توسعه‌ای که با حفظ محیط زیست در هم بافته باشد.<sup>(۷)</sup>

نتیجه این که حل بحران محیط زیست، به تجدیدنظر در عملکرد اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری، ایجاد الگوهای اقتصادی مناسب و منطبق با محیط، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطح بین‌المللی و ملی، کاهش فقر و نابرابری و توزیع مجدد و متناسب ثروت و ایجاد حکومتهایی که در قبال محیط زیست بیشتر احساس مسؤلیت نمایند بستگی دارد. این مهم تنها از طریق همکاری تمامی کشورهای جهان، ثروتمند و فقیر، توسعه یافته و توسعه نیافته و شمالی و جنوبی میسر است. مسأله محیط زیست، یک مسأله جهانی است، که کشورهای مختلف با سهمی نابرابر در ایجاد آن دخالت داشته‌اند و همه در معرض عواقب آن قرار دارند. تک روپها و عملیات پراکنده و ناهماهنگ، نمی‌تواند مشکلی را حل نماید. تمامی کشورهای جهان باید، در حل این بحران با هم همکاری نمایند و در این راه، از پاره‌ای منافع خود و از زیاده طلبیها چشم‌پوشی نمایند و

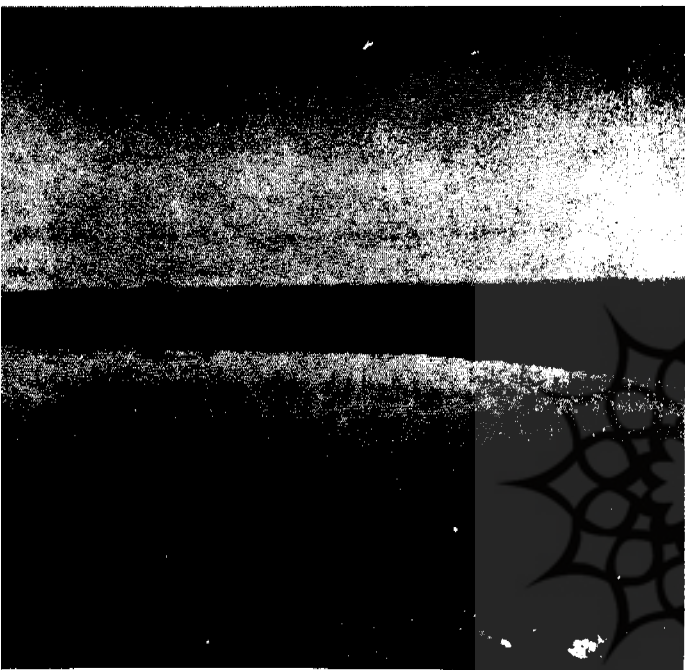
بقیه در صفحه ۵۶

# بررسی اثرات اقتصادی - اجتماعی عملیات آبخیزداری انجام شده در استان سیستان و بلوچستان

محقق: منصور جهانتیغ

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات

منابع و امور دام استان سیستان و بلوچستان



شکل شماره ۱

پخش سیلاب اجرا شده

در حوزه ترش آب زابل

از حوزه‌های آبخیز استان، موجب به وجود آمدن تعادل در اکوسیستم آنها شده است. اقدامات انجام شده در حوزه‌های آبخیز استان، شامل: بندهای خشک چین، بندهای کابیونی، تورکینست، فارو، پخش سیلاب و بندهای کوچک خاکی می‌باشد. فرآیند این عملیات، جلوگیری از روند تخریب و سیر قهقرایی، حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش بی‌رویه در استان، اشتغال‌زایی برای ساکنین حوزه‌ها و افزایش درآمد، ایجاد فضای سبز و

لذا، برای جلوگیری از خسارت بیشتر، اقدام به ایجاد عملیات مکانیکی در حوزه‌های آبخیز شده است. هدف از این بررسی، مقایسه بین حوزه‌های آبخیز قبل و بعد از اجرای عملیات است. روش کار به این ترتیب بوده که قبل از اجرای عملیات، وضعیت حوزه‌های کار شده، مورد ارزیابی قرار گرفته است و پس از اجرای عملیات نیز، این عمل تکرار شده، سپس این دو بررسی، با هم مقایسه گردیده است. اجرای عملیات آبخیزداری در بعضی

## چکیده

استان سیستان و بلوچستان در قسمت جنوب شرقی کشور قرار گرفته و از نظر اقلیمی از بارانهای موسمی برخوردار است. بنابراین تخریب و فرسایش، بطور غیر طبیعی، در این منطقه صورت می‌پذیرد. روان ابهایی که همه ساله حاصل این بارندگیهای شدید است، نه تنها، موجب طراوت و سرسبزی در منطقه نمی‌شود، بلکه سبب تخریب و فرسایش شده است.

تفرجگاه و ... بوده است. به طور کلی، ایجاد این تاسیسات باعث مهار و کنترل ۹۵۲۳۸۲۷ متر مکعب در حوزه‌های مربوطه شده است.

## ■ مقدمه

استان سیستان و بلوچستان، در قسمت جنوب شرقی کشور قرار گرفته است. این استان از نظر آب و هوایی جزء ایران و توران می‌باشد. مقدار بارندگی این منطقه معمولاً متفاوت است، به طوری که، مرکز استان از بارندگی بیشتر و شمال از بارندگی کمتری برخوردار است.

پراکنش بارندگی کم است و اکثر ریزش آن، در فصل زمستان صورت می‌گیرد.

این استان، از بارانهای موسمی نیز، برخوردار بوده که شدت آنها در حد بالایی است، وضع منابع طبیعی استان، بسیار اسفناک است و تولید مراتع نر واحد سطح، مقداری ناچیز می‌باشد. روان‌آبهای سطحی در استان زیاد بوده، قسمت عمده آبی که از طریق بارندگی و روان‌آب سطحی وارد استان می‌شود، بدون هیچ گونه استفاده‌ای به خارج از کشور هدر می‌رود. همه ساله، حوادث طبیعی، همانند: سیل و خشکسالی در استان به وقوع می‌پیوندد، که فرایند خسارات آن، بسیار است. سطح مراتع طبیعی استان به شدت در حال کم شدن است و از طرف دیگر، روز به روز بر وسعت یابانهای استان افزوده می‌شود. همه ساله، هزاران متر مکعب خاک از داخل حوزه‌های آبخیز استان محو گشته، همچنین، هزاران متر مکعب آب نیز ه هدر می‌رود. مقدار متوسط تخریب و فرسایش در استان، از رقم بالایی برخوردار است. همچنین، کثر شهرهای استان، به علت تغذیه سفره‌های زیرزمینی با کمبود آب شرب مواجه هستند و همین عامل سبب شور بودن آبهای این شهرها شده است.

با توجه به مشکلات عنوان شده، برای جلوگیری از این خسارات و احیای منابع طبیعی استان - این ثروت عظیم خدادادی - اقدامهای مؤثری صورت گرفته است. برای ایجاد ماهنگیهای بیشتر، لازم است این کارها ارزیابی شود، تا توجه بیشتری به این امور شود. روش رسی این اقدامات طوری بوده که قبل از شروع آنها، مروری بر مشکلات گذشته منطقه شده و با پیمای منطقه بعد از انجام کار، مقایسه گردیده

است.

## ■ سوابق موضوع

به دلیل کوتاه بودن عملیات آبخیزداری، بررسیهای اساسی، در این خصوص، انجام نشده است. فقط مدیریتهای آبخیزداری گزارشی از انجام این نمونه کارها داده‌اند، که جا دارد برای سرعت بخشیدن به امور و اختصاص امکانات بیشتر، از این نمونه بررسیها و ارزیابیها صورت گیرد تا روند کار را تندتر نماید و از افزایش خسارات جلوگیری کند.

## ■ روش مطالعه و بررسی

برای بررسی و ارزیابی کارهای آبخیزداری، وضعیت حوزه‌های آبخیزداری که در آنها کار انجام شده، قبل از انجام فعالیت، مورد بررسی قرار گرفته است و سپس با توجه به تغییراتی که صورت پذیرفته، نتیجه نهایی گرفته شده است. اطلاعات و آمار این بررسی توسط نگارنده قبل و بعد از انجام کار، جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ■ نتایج و بحث

### ● ویژگی استان

استان سیستان و بلوچستان با وسعت ۱۸۱۵۷۸۱۰ هکتار در قسمت جنوب شرقی کشور واقع شده است. بیشترین قسمت این منطقه را مراتع تشکیل می‌دهد که به علت عدم تجدید حیات کافی، پوشش گیاهی از اکثر عرصه‌های آن محو شده است. سطح آبهای زیرزمینی پایین رفته بطوری که در تمام مناطق برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی نسبت به تغذیه آن بیشتر می‌باشد. به دلیل برخوردار بودن این استان از بارانهای موسمی شدت بارندگی زیاد است. به طوری که در تاریخ ۶۸/۷/۱۷ مقدار ۱۰۰ میلی‌متر در ایستگاه قصر قند شهرستان نیک شهر، بارندگی صورت گرفته است (۱) چنین بارندگی‌هایی سیلهای مخربی را به همراه دارد. سیلاب بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر اموال، املاک، محصولات کشاورزی، راهها، پلها، سدها و ... اثر می‌گذارد، و آنها را به نحوی منهدم و تخریب می‌کند که خواه ناخواه پیامدهای ناگوار اقتصادی را

در سطح استان به دنبال دارد (۲). در بعد خسارات غیر مالی، دو مقوله جداگانه را می‌توان مد نظر قرار داد. یکی پیامدهای جانی که بدیهی است موجب کشته شدن انسانها و فنای جان آنها می‌شود. دیگری عواقب روحی و عاطفی است که از طرفی، موجبات دلسردی، ترس و رعب را فراهم می‌آورد و از طرف دیگر، مهاجرت‌های زیادی در سطح استان به وجود آورده است. در عین حال بارندگیهای شدید در استان، موجب بروز سیل‌های مخربی در سطح منطقه شده است که اثرات نامطلوب آن به صورت زیر خلاصه می‌شود:

الف: شستن و تخریب خاکهای تشکیل شده و در حالی تشکیل

ب: کاهش حاصلخیزی زمین بر اثر انباشته شدن رسوبهای درشت

ج: فرسایش سریع زمین و ناهموار کردن آب

د: تخریب قنوات به خصوص، در منطقه بلوچستان

ه: تلف نمودن احشام و حیات وحش

و: تخریب راهها، پلها، منازل مسکونی و مراکز تجاری و سایر سازه‌ها

ز: هز رفتن آبهای سطحی استان و فقدان فرصت کافی برای بهره‌برداری از آب

### ● آبخیز به عنوان واحد اصلاح و توسعه

مناسب‌ترین واحد، برای مدیریت منابع طبیعی تجدید شونده، حوزه آبخیز است. بیشترین منابع موجود، در حوزه‌های وابسته به آب و بارندگی می‌باشند. بارانی که روی زمین می‌ریزد، آب برای رشد گیاهان حوزه و جریان رودخانه است که می‌تواند نیاز آبیاری مزارع، نیروی هیدروالکتریک، ذخائر آب، انرژی، منابع طبیعی حوزه و توسعه و اصلاح اکوسیستم را مورد توجه قرار دهد. همچنین، آبخیز می‌تواند، به عنوان واحد طراحی حوزه آبخیز رودخانه از نظر توسعه اقتصادی باشد (۳). آنچه را می‌توان یک نظام مستقلی با مرز مشخص دانست، نظامی است که این مرز حوزه‌ها را بطور فیزیکی از یکدیگر مجزا کرده است. اگر مدیریت حوزه آبخیز ایجاد کند، حوزه می‌تواند به واحدهای کوچکتری نیز تفکیک شود. این مورد، در سالهای اخیر، مورد قبول زیست‌شناسان، اکولوژیستها، جامعه

شناسان، مهندسين منابع آب و اقتصاددانان قرار گرفته است که حوزه آبخيز را، به عنوان واحد کار دانسته، جهت شناسايی و سيایت گذاری مورد استفاده قرار دهند.

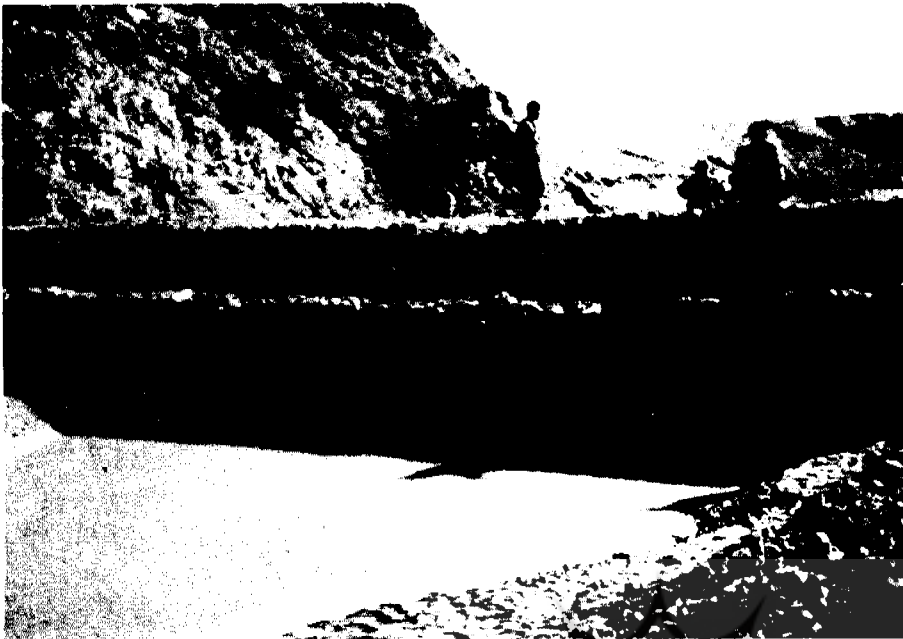
## ● اطلاعات لازم برای مدیریت حوزه آبخيز

برای طراحی و برنامه ریزی مؤثر حوزه آبخيز، به شناسايی مشخصات آن نیاز است. هر حوزه آبخيز، مشخصات ویژه ای دارد که بوسیله پارامترهایی نشان دهنده وضعیت آسپهها، استعدادها و ظرفیت تولید آبخيز بوده و شاخص عکس العمل حوزه نسبت به مدیریت بهره برداری و حفاظت می باشد. بیللی (۱۹۸۴)، تعداد ده شاخص را برای برنامه ریزی حوزه ها، ضروری دانسته است که، عبارتند از: اندازه، شکل، پستی بلندی، وضعیت، زهکشی، زمین شناسی، خاکشناسی، اقلیم، شرایط پوشش و استفاده از زمین، آبهای زیرزمینی و وضعیت اجتماعی و قوانین. این شاخصها، هر یک دارای چندین پارامتر قابل اندازه گیری یا برآورد می باشند.

تمامی این اطلاعات مربوط به عواملی هستند که برای تشخیص هرز آب به کار می رود و برای ارزیابی ظرفیت منابع آب حوزه و طراحی سازه ها و ذخیره آب و بهره برداری برآورد میزان هرز آب ضروری می باشد. اطلاعات مربوط به خاک و زمین شناسی در شناسايی هرز آب و رسوبات کمک شایانی کرده است و اقدامات حفاظت خاک و آب و بالا بردن ظرفیت تولید و همچنین، استفاده منطقی از اراضی را مشخص می سازد.

## ● شناخت مسائل حوزه های آبخيز

اساس مطالعه و بررسی هر منطقه جغرافیایی به ویژه حوزه های آبخيز وجود انسان می باشد. انسان به تداوم و ایمنی زمینی که برای رفیع نیازهای خود مورد استفاده قرار می دهد، توجه خاصی دارد. بنابراین، در بررسی مسائل حوزه آبخيز برای نیازهای انسان، باید اهمیت زیادی قائل شد. زمین به تنهایی نیازمندیهای انسان را رفیع نمی کند اثرات متقابل آب و توانایی زمین، در تهیه آب مورد نیاز انسان را از نظر مقدار، زمان و کیفیت، مهمترین یاسخگویی نیازمندیهاست.



شکل شماره ۲ نمونه آب از کامپیونهای اجرا شده در حوزه های آبخيز استان

ارتباط پیچیده بین چرخه زمین و چرخه آب، قلعی ترین عامل ظهور و سقوط تمدنهای انسانی در طی قرون بوده است. بنابراین، سطح زمین و مقطع خاک، از یک سو و مقدار آب و نحوه توزیع زمانش یا رژیم آب از سوی دیگر، برای شناخت جمعی مسائل باید مورد نظر باشند. مسائل حوزه های آبخيز را می توان به دو بخش وسیع تقسیم نمود، که عبارتند از:

الف - مسائل اکولوژیک

ب - مسائل اقتصادی اجتماعی

## ● آنالیز نظامها در مدیریت حوزه های آبخيز

در دو سه دهه اخیر، نگرش منظم (سیستمی) مدیریت، جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. برخی معتقدند: نگرش منظم، بهترین روش برای وحدت بخشیدن اطلاعات، برداشتها و رفتارهای مدیریت است. بنابراین، آبخيز یک نظام است. در نگرش منظم، حوزه های آبخيز را به صورت یک مجموعه و نظام مورد توجه قرار می دهند.

آنالیز نظامی (سیستمی) برای درک و فهم اوضاع یک آبخيز و کاربرد آن مدیریت، سوالهایی را مطرح می سازد که به شرح زیر است.

۱- مدیریت نظام آبخيز در پی تحقق کدام

اهداف است؟

۲- اجزای مهم نظام آبخيز کدامند؟

۳- روابط، همبستگیها و اثرات متقابل اجزای نظام چیست؟

۴- عوامل متصل کننده و اجزا به یکدیگر و یگانگی آنها کدامند؟

۵- نظام آبخيز چه تحولاتی داشته است و در کدام مسیر در حرکت است؟

۶- چگونه می توان تحولات و حرکت نظام را در جهت اهداف مدیریت کرد؟

## ● برخی از اقدامات انجام شده در حوزه های آبخيز استان

قبل از هر اقدامی در حوزه های آبخيز منطقه، مطالعه اساسی جهت شناخت پارامترهای آن انجام شده و پس از آن، ارائه طریق شده است، مهمترین اقدامی که در حفظ تولید حوزه های آبخيز و نیل به اهداف آبخيزداری صورت گرفته، رسیدن به تعادل اکولوژیک بوده است، سعی شده تا دخالت انسان و بهره برداری زیاد باعث از بین رفتن خاک، سرمایه اصلی حوزه آبخيز نشود. ولی در بعضی حوزه های آبخيز، بهره برداریهای حساب نشده وجود داشته و تخریب اکوسیستم زیاد صورت گرفته است، که آثار فرسایش به وضوح مشاهده



ذکر شده احداث گردیده و معمولاً تورکینست در پایین تپه‌ها و کوهها، به صورت نیم دایره‌ای ایجاد شده است. اثر آن، در نفوذ آب در خاک و جلوگیری از هدر رفتن آب و خاک و احیای پوشش گیاهی بوده که این کارها در چندین حوزه آبخیز اجرا شده است.

### ● فارو

مهمترین هدف مدیریت آبخیزها، ایجاد پوشش گیاهی در حوزه‌های آبخیز است. برای رسیدن به این هدف از تکنیکهای مختلفی استفاده می‌شود. نحوه انتخاب هر یک از عملیات، بستگی به وضعیت توپوگرافی حوزه‌ها، دارد. عملیات مورد بحث در محل‌هایی صورت می‌گیرد که شیب ملایم باشد و آبراه‌های پیشرفته‌ای در آنجا وجود نداشته باشد. کارهای انجام شده از این نوع در حوزه‌های منزلاب، کلچات خاش و ... بوده است.

### ● پخش سیلاب

هر گونه عملیاتی مبنی بر تمرکز و گستراندن آبهای غیر متمرکز و فعال موقتی (طغیانی) یا دایمی به نحوی که بتواند در بهبود آب، خاک، پوشش گیاهی یا تغذیه سفره‌های زیرزمینی مؤثر واقع شده و مانع از هدر رفتن بیهوده آب شود، پخش سیلاب نامیده میشود. حوزه ترش آب زابل یکی از مناطقی است که برای اجرای عملیات پخش سیلاب مناسب بوده، زیرا در پایین دست آن، دشتی با شیب ملایم وجود دارد که اجرای این نوع تأسیسات را میسر می‌سازد.

### ● بندهای کوچک و خاکی

آخرین اقدامی که برای اثبات در هر حوزه آبخیز اجرا می‌شود، همین بندهای کوچک خاکی است. این نمونه از کارها در مواردی انجام می‌گردد که هدف، کنترل کامل سیلاب باشد. به هنگام برنامه‌ریزی و طراحی سد‌هایی که وظیفه کنترل طغیان را نیز به عهده دارند، لازم است به این مطلب توجه شود که:

آن درجه ایمنی تضمین شده و مداومی که با احداث این قبیل تأسیسات ایجاد می‌شود، نباید کمتر و کوچکتر از درجه ایمنی و حفاظتی باشد که از انواع اقدامات موضعی کنترل طغیان، نظیر خاکریزهای طولی ساحلی و اصلاح مسیر و مقطع



شکل شماره ۳ بند خاکی ایجاد شده در منطقه کلچات خاش

می‌گردد. در این راستا، مسوولان مربوطه مجبور به اقدامات ساختمانی و مکانیکی شده‌اند.

برخی از این اقدامات، شامل موارد زیر بوده است:

- الف: ایجاد خشکه چین
- ب: استفاده از سازه‌های توری سنگی در حفظ آب و خاک
- ج: اجرای پخش سیلاب
- د: ایجاد فارو
- ه: احداث تورکینست
- و: احداث بندهای کوچک خالی

### ● خشکه چین

این تأسیسات در جاهایی احداث شده است، که آبراهه دارای دبی کمی می‌باشد و قدرت تخریبی آبها اندک است. این عملیات، باعث کاهش سرعت آب و در نتیجه، نفوذ آن در بالا دست شده است و همچنین، لاشبرگها در جلوانها تجمع یافته و مانند سدی از تخریب خاک جلوگیری می‌نماید. این نمونه از کارها، در حوزه آبخیز کوربند (بالا دست زاهدان) و اطراف تفتان صورت گرفته است. البته هزینه آن نسبت به اثرات آن ناچیز است و این کارها باعث تجدید حیات پوشش گیاهی در ابتدای حوزه‌های آبخیز

### ● تورکینست

این تأسیسات در قسمت پایین تر از کارهای



شکل شماره ۴ بند خاکی احداث شده در منطقه اسلام آباد سروان

رودخانه، حاصل می‌شود. در طراحی سدها، برای کنترل سیلاب باید حجم روانابهایی با تداوم بحرانی را در نظر گرفت. کنجایش و ظرفیتی از مخزن که به مهار طغیانها تخصیص یافته، می‌باید فقط آن قسمت از سیلاب را ذخیره کند که در صورت تخلیه و رها شدن به پایان دست، خسارات عمده‌ای پدید می‌آورد.

چنانچه قبلاً نیز ذکر شد، فرسایش در حوزه‌های آبخیز استان، بسیار شدید می‌باشد، و بدون کارهای مکانیکی نمی‌توان موفق به تثبیت حوزه‌ها گردید. لذا، برای رسیدن به هدف مورد نظر، در اکثر حوزه‌های پیش بینی شده، اقدام به احداث بندهای کوچک خاکی نموده‌اند، که تعدادی از آنها در حوزه‌های آبخیز کلچات خاش، منزلاب زاهدان (سفید سنگ، دلمراد، پوده چاه) اسلام آباد سروان می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

همان گونه که عنوان شد، هدف عملیات آبخیزداری، بهبود کیفیت آب و خاک و به طور کلی، مدیریت منابع طبیعی در استان به منظور بهره‌برداری اصولی، فنی و عملی از آنها بوده که به اهداف زیر دست یافته است:

- ۱- جلوگیری از روند تخریب و سیر قهقرایی
- ۲- کاهش فرسایشهای ناشی از عملیات و بهره‌برداری بی‌رویه و غیر اصولی از منابع طبیعی
- ۳- حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش بی‌رویه در استان
- ۴- اشتغال‌زایی برای ساکنین استان و افزایش درآمد
- ۵- احیای پوشش گیاهی منطقه
- ۶- تغییر میکروکلیمای منطقه
- ۷- ایجاد فضای سبز و تفرجگاه
- ۸- افزایش تولید علوفه و ایجاد بستر مناسب کشاورزی جهت افزایش تولید
- ۹- افزایش تولید محصولات دامی و قطع وابستگی کشور از بیگانگان
- ۱۰- جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از استان
- ۱۱- تثبیت آب و خاک در حوزه‌های مربوط به آنها
- ۱۲- افزایش سفره آبهای زیرزمینی به خصوص در منطقه زاهدان

### پیشنهادات

- ۱- تهیه سوخت ساکنین حوزه‌های آبخیز استان

### منابع و مأخذ

- ۱- مهدوی، محمد، هیدرولوژی کاربردی، جلد دوم انتشارات دانشگاه تهران
- ۲- جنگل و مرتع، شماره ۲۶، سال انتشار بهار ۱۳۷۴
- ۳- بیرویدیان، نادر، فتوکپی درس مدیریت آبخیزداری دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی نور (تربیت مدرس) ۱۳۷۲
- ۴- مطالعات حوزه‌های آبخیز استان، کارشناسان مدیریت آبخیزداری استان، تابستان ۱۳۷۲

به خصوص دامداران

- ۲- اشتغال‌زایی برای ساکنین حوزه‌های آبخیز
- ۳- هماهنگی بین راه و ترابری و معاونت آبخیزداری برای جلوگیری از خسارات پی در پی به جاده‌های استان
- ۴- برای اجرای عملیات آبخیزداری، مطالعه اساسی در حوزه‌ها انجام شود
- ۵- عملیات مکانیکی و بیولوژیکی، توأم با یکدیگر انجام شود
- ۶- انجام عملیات بر اساس شدت تخریب و فرسایش اجرا شود

جدول ۱ - مقدار روان‌آب کنترل شده در تعدادی از حوزه‌های آبخیز استان

نام حوزه	حجم بارندگی (متر مکعب)	حجم تبخیر و نفوذ (متر مکعب)	حجم روان‌آب (متر مکعب)	ارزش آب در منطقه (هزار سال)
ترش آب	۵۴۷۰۴۱۶	۳۶۷۴۹۴۴	۱۸۲۳۴۷۲	۳۶۴۹۴۴
آپاتان	۱۵۶۷۵۰۰	۱۰۴۵۰۰۰	۵۲۲۵۰۰	۱۰۴۵۰۰۰
انجرک	۷۸۳۱۰۰۰	۵۴۸۱۰۰۰	۲۳۴۹۰۰۰	۴۶۹۸۰۰۰
منزلاب	۱۲۴۹۶۱۸۵	۸۷۴۷۳۳۰	۳۷۴۸۸۵۵	۷۴۹۷۷۱۰
کلچات	۳۶۰۰۰۰۰	۲۵۲۰۰۰۰	۱۰۸۰۰۰۰۰	۲۱۶۰۰۰۰

\* با توجه به اینکه هر لیتر آب شیرین در زاهدان ۵ ریال به فروش می‌رسد، هر لیتر آب ۳ ریال در نظر گرفته شده است.



## یکصد نکته در تحلیل الگوی تغذیه فعلی و افق سال ۱۴۰۰

■ سید حسن کاظمی

کارشناس ارشد دفتر مطالعات جامع و نظارت

### ■ مقدمه:

در بین علمای تغذیه، ضرب‌المثلی است که می‌گوید: «مریضی انسان پدرش هر چه باشد، مادر آن، سوء تغذیه است»، که بیانگر اهمیت و نقش بسیار حساس تغذیه در سلامت و بهداشت انسان است. همین امر سبب شده تا موضوع تغذیه و ساختار و مواد مغذی ترکیبی آن، همواره مورد توجه مدیران و مسؤولین جوامع قرار گیرد و روند آن به دقت تحت کنترل باشد.

در ایران نیز، به لحاظ تحولات اجتماعی - اقتصادی دو دهه اخیر، از جمله: تشدید مهاجرت‌های روستا به شهر، افزایش درآمدهای ارزی دولت، توسعه شهرنشینی، رشد واردات مواد غذایی نسبت به دهه‌های گذشته، القای فرهنگ مصرف بیگانه و ... الگوی تغذیه نیز، با تغییرات نسبتاً ساختاری مواجه شده است. لیکن، بررسی وضعیت تغذیه نشان می‌دهد که به رغم توزیع نامناسب مواد غذایی در جامعه، آنچه به عنوان متوسط مصرف مواد غذایی از آن نام برده می‌شود، قادر است مواد مغذی مورد نیاز انسان را تقریباً تأمین نماید.

مقاله‌ای که از نظر خواهد گذشت، تلاشی است در جهت شناسایی ابعاد الگوی فعلی تغذیه و نکات ضروری و قابل توجه در فرآیند ۲۵ سال آینده که در دو بخش، تنظیم و ارایه شده است.

بررسیها نشان می‌دهد، جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰، در محدوده ۱۰۰ میلیون نفر خواهد بود که به مثابه تقاضا برای محصولات کشاورزی و مواد غذایی تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، در حال حاضر، بخش اعظم منابع قابل استفاده آب و خاک کشور، مورد شناسایی قرار گرفته است و از آنها بهره‌برداری می‌شود، که تولیدات آن تکافوی کامل نیازهای جمعیت فعلی کشور را نمی‌دهد. مسأله فوق، در کنار این فرض که وضعیت تولید و توزیع غذا در آینده جهان دورنمای مطلوبی ندارد، نگاهها را به آینده حساس‌تر نموده است. در این شرایط، موضوع غذا در حال و آینده، با بیش از پنجاه تن از کارشناسان و متخصصین رشته‌های مختلف تغذیه، کشاورزی، جامعه‌شناسی و اقتصاد، در دویخش، مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نتایج آن به ترتیبی که در ذیل اشاره خواهد شد، طبقه‌بندی شده است.

بخش نخست این مقاله، ابعاد مهم و مؤثر در الگوی تغذیه را مورد توجه قرار داده است. بدین ترتیب که ابتدا وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی در جهان و ایران و عوامل مؤثر محیطی، جمعیتی و بهداشتی، اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته و ویژگیهای امنیت غذایی در شرایط کنونی و افق سال ۱۴۰۰ ذکر شده است و در نهایت، نکات اصلی، مورد جمع‌بندی قرار خواهد گرفت. از نکات بسیار مهم بخش نخست، ضرورت تولید داخلی محصولات اساسی ملحوظ در الگوی تغذیه در افق ۱۴۰۰ می‌باشد، که همین امر، موجب بررسی وضعیت فعلی و تنگناهای رشد تولید چند محصول اصلی گیاهی و حیوانی در بخش دوم این

مقاله شده که محورهای اساسی و مهم مورد نظر در مصرف و تولید محصولات اساسی شامل: گندم، برنج، دانه‌های روغنی، چغندر قند، نباتات علوفه‌ای، گوشت قرمز، شیر، مرغ و تخم مرغ و ماهی، در فرآیند ۲۵ سال آینده، اشاره شده است.

### ■ فصل اول

#### ویژگیهای الگوی تغذیه حال و افق سال ۱۴۰۰

۱- با افزایش جمعیت، تولید مواد غذایی نیز، افزایش یافته است. اما چنانچه جمعیت جهان، طبق روند گذشته افزایش یابد، به طور کلی، مشکلاتی در تأمین مواد غذایی در افق ۲۵ سال آینده می‌توان ترسیم نمود. بنابراین، باید تعدیل در میزان رشد جمعیت جهان رخ دهد.

۲- در بخش تولید مواد غذایی با عنایت به استفاده بشر از تقریباً تمام منابع خاک جهان، می‌باید در فرآیند ۲۵ سال آینده، زمینه‌های اصلی دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک از طریق تحقیق و توسعه، بیش از گذشته فراهم آید، که این امر باید با قید جلوگیری از تخریب منابع و جلوگیری از ضایعات، در دستور کار قرار گیرد.

۳- از دیدگاه تغذیه، مهمترین مسأله در جهان امروز، نحوه توزیع و مصرف مواد غذایی است که مشکلاتی را برای بشر ایجاد نموده است.

۴- جمعیت جوان ایران، در افق ۲۵ سال آینده، حدوداً به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید که

غذا نقش عمده‌ای در سلامت و شادابی آنها ایفا خواهد نمود.

۵- در حال حاضر به طور متوسط، مواد غذایی مورد نیاز در کشور فراهم است. لیکن، توزیع نامناسب، مشکلات سوء تغذیه را برای بخشی از اقشار جامعه ایجاد نموده است.

۶- نحوه مصرف مواد غذایی، در اصل علمی و منطقی نیست به گونه‌ای که هم بخشی از پردرآمدها و هم بخشی از کم درآمدها از سوء تغذیه رنج می‌برند.

۷- اصولاً محیط، نقش مؤثری در شکل‌دهی و ساختار رژیم غذایی مردم ایفا می‌نماید.

۸- شهر و روستا به عنوان دو نقطه و منطقه سکونتگاهی، در ساختار الگوی تغذیه مردم ایران، نقش مشخصی را ایفا نموده‌اند.

۹- بررسیها نشان می‌دهد، علاوه بر این که اقشاری از جامعه شهری دچار سوء تغذیه می‌باشند، جامعه روستایی نیز، گرفتار این مسأله هستند.

۱۰- مهاجرت روستاییان به شهرها، سبب شده است علاوه بر تغییر الگوی تغذیه آنان به لحاظ مشکلات درآمدی، مواجه با الگوی نامناسب تر نیز، بشوند.

۱۱- در فرآیند ۲۵ سال آینده، جامعه شهری و روستایی به ایجاد اصلاحاتی در رژیم مصرفی از دیدگاه انتخاب پهنه مواد غذایی از یک سو و اصلاح رژیم غذایی از سوی دیگر نیاز دارند.

۱۲- در حال حاضر، به طور متوسط، مصرف مواد غذایی مردم ایران، مناسب و میزان پروتئین و کالری مورد نیاز آنان تأمین می‌شود. لیکن، نابرابری توزیع، سبب شده است که بخشی از جمعیت، که حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بیش از نیاز و بخش دیگری، کمتر از نیاز خود دریافت نمایند.

۱۳- در حال حاضر، سهم پروتئین و کالری مصرفی گیاهی در رژیم غذایی مردم ایران غالب می‌باشد.

۱۴- بر خلاف تناسب شرایط محیطی و جمعیتی با الگوی تغذیه مردم ایران، به لحاظ کمبود در مصرف برخی مواد مغذی همچون: آهن و ویتامینها، به طور متوسط نیازمند به

مصرف بیشتر میوه و سبزی و همچنین مواد غذایی حیوانی همچون شیر و به خصوص گوشت قرمز به منظور جبران آهن، در آینده می‌باشیم.

۱۵- در فرآیند ۲۵ سال آینده، ضرورت مهمترین رخداد در الگوی تغذیه، جلوگیری از رسوخ فرهنگ غذایی بیگانه و همچنین آموزش در منطقی نمودن مصرف و اصلاح ساختار توزیع مواد غذایی است.

۱۶- امنیت غذایی به مفهوم قابل دسترس بودن غذای مناسب و بهداشتی برای کلیه اقشار جامعه متناسب با نیازهایشان می‌باشد. بنابراین، امنیت غذایی دارای ابعاد مختلفی است.

۱۷- در حال حاضر به رغم وجود امنیت غذایی، از دیدگاه توزیع، برخی از اقشار از امنیت مطلوبی برخوردار نیستند.

۱۸- توسعه و استقرار کامل امنیت غذایی در آینده منوط به هدایت یارانه‌های دولت، صرفاً به اقشار مورد نیاز و همچنین رشد تولید از طریق ایجاد مدیریت مطلوب در بهره‌برداری از منابع آب و خاک و مشارکت بیشتر کشاورزان و تولیدکنندگان مواد غذایی است.

۱۹- در صورت افزایش درآمد مردم در فرآیند ۲۵ سال آینده، تقاضا برای محصولات و مواد غذایی بیشتر خواهد شد. لذا، ضرورت توسعه آموزش مردم به منظور اصلاح رژیم غذایی و مقابله با اتلاف و ضایع نمودن مواد غذایی ضرورت تام دارد.

۲۰- خودکفایی مواد غذایی یک ضرورت ملی است و این امر، به مفهوم تولید داخلی تمامی محصولات کشاورزی مورد مصرف نیست. بلکه، باید با عنایت به نقش برخی از محصولات در رژیم غذایی مردم، مهمترین آنها انتخاب و کلیه منابع و امکانات در جهت تولید آنها در فرآیند ۲۵ سال آینده تجهیز شوند.

۲۱- در صورتی که هدف، ایجاد خودکفایی در جامعه باشد، از دیدگاه رفتاری باید جامعه در بستر زمان مصرف، خود را متناسب با الگوی تولید داخلی نماید.

۲۲- در صورت پذیرش الگوی مصرف متناسب با

الگوی تولید، در صورت تأمین پروتئین، کسالتی و ویتامینهای مورد نیاز بدن، خودکفایی تأثیر سوئی در بهداشت و سلامت جامعه نخواهد داشت.

۲۳- در فرآیند ۲۵ سال آینده به صادرات محصولات کشاورزی باید پس از تحکیم تولید در داخل نگریت.

۲۴- مشکل اقتصاد کشاورزی در بخش تجارت خارجی کند بودن صادرات نیست، بلکه فقدان نظام برنامه‌ریزی شده تولید است.

۲۵- بازار جهانی محصولات کشاورزی در آینده به گونه‌ای خواهد بود که نمی‌توان با اختصاص منابع محدود داخلی به صادرات محصولاتی که در الگوی تغذیه مردم نقش اساسی ندارند، تأمین الگوی تغذیه مناسب را متکی به بازار جهانی نمود.

۲۶- به هر حال، ما به صادرات محصولات کشاورزی نیازمند هستیم. لیکن، این امر می‌باید بر اساس واقعیات الگوی تغذیه ترسیم شود و نیازهای اساسی داخلی و مزیت‌های نسبی و منابع محدود به خصوص منابع آب و خاک را به خود اختصاص دهد.

۲۷- بررسی روند واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی نشان می‌دهد که شروع و رشد این حرکت، ناشی از یک بررسی از الگوی تغذیه و نیازهای بهداشتی مردم نبوده است.

۲۸- در حال حاضر، واردات برخی از مواد غذایی منجر به برهم زدن روابط تولید داخلی محصولات مشابه نیز می‌شوند که این امر، ناشی از فقدان برنامه‌ریزی و بازاریابی است.

۲۹- اصولاً، بررسی وضعیت آینده کشور نشان می‌دهد که ساختار فعلی واردات مواد غذایی، نباید برای آینده نیز تعمیم یابد. لذا، ضرورت یک حرکت اساسی در تغییر ساختار تولید، مصرف و واردات مواد غذایی در کشور به چشم می‌خورد.

۳۰- بررسی روند رشد تولیدات در دو دهه گذشته، بیانگر این واقعیت است که: در صورت به کارگیری تمامی ابعاد تکنولوژی در تولید، چشم‌انداز روشنی از پاسخگویی به نیاز گوشت و شیر مصرفی کشور در آینده وجود دارد.

۳۱- در صورتی که زمینه‌های تأمین خوراک طیور فراهم شود، سرمایه‌گذارهای زیربنایی انجام شده در بخش طیور، پاسخگوی تأمین گوشت، مرغ و تخم‌مرغ مورد نیاز الگوی تغذیه می‌باشد.

۳۲- ضرورت وجود آبزیان در الگوی تغذیه مناسب و ظرفیت بالقوه تولید این محصول، به خصوص، در بخش پرورش آبزیان، آینده مطمئنی را در تأمین بخشی از نیاز الگوی تغذیه و پروتئین حیوانی می‌نمایاند.

۳۳- برنامه‌ریزی‌های انجام شده در خصوص تأمین میوه مورد نیاز مردم در آینده، نشان می‌دهد که منابع مورد استفاده فعلی محدودتر، لیکن در این راستا بهره‌برداری بهینه و افزایش راندمان از منابع آب و خاک از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار خواهد شد، که این مسیر در جهت رفع مشکلات فعلی و آینده و تأمین کمبود ویتامین‌های مورد نیاز الگوی تغذیه تنها راه حل است.

۳۴- توجه به تحقیق، ترویج و آموزش، تنها راه پاسخگویی تولید به مصرف است.

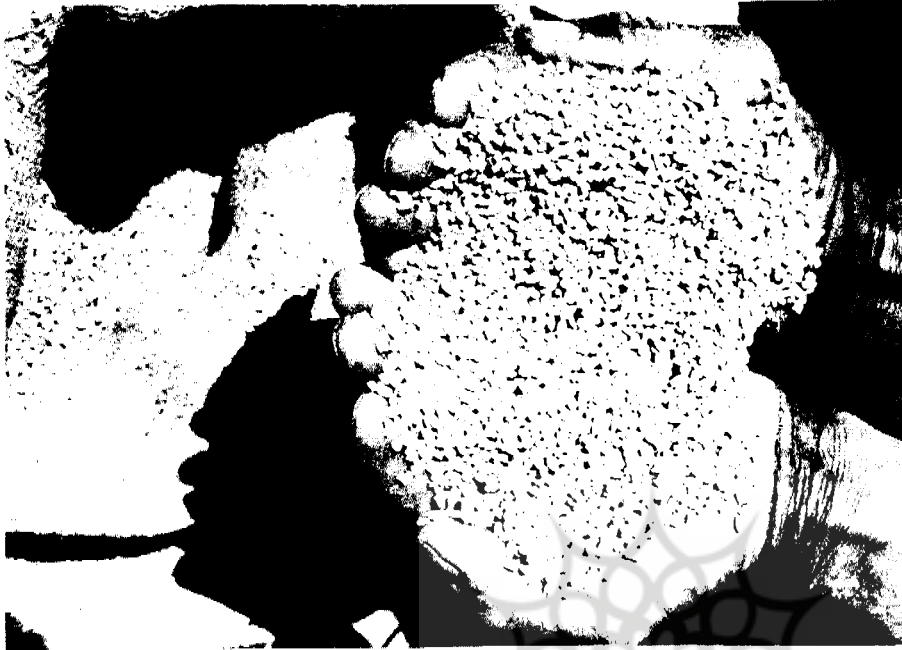
۳۵- آموزش مردم در خصوص گزینش مطلوب میوه و سبزی مغذی، از ضروریات تعمیم الگوی تغذیه مناسب در آینده خواهد بود.

۳۶- توسعه صنایع فرآوری میوه و سبزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی از ضروریات بهره‌برداری بهینه از تولیدات داخلی، کاهش ضایعات و تأمین الگوی تغذیه مناسب در آینده خواهد بود.

۳۷- از جمله مهمترین عوامل رشد تولید محصولات اساسی کشاورزی اعم از غلات و پروتئین حیوانی به منظور تأمین الگوی تغذیه مناسب در آینده، تغییر و تحول نظام بهره‌برداری متناسب با شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور است.

۳۸- تحقیق، آموزش و به خصوص ترویج، در انتخاب نظام بهره‌برداری توسط تولیدکنندگان، نقش بسیار مهمی ایفا خواهد کرد. لیکن، تغییر شرایط اقتصادی - اجتماعی آنان در تحقق اهداف برنامه رشد تولیدات مواد غذایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

۳۹- مشکلات ناشی از رفتار اجتماعی



۴۳- تحقیق، ترویج، آموزش و مدیریت علمی منابع آب و خاک، مهمترین عوامل رشد تولیدات مواد غذایی مورد نیاز جامعه در ۲۵ سال آینده می‌باشد.

## فصل دوم

تحلیلی از مصرف و تولید محصولات اساسی در فرآیند ۲۵ سال آینده

### ● گندم

۴۴- افزایش تولید گندم در آینده بسیار سخت و سخت‌تر خواهد شد.

۴۵- مسأله تحقیق و ترویج و قیمت، به عنوان مؤثرترین عوامل در افزایش تولید، ایفای نقش می‌نماید.

۴۶- تغییر در رفتار مصرفی مردم از گندم به سایر غلات، امکان تأمین و جایگزینی برای تولید گندم کمتر را جبران خواهد نمود.

۴۷- توان تولید در حد نیاز، با تلاش دولت و مردم امکان‌پذیر است.

۴۸- با تحقیقات جامع باید زیربنای تولید گندم را اصلاح نمود. آب مورد نیاز را تأمین کرد و قیمت این محصول پرارزش را مورد توجه قرار داد.

مصرف‌کنندگان در انتخاب رژیم غذایی به قدری اهمیت دارد که نقش جمعیت و رشد انبوه آن را در ۲۵ سال آینده، تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

۴۰- اسراف مواد غذایی در جامعه و مقابله با آن، از دو بعد فردی و اجتماعی برخوردار است که در آینده، ضرورتاً اهداف زیر باید تحقق یابد:

الف - آموزش مردم به اصلاح رفتار مصرفی و ترویج الگوی تغذیه توسط افراد و اصلاح رژیم غذایی خانواده‌ها، مهمترین گام در جهت اصلاح رژیم غذایی خواهد بود.

ب - اصلاح الگوی رفتاری رهبران جامعه یکی از مهمترین راه‌های اصلاح رفتار اجتماعی مصرف‌کنندگان مواد غذایی است.

۴۱- اصلاح رژیم غذایی و انتخاب مواد مصرفی مغذی متناسب با نیاز بدن و تلاش فردی به آموزش‌های جدی در این راستا نیازمند است.

۴۲- از مهمترین مسایل تأمین‌کننده سلامتی مردم در آینده و همچنین رفع سوء تغذیه فعلی، از بین رفتن توزیع نابرابر مواد غذایی و ایجاد امنیت غذایی برای گروه‌های هدف کم درآمد است.



۴۹- کلید اصلی در تأمین و تولید این محصول اصلی در آینده، تکنولوژی و تحقیقات است.

۵۰- ایجاد صرفه جویی و کاهش ضایعات در بهره‌برداری از آب مصرفی در بخش کشاورزی، امکان تولید محصولات راهبردی را بیشتر و سریع‌تر خواهد نمود.  
۵۱- اصلاح جایگاه مصرف‌گندم در الگوی تغذیه در ۲۵ سال آینده باید نقش عمده‌ای در سیاست‌های کشاورزی داشته باشد.

#### ● نان

۵۲- با توجه به محدودیت منابع، می‌باید در الگوی مصرف نان، تغییراتی انجام شود.  
۵۳- از لحاظ تولید گندم، ناچار به جایگزینی نان در الگوی مصرف در ۲۵ سال آینده خواهیم بود.  
۵۴- در سیاست‌های بازرگانی گندم و نان و نقش تعیین‌کننده قیمت در آینده باید تغییراتی حاصل شود.  
۵۵- اعطای یارانه باید در بستر سیاست‌های انتقال آن به اقشار مورد نیاز تغییر یابد.

#### ● برنج

۵۶- میزان مصرف سرانه برنج، ۱۰۰ گرم در ۲۴ ساعت، در الگوی تغذیه فعلی مناسب است و برای ۲۵ سال آینده، می‌باید بر همین میزان، هدف‌گذاری شود.  
۵۷- جلوگیری از ضایعات در مصرف برنج، در فرایند ۲۵ سال آینده، ضروری است.  
۵۸- توسعه امکانات زیربنایی، یکپارچه‌سازی اراضی، تأمین و مهار آب، رمز تأمین برنج مورد نیاز در داخل کشور، در ۲۵ سال آینده است.

۵۹- توسعه تحقیق و ترویج، دریافتن ارقام پرمحصول، در زمره موارد ضروری دیگر در ۲۵ سال آینده است.

#### ● قند و شکر

۶۰- با توجه به نیاز شکر در کشور، در فرایند ۲۵ سال آینده، توسعه سرمایه‌گذاری در تولید این محصول، توجیه‌پذیر و ضروری است.  
۶۱- از دیدگاه مصرف و ارزش غذایی قند و شکر،

هیچ‌گونه نگرانی در کاهش مصرف مواد قندی در آینده نیست.

۶۲- توسعه ظرفیت تولید در چغندر قند و نیشکر،

در برنامه‌های دولت، باید ادامه یابد.

۶۳- افزایش تولید در واحد سطح، از طریق تحقیق و ترویج، می‌باید از برنامه‌های اساسی دولت در ۲۵ سال آینده باشد.

#### ● دانه‌های روغنی

۶۴- متوسط مصرف فعلی روغن، معقول و بهداشتی است، لیکن، اصلاح توزیع و مصرف در ۲۵ سال آینده، ضروری است.

۶۵- توسعه کشت و افزایش تولید دانه‌های روغنی به منظور کاهش واردات این محصول، ضروری است.

۶۶- افزایش راندمان تولید از طریق تحقیق، آموزش و ترویج، در تولید دانه‌های روغنی در ۲۵ سال آینده ضروری است.

#### ■ خمد مشی بلند مدت در تولید میوه و غلات

۶۷- امکان توسعه صادرات میوه در ۲۵ سال آینده وجود دارد.

۶۸- در مصرف غلات جایگزینی نسبی محصولات مختلف در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۶۹- تحقق خودکفایی و بهره‌برداری از پتانسیل‌های فعلی بخش زراعت و باغبانی، در ۲۵ سال آینده در گرو تحقیق است.

۷۰- از الزامات توسعه غلات، میوه و سبزی، تلفیق و هماهنگی صنعت و بازرگانی با بخش کشاورزی در ۲۵ سال آینده است.

#### ● پروتئین حیوانی

۷۱- در ۲۵ سال آینده سهم پروتئین دریایی باید در مجموعه پروتئین مصرفی حیوانی افزایش یابد.

۷۲- در ۲۵ سال آینده باید حداقل متوسط مصرف فعلی گوشت قرمز حفظ شود.

۷۳- الگوی رفتاری مصرف گوشت و پروتئین حیوانی، در ۲۵ سال آینده باید تغییر نماید.

۷۴- به علت وابستگی تولید گوشت، شیر، مرغ و تخم مرغ، به نهاده‌هایی همچون علوفه و دان، امکان افزایش میزان رشد تولید بیش

از انتظار، در ۲۵ سال آینده، منطقی به نظر نمی‌رسد.

#### ● گوشت قرمز

۷۵- رشد تولید گوشت قرمز در ۲۵ سال آینده، با توجه به محدودیت آب و منابع خاک در بخش زراعت، بستگی به چگونگی تولید علوفه در مراتع خواهد داشت.

۷۶- رشد تولید گوشت قرمز در یک برنامه بلند مدت، تحقق خواهد یافت.

۷۷- باید در کوتاه مدت، میزان مصرف سرانه گوشت قرمز در سطح فعلی به شدت حفظ شود.

#### ● مرغ و تخم‌مرغ

۷۸- رشد تولید مرغ و تخم‌مرغ در ۲۵ سال آینده، مستلزم توجه به تحقیقات و به‌کارگیری نتایج آن در تولید است.

۷۹- تأمین نیاز مرغ و تخم‌مرغ در ۲۵ سال آینده، شتاب در افزایش کیفیت و کمیت را ضروری می‌نماید.

۸۰- ضرورت تأمین پروتئین از مرغ و تخم‌مرغ در ۲۵ سال آینده، مستلزم تولید نهاده‌های اصلی در داخل کشور است.

۸۱- توسعه کیفی در بخش صنعت طیور در ۲۵ سال آینده، مستلزم توسعه تحقیقات است.

#### ● ماهی

۸۲- اصلاح الگوی مصرف ماهی در آینده، به منظور توسعه بازار و ایجاد تقاضای مؤثر، ضروری است.

۸۳- تجهیز منابع تولید در بخش آبهای داخلی برای آینده، امکان رشد قابل توجه این محصول را فراهم خواهد آورد.

#### ● شیر

۸۴- در حال حاضر، مصرف سرانه شیر، حدود ۷۵ کیلوگرم است که کاهش آن در ۲۵ سال آینده، معایر توسعه سلامتی و بهداشتی جامعه است.

۸۵- مشکلات فعلی تولید شیر در بخش صنایع، حمل و نقل، بهداشت و ... می‌باشد.

۸۶- تجهیز صنایع تکمیلی و تبدیلی شیر، در ۲۵ سال آینده، ضروری است.

۸۷- اهمیت و نقش شیر در الگوی تغذیه، تشکیل یک مؤسسه دانشگاهی را در این زمینه، در آینده، ضروری می‌سازد.

۸۸- در فرآیند تأمین شیر مورد نیاز جامعه در ۲۵ سال آینده، به مسائل مدیریت، تغذیه و بهداشت و عوامل ژنتیکی باید بیش از گذشته توجه شود.

### ● صنایع تبدیلی و تکمیلی

۸۹- ایجاد و توسعه صنایع پیشین و پسین محصولات کشاورزی و هماهنگی و برنامه‌ریزی آن با راهبرد بخش کشاورزی و نظام تولید، از ضروریات و زیربناهای اصلی استقرار امنیت غذایی در آینده به شمار می‌رود.

### ● علوفه

۹۰- تحقق مدیریت صحیح در مراتع، تولید

علوفه را در آینده بیش از ۳ برابر خواهد نمود.

۹۱- کاهش دام در مراتع، در کوتاه مدت، می‌تواند تولید گوشت قرمز را کم نماید و در بلند مدت، پتانسیلهای تولید را افزایش دهد.

۹۲- آموزش عمومی مردم، نقش اساسی در حفظ، احیا و بهره‌برداری بهینه از پتانسیل موجود دارد.

۹۳- تهیه دان و ذرت همچون گندم باید در برنامه‌های بخش کشاورزی قرار گیرد.

۹۴- توسعه پایدار محیط به منظور تولید علوفه، می‌باید در یک برنامه هماهنگ تولید گوشت و علوفه انجام پذیرد.

### ■ راهبرد تولید پروتئین حیوانی

۹۵- ضرورت تولید گوشت مرغ و گوشت قرمز مورد نیاز در ۲۵ سال آینده، قطعی است.

تدابیرات سیاسی - اجتماعی آنان است. تا در بین اقلشار آسیب خورده جامعه، نفوذ کنند و جایز ناامنی و اغتشاشات سیاستی را بپذیرند. نکته مهم این است که، در میدان فقیرنوازی و اطعام مساکین، دولتمردان شروتمند متجاوز، بیش از مؤمنین مخلص، توان بدل و بخشش می‌داشتند. بی حساب در می‌آوردند و به مصلحت حفا نظام حاکم، از بیت‌المال و از مال شخصی فراوان می‌بخشیدند. اما علی (ع) و پیروان صدیق او به حساب در می‌آوردند و به حساب می‌بخشیدند. در نتیجه، در میدان رقابت با امثال معاویه دچار اشکال می‌شدند.

خلاصه کلام آن که؛ در یک نظام اجتماعی و اسلامی سالم، با فقر از هر دو طریق، تولید و توزیع بهینه، عادلانه برخورد می‌شود.

در بینش پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین عباسی (ع) نظام اقتصادی جامعه باید چنان سازماندهی شود که تولید و توزیع بهینه و عادلانه را مقدور سازد، تا فقر همراه با توسعه اقتصادی ریشه کن شود.

در چنین شرایطی است که توجه فوق‌العاده قوی و انسانی اسلام به دستگیری از مستمندان و ایتم و محرومین بر سرعت حل مشکل می‌افزاید و جامعه را از عطفوت و رافت نیز سرشار می‌سازد.

۹۶- جلوگیری از ضایعات در بخش تولید و مصرف گوشت در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۹۷- استفاده و بهره‌برداری از نیروی انسانی ماهر در بخشهای مختلف تولید گوشت، شیر، مرغ و تخم مرغ و ماهی در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۹۸- در فرآیند ۲۵ سال آینده، تأمین مواد اولیه در داخل کشور برای تولید پروتئین حیوانی ضروری است.

۹۹- برنامه‌ریزی منسجم در تولید گوشت و پروتئین حیوانی و تعیین سهم هر یک از آنها در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۱۰۰- تعیین وظیفه بخش کشاورزی در اقتصاد کشور به طور جدی و وظیفه‌مند نمودن صنعت و خدمات در قبال کشاورزی و توسعه روستایی، از مهمات و اصول اساسی ایجاد امنیت غذایی در ۲۵ سال آینده به شمار می‌رود.

بقیه از صفحه ۶۳

طرح هادی و اجرای ۶۳۵ پروژه بهسازی، تأمین آب آشامیدنی در ۵۰۱۲ روستا، برق‌رسانی به ۵۴۴۷ روستا بوده است.

قسمت پنجم از سلسله گزارشات ارزیابی عملکرد وزارت جهاد سازندگی را چنانکه در همین شماره ملاحظه می‌فرمائید، به ارزیابی عملکرد زیربخشهای صنایع روستایی و امور عشایری اختصاص یافته است. میزان سرمایه‌گذاری در زیربخش صنایع روستایی حدود ۱۳۳ میلیارد ریال بوده است که این میزان ۲ درصد بیشتر از هدف پیش‌بینی شده می‌باشد. عمده‌ترین عملکرد هدف کمی در این زیربخش، تکمیل و ایجاد ۳۴ ناحیه صنعتی بوده است.

در زیربخش امور عشایری ۳۵/۵۹۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری صورت گرفته است، که معادل ۹۲ درصد از هدف پیش‌بینی شده می‌باشد. عمده‌ترین اهداف آن در قالب طرحهای مربوط به دام، منابع طبیعی، امور عمرانی و زیربنایی قابل تفکیک می‌باشد که به ترتیب در جداول شماره ۴، ۵، ۶ این شماره ملاحظه می‌فرمائید.

# جایگاه زکات در اقتصاد روستا و کشاورزی

■ عبدالمجید شیخی

## ● پیشگفتار

مطلبی که مطرح می‌شود، مباحثی علمی و عقلی بر اساس یافته‌های علمی جدید، مبانی اعتقادی اسلام و واقعیات موجود جامعه به‌ویژه بخش کشاورزی، منابع طبیعی و جامعه روستایی و عشایری شکل گرفته است. بدیهی است که نگارنده خود، شخصاً تخصص در فقه ندارد و تنها بر اساس یافته‌های اندیشمندان اسلامی و با استناد به گفته‌های آنها، این بحث علمی و عقلی را مطرح می‌نماید. انتظار دارد که فقها، علما و اندیشمندان بزرگوار اسلامی در این زمینه بعضی از نکات نهفته را روشن‌تر نموده، با ضرورت‌های موضوعه جدید حکومت جمهوری اسلامی منطبق نمایند.

## ■ مقدمه:

در آیه ۱۰۳ سوره توبه، قرآن کریم می‌فرماید: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها واصل علیهم ان صلواتک سکن لهم و الله سمیع علیم. این آیه گویای این مطلب است که: قرآن کریم اصل زکات را تشریح نموده و متعلق آن را کل اموال دانسته و اختیار تعیین موارد و حتی مقدار را در دست ولی امر مسلمین قرار داده است. برای مصارف زکات نیز، هشت مورد و محل مصرف را نیز معین نموده است. از طرفی در منابع و متون اسلامی از جمله رساله‌های عملیه مراجع بزرگ تقلید چون تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (قدس سره)، منابع زکات به ده مورد اختصاص یافته‌اند، که عبارتند از: شتر، گاو، گوسفند، گندم، خرما، جو، کشمش، طلا، نقره و فطریه. از این موارد به عنوان واجبات یاد شده است. در مواردی نیز، اخذ زکات مستحب شده است. زکات یکی از مالیات‌های اسلامی است، که مقدار و محل آن معین است. از مجموع منابع اسلامی این چنین مستفاد شده است که مالیات‌های اسلامی به دو دسته ثابت و متغیر یا مالیات‌های ثابت و اولی و مالیات‌های حکومتی تقسیم می‌شوند (۱).

مالیات‌های ثابت یا اولی، آنهایی است که نسبت یا مقدار یا مورد وضع آن یا مجموع آنها، از طرف شارع مقدس، مشخص و معین گردیده است. مانند: خمس و زکات.

مالیات‌های حکومتی، آن سلسله از مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی می‌تواند، در شرایط خاصی وضع کند و مقدار و نسبت خاصی برای آنها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است. بلکه، تابع هزینه‌های ضروری یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلام در نظر دارد.

با دسته‌بندی فوق، درک معنی و مفهوم آیه فوق الذکر، آسان‌تر می‌شود. این که اولاً: هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی از قلم نیفتاده است، ثانیاً: براساس شرایط زمان و مکان، دولت (حاکم اسلامی) می‌تواند، نیازهای ضروری خود را از محل منابع غیر متعین برای زکات، تأمین نماید.

## ■ مالیات بهره‌برداری

شارع مقدس، مالکیت انفال، شامل: اراضی موات و آباد طبیعی، معادن، جنگلها، دریا و دریاچه‌ها، نهرهای طبیعی بزرگ و همچنین اراضی بدست آمده

از کفار یا جنگ، یا صلح را، به دولت واگذار کرده است. با ایجاد حکومت اسلامی و سپردن مالکیت موارد فوق به آن، از انباشت ثروت جلوگیری شده و برای جلوگیری از پیدایش مالکیت‌های بزرگ، دست ولی امر مسلمین باز گذاشته شده است. زیرا استفاده از فیء و انفال و اراضی مفتوح العنوه، متوقف بر اذن حاکم اسلامی است. او می‌تواند در صورت صلاحدید، برای افراد، امکان بهره‌برداری از این موارد را محدود و مشروط کند. بهره‌برداری از منابع طبیعی (انفال) و فیء و اراضی مفتوح العنوه تنها با اجازه حاکم اسلامی است. دولت اسلامی می‌تواند، در ازای بهره‌برداری صاحب کار و سرمایه در منابع فوق، مالیاتی اخذ نماید، کار اقتصادی و مفید، تنها دلیل واگذاری بهره‌برداری این منابع به بخش خصوصی است. اگر کار نشود یا کار غیر مفید باشد و موجب تعطیل یا اتلاف منابع شود، حق بهره‌برداری برای افراد ممنوع خواهد شد. نکته بارز در این بهره‌برداری، مسأله «حق عموم است» که بخشودنی نیست. بهره‌بردار، تنها اولویت و نیابت بهره‌برداری پیدا می‌کند، آن هم توسط نماینده عموم، یعنی حکومت اسلامی. این حق عموم را خداوند وضع کرده است. تکثیر و تولید، به دست خداوند است.

که زمین، آب، بذر و آفتاب و غیره را آفریده و به وسیله باران، زمینها را آبیاری می‌نماید، چراگاهها، مراتع، جنگلها، آنها و ... را به وجود آورده است. به دلیل ویژگی تفکیک ناپذیری سهم‌بری، برای جلوگیری از انحصار و مالکیت‌های بزرگ، خداوند، حاکم اسلامی را مسؤول بهره‌برداری نموده است تا با جمع‌آوری منافع و تقسیم آن بین نفوس تحت امر از طرق معین، موجبات بهره‌مندی کلیه احاد مردم را فراهم آورد.

## ■ ویژگیهای منابع زکات :

- یکی از ویژگیهای عام مالیات اسلامی، مستقیم بودن آنها است. این خصیصه عام، سبب می‌شود تا مالیات دهنده نتواند به غیر منتقل کند. خمس و زکات از این نوع هستند. امکان انتقال مالیات به غیر به صفر می‌رسد. با بررسی مواردی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، ویژگیهای ذیل استنباط می‌شود:
- الف - کالاهای مورد نظر، عموماً از مایحتاج عمومی مردم بوده که همواره تولید می‌شوند.
- ب - این کالاها اکثرأ محصولات کشاورزی هستند (به غیر از طلا و نقره و زکات فطره).
- ج - متناسب با بهره‌بری تولید کالاهای کشاورزی از طبیعت مالیات تعلق گرفته است (درباره شتر، گاو و گوسفند) یا افزایش می‌یابد. (درباره غلات، گندم و جو)، زیرا زکات غلات گندم و جو دیمی ده درصد و زکات تولید آبی ۵ درصد است.
- زکات دامهای مورد نظر، تنها در شرایط چریدن و استفاده از مراتع طبیعی قابل اخذ و پرداخت است.
- د - بعضی از اشیاء، مورد زکات نیست. به این جهت که مورد خمس است، مانند: معادن یا مورد مالیات ثانوی و موقت است، مانند: مالیات خودرو و غیره (۲).
- ه - ظاهراً اسلام با وضع زکات بر طلا و نقره مسکوکی که در مدت یکسال از آن استفاده نشده، شتر و گاوی که در کشاورزی و بارکشی به کار گرفته نشده، خواسته است سرمایه‌های راكد را به جریان تولید سوق دهد. این نکته می‌تواند، برای وضع مالیاتهای دیگر جهت بخش باشد.

نکته بارز در بین ویژگیهای فوق، موضوعیت و تناسب وضع افزایش مالیات زکات بر کالاهای کشاورزی است که از منابع طبیعی بهره برده‌اند. شارع مقدس بهره‌ای (Renti) را که بهره‌برداران به عنوان

عامل تولید، به صورت مجانی از طبیعت (انفال) استفاده کرده‌اند را به عنوان «حق عموم» قلمداد کرده و دادن این سهم را واجب شمرده است. شاید یکی از رموز اخذ مالیات (زکات) در مقطع بعد از تولید (قبل از مصرف) همین باشد. زیرا، ممکن است این نکته سؤال شود که چرا مانند خمس، اخذ مالیات در مرحله تولید نیست و در مرحله پس از توزیع و مصرف گرفته نمی‌شود. این مسأله بیانگر اخذ همان بهره‌چیه یا هزینه فرصت اقتصادی بهره‌مندی مجانی از طبیعت است. با این حال، پرداخت‌کنندگان زکات نیز در مرحله پس از توزیع و مصرف، موظف به پرداخت خمس مازاد کسب خود به استثنای عین کالای زکات داده شده، هستند. نکته دیگر این که، شارع مقدس از سرمایه‌های راكدی چون طلا و نقره زکات اخذ می‌کند نیز، شاید همین مسأله باشد که عموم مردم، صاحب حق بهره‌مندی از جریان و سیلان سرمایه و گردش ارزشها در جامعه هستند. لذا، بهره بردار مادام که در یک سال مالی آنها را به جریان نیندازد، باید در نصاب معینی سهم عموم را بپردازد تا حاکم اسلامی، آنها را در محلهای معین برای رفع حفره‌های فقر و کاستیهای اقتصادی اجتماعی به کار برد.

با استدلال فوق، مشخص می‌شود که تعلق انفال به عموم و با مدیریت حکومت اسلامی و نیز اخذ زکات از محصولات، به طور عام - در صورتی که به مفاد آیه ۱۰۳ سوره توبه توجه شود - دارای وجه اشتراک «تعلق حق بهره‌مندی از منابع طبیعی به عموم» به نمایندگی حکومت اسلامی است. این «حق عامه» بر فعالیت‌های تولید مواد اولیه، اعم از: فعالیتهای زراعی، دامداری، معادن، سیلات (استفاده از آنها به عنوان بخشی از انفال) و ... وضع شده است. به عبارت ساده‌تر، زکات و حقوق قابل پرداخت بابت بهره‌برداری از انفال که توسط دولت اسلامی اخذ می‌شوند، به عنوان مالیات بخش کشاورزی و منابع طبیعی محسوب می‌شوند. هر چند، در وهله اول، به نظر می‌آید این نوع مالیات عمومیت ندارد. اما روایات وارده ثابت می‌کند که موارد متعین برای زکات از فعالیتهای بسیار رایج زمان پیامبر عظیم الشان و ائمه اطهار - سلام الله علیهم اجمعین - بوده است (۳).

## ■ وضعیت بخش کشاورزی در روستاها

بدون تردید، وضعیت نامتعادل فرصت‌های تولیدی در کشاورزی و روستا، فقر و سطح پایین درآمد و اشتغال، فقدان امکانات زیربنایی تولید، کمبود و

فقدان امکانات رفاهی در روستا و غیره، به دلیل عملکرد چند دهه گذشته رژیم ستمشاهی است که حاصل اقتباس الگوهای ناقص تقلیدی رشد می‌باشد، که نتیجه‌اش ایجاد جاذبه‌های پرمصرف شهرنشینی، عدم تعادل منطقه‌ای، کور کردن فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی، صنعت وابسته و استفاده از ثروت نفت کشور بوده است.

## الف - عدم تعادل منطقه‌ای و مدار اقتصادی

دو عامل در ایجاد عدم تعادل منطقه‌ای بین روستاها و شهرها مؤثر بوده است:

اول این که، ایجاد فرصت‌های شغلی و امکانات رفاهی در شهرها، موجب تقویت بنیه اقتصادی شهرها شده است. دوم این که، عدم توجه به روستاها، جذب نیروهای کار و سرمایه روستاها به شهر، نابرابری را تشدید نموده است. با توجه به محوریت فعالیت کشاورزی در روستا، این بخش کشاورزی است که بیشترین صدمه را از شرایط فوق دیده است.

شکل (۱) بیانگر مدار و چرخه اقتصادی یک جامعه معین می‌باشد. اگر مدار فوق در پهنه جغرافیای جمعیت و اقتصاد تحلیل شود، مستلزم تحلیل منفک نقش عوامل جمعیتی و اقتصادی در این مدار است. تعیین نقش و سهم جامعه کشاورزی روستا در مقطع زمانی انقلاب اسلامی در ایران، حایز اهمیت است. عدم تعادل منطقه‌ای بارور شرایط ذیل شده است:

- مؤسسات مالی و غیر مالی که در مرکز ثقل اقتصاد و مدار اقتصادی قرار گرفته‌اند، در مراکز شهری مستقر هستند.

- علاوه بر استقرار مراکز دولتی در مراکز شهری، سهم عمده بودجه عمرانی و جاری دولت، در مراکز شهری و صنعتی خرج می‌شود.

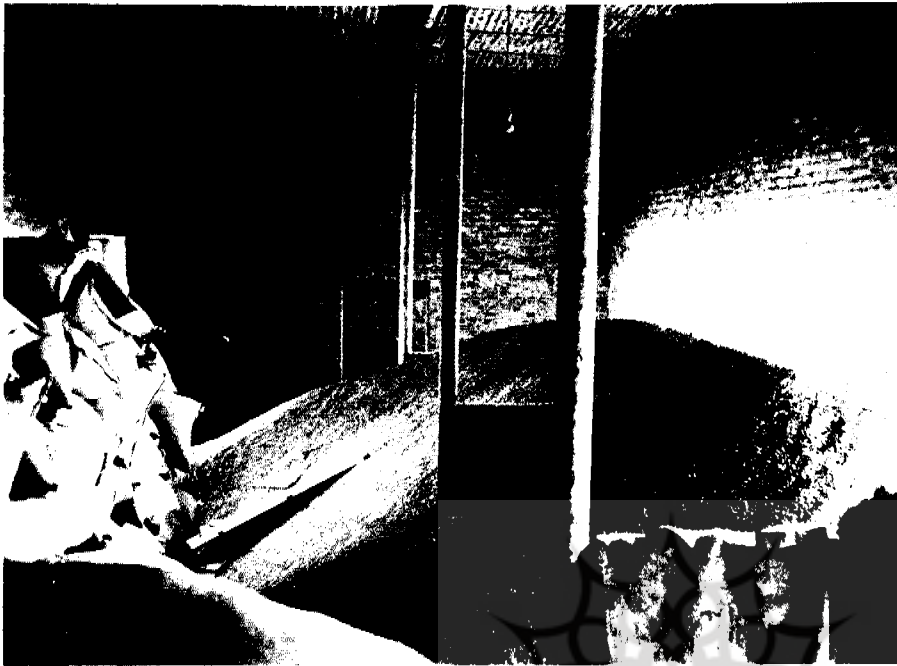
- واردکنندگان و صادرکنندگان ساکن مراکز شهری بوده و بخش اعظم ثروت نیز در دست مرفهین ساکن در نقاط شهری (حتی خوانین روستاها) بوده است.

- سرمایه‌گذاریهایی عمده نیز، در مناطق شهری و محلهای استقرار صنایع، حول محور شهرها و بی‌ارتباطی با بخش کشاورزی بوده است.

این نتیجه روابط عوامل پنجگانه مدار - یعنی مؤسسات مالی و غیر مالی، دولت، خانوارها و بخش خارج از کشور - چنین می‌شود که روابط مبادلاتی در چارچوب یک شبکه روابط وسیع و بهم پیوسته جریان می‌یابد یا همدیگر در حوزه مناطق شهری ارتباط

داشته‌اند و بخش کشاورزی در روستا، سهم ناچیزی در این مدار داشته است. خانوارها، درآمد خود را به صورت روزمزد و بهره و سود از مؤسسات و خارج به دست آورده، سپس قسمتی از آن را به خرید و مصرف محصولات تولیدی مؤسسات تخصیص داده‌اند.

قسمت دیگر راه، به صورت مالیات به دولت پرداخت کرده و مابقی را نیز، به شکل پس‌انداز و انتقالات مختلف به مؤسسات مالی ساکن در شهر و خارج انتقال می‌داده‌اند. خریده‌ها و کمک‌های دولت یا از داخل (مؤسسات غیر مالی تولیدی) یا از خارج صورت می‌گرفته است. مزد بگیران و حقوق‌بگیران دولتی، به طور عمده از شهروندان بوده و هستند (۵). بهره یا سود وام نیز، توسط دولت به مؤسسات مالی - شهری - پرداخت می‌شد. حاصل این چرخه رکود و رسوب، اعتبار، ارزش، پول و شبه پول در مناطق شهری است. بازار تولید و مصرف کالا و خدمات، عرضه و تقاضای پول و اعتبار در شهرها متمرکز شده است. به عبارت ساده‌تر، عرضه و تقاضای مؤثر در محل شهرها همدیگر را تلافی کرده و می‌کنند.



مناطق روستایی ۱/۳۵ و مناطق شهری ۳/۳۳ برآورده شده است (۹). این موضوع، بیانگر میزان رشد ضعیف بخش کشاورزی و روستایی، در برابر میزان رشد تصاعدی دیگر بخشهای اقتصادی و مناطق شهری در کشور می‌باشد.

### ■ اهداف دولت

پس از انقلاب اسلامی، رسیدگی به بخش کشاورزی و روستا، در صدر اهداف دولت قرار گرفته است. خدمات جهاد سازندگی به روستا و کشاورزی با بصیرت و شناخت از شکاف اقتصادی موجود بین روستاها و شهرها، با هدف رفع کمبودهای مختلف، انجام گرفته است. خدمات و فعالیتهای عمرانی ریادی در روستاها انجام گرفته و بسیاری از شاخصهای اقتصادی و اجتماعی به نحوه معجزه آسایی بهبود یافته‌اند.

هرچند، هنوز بسیاری از عوامل، اجازه سبقت شتاب رشد و توسعه بخش کشاورزی و روستا را بر دیگر بخشها و مناطق شهری نمی‌دهند. مثلاً، هنوز برنامه‌ریزی و بودجه ما ساختار بخشی دارد نه منطقه‌ای. تلافی تقاضا و عرضه مؤثر در مناطق شهری است. رسوب و رسوخ مالیه عمومی و خصوصی در مناطق شهری و به ویژه در بخش خدمات و صنعت

- رشد صادرات بخش کشاورزی، تأثیر معنی داری، بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی نداشته است. زیرا درآمدهای ارزی حاصل از صادرات، غالباً جذب فعالیتهای غیر کشاورزی نظیر خدمات و صنعت شده است. صادرات بخش کشاورزی از دلربقی تأمین ارز زیربخشهای غیر کشاورزی در تشکیل سرمایه فعالیتهای غیر کشاورزی تأثیر بسزایی دارد و در نهایت، منجر به رشد اقتصادی بخشهای غیر کشاورزی می‌شود. بدین ترتیب، سیاستهای تشویقی و حمایتی در زمینه صادرات محصولات کشاورزی به جای این که رشد اقتصادی بخش کشاورزی را در پی داشته باشد، رشد سایر بخشها را به دنبال داشته است (۸).

- عوامل بسیاری سبب تضعیف بنیه اقتصادی مناطق روستایی و بخش کشاورزی شده که از حوصله این مقاله خارج است. عوامل فوق، باعث تضعیف ضریب تکاثری در مناطق مذکور شده است. برآورد انجام شده، نشان می‌دهد که ضریب تکاثری مخارج در مناطق روستایی ایران، به مراتب کوچکتر از ضریب تکاثری در مناطق شهری است. مخارج (مصرفی یا سرمایه‌ای) انجام گرفته در مناطق روستایی، آثار تکاثری کمتری بر درآمد روستایی دارد. ضریب تکاثری

### ب - فقر و ضریب تکاثری :

رسوخ مالیه به شهرها از ثمرات و امواج عدم تعادل منطقه‌ای است. فرصتهای سرمایه‌گذاری و اشتغال در شهرها بارور شده‌اند. این عامل، خود تشدیدکننده بوده است. بر اساس نظریه مالیه عمومی، یکی از دلایل اصلی دخالت دولت در اقتصاد، وظیفه توزیعی آن است. اما حتی افزایش مخارج دولتی به دلیل عدم تعادل منطقه‌ای و ویژگی تعادل زدایی آن مخارج، شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی را افزایش داده است (۶). نمودار شماره ۸، پیوست وضعیت مخارج سالانه دهکهای خانوار نمونه شهری (URBAN) و روستایی (RURAL) را در سال ۱۳۷۳ نشان می‌دهد (۷).

همانگونه که مشاهده می‌شود، در سال مورد بررسی، یک خانوار شهری در دهکهای مختلف، بیشتر از خانوار روستایی هزینه نموده است. - بودجه و برنامه ریزی دولت نه تنها قالب بخشی (و نه قالب منطقه‌ای) داشته، بلکه در بین بخشها نیز به ضرر بخش کشاورزی تمام شده است. - بخش روستا و کشاورزی، همانند بخش خدمات و نیروهای شاغل در خارج که واردکننده ارز به داخل یک کشور محسوب می‌شوند، واردکننده سرمایه و ارزش افزوده به داخل شهرها بوده‌اند.



است. البته پس از انقلاب، دولت کوششهای بسیاری برای امتیازدهی به بخش کشاورزی و مناطق روستایی انجام داده و از ابزار سیاستهای مالی، پولی و درآمدی چندی برای رفع حفره‌های موجود استفاده نموده است. به طور مثال، در برنامه اول، بخش کشاورزی از پرداخت مالیات معاف بوده است. در برنامه دوم نیز، در بند ب - ۳ - ۲ سیاستهای کلی (سیاست مالی) آمده است: (۱۰)

حذف تدریجی معافیت‌های مالیاتی اعطاء شده به بخشها، رشته فعالیتها و مؤسسات مختلف همراه با اصلاح قیمتها و تخصیص بودجه و بازنگري نظام مالیاتی بر اساس تعریف پایه درآمد، به استثنای بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.

با اعطای تسهیلات لازم، در بخش کشاورزی نیز، کوشش شده تا کمبود نقدینگی و سرمایه بهره‌برداران روستایی در بخش کشاورزی جبران شود. در برنامه دوم نیز، کشاورزی به عنوان محور قلمداد شده و اولویت به تقویت بنیه بخش کشاورزی و صنایع جنبی آن داده شده است و...

تمام اهداف کلان و خرد، کیفی و کمی، سیاستهای کلی و جزئی و خط مشی‌ها و فعالیتهای انجام شده در بخش کشاورزی و روستا و در منابع طبیعی ملی، همه گویای خلاهایی است که در طول سالیان گذشته ایجاد شده و متأسفانه هنوز این فعالیتهای نتوانسته‌اند، حتی حفره‌ها را پر سازند، چه برسد به هم شتاب کردن رشد و توسعه کشاورزی و روستا و منابع طبیعی با دیگر بخشها و مناطق. این همه اعمال، نیات و رفتار حکومتی نشان دهند. ضرورت‌های حکومت اسلامی برای توجه به بخش منابع طبیعی و کشاورزی و مناطق روستایی است. این اعمال و رفتار، برگرفته از اصول واجب خودکفایی و عدالت در نظام مقدس اسلامی است، ضرورتی که ریشه در حفظ نظام دارد.

## ■ سیاست مالیاتی زکات در نظام جمهوری اسلامی

### ● مقدمه اول: ضرورت حکومتی اسلام

امام علی این ابطال علیه السلام، در فرمان خود به مالک اشتر توصیه می‌نماید:

«باید، کوشش تو در آبادی زمین، بیش از کوشش در جمع آوری خراج باشد، زیرا که خراج چیز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن کس که نخواهد، مالیات را بدو...

عمران و آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌سازد و حکومتش جز اندکی دوام نخواهد یافت. اگر مردم از سنگینی مالیات، رسیدن آفات، خشک شدن چشمه‌ها، کمی باران، دگرگونی زمین در اثر آب گرفتگی، فساد بذرها و تشنگی زیاد زراعت به تو شکایت آورند، مالیات را به مقداری که حال آنان بهبود یابد، تخفیف ده و هرگز این تخفیف، بر توگران نیاید. زیرا، آن ذخیره‌ای است که آنها آن را در عمران و آبادی کشورت به تو باز می‌گردانند و...» (۱۱)

نکات قابل توجه در این فرمان عبارتند از:

الف - وضع مالیات، فقط برای آن نیست که مالی از مردم گرفته شود. بلکه هدف اصلی از آن، نخست اصلاح معیشت و رفاه حال پرداخت کنندگان مالیات است، سپس، تنظیم آن قسم امور اقتصادی جامعه که به گرفتن مالیات نیازمند است.

ب - زمامدار اسلامی، باید کمال اهمیت را به آباد کردن زمین و آماده کردن دیگر وسائل تولید آن برای بهره‌دهی هرچه عالی‌تر قائل شود.

ج - در وضع مالیات، نهایت عدالت و انصاف، باید مراعات شود.

### ● مقدمه دوم: مالیات و بخش کشاورزی

همان گونه که در بخش ویژگیها ذکر شد، منابع متعین برای زکات، عمدتاً محصولات بخش کشاورزی می‌باشند. وجه مشترکی بین اخذ زکات بر آن محصولات و حقوق قابل اخذ انفال، توسط حکومت اسلامی وجود دارد.

مشخص شد که جامعه روستایی و بخش کشاورزی دچار فقر سرمایه بوده و ضریب تکاثری به ضعف گراییده است. به دلایل ضعف بنیادی اقتصادی و مناطق، دولت جمهوری اسلامی، بخش کشاورزی را از اخذ مالیات معاف کرده است. زیرا در غیر این صورت، این بخش و مناطق با تحلیل بیشتری مواجه و باعث کاهش فرصتهای اشتغال، افول درآمد و سرمایه گذاری می‌شود.

### ● مقدمه سوم: توسعه پایدار و تعادل منطقه‌ای

امام علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر اهداف خود را چنین بیان می‌فرماید: وصول مالیات از آن کشور، جهاد با دشمنان، اصلاح مردم و آبادسازی شهرهای آن (۱۱).



اخذ مالیات بر اساس این فرمان، یک ضرورت حکومتی است. امروز، توسعه پایدار، یک ضرورت حکومتی دیگر است که بر کلیه سئوالات حکومتی اشراف استیلا دارد «حفظ منابع تجدید پذیر و تجدید ناپذیر، همراه با رشد و توسعه تولید و مصرف، به گونه‌ای که بهره‌مندی و مطلوبیت بین نسل فعلی و نسل‌های آینده کاهش نیابد» (۱۲). « این تعریف از توسعه پایدار، فرا راه دولتهای صنعتی شده است، که هم اکنون برای رفع آلودگی محیط زیست باید هزینه‌های پرداخت شده چند دهه فعالیتهای صنعتی و غیرصنعتی بخش خصوصی و غیر خصوصی را پرداخت نمایند. اما، از ما پنهان نیست که مسوولیت انتقال به دست حکومت اسلامی و اخذ مالکیت از انتقال (خراج)، همانا بیانگر ریشه‌دار بودن جهان‌بینی توسعه‌ی پایدار در جهان‌بینی اسلامی است. وجه تشابه ویژگیهای اخذ زکات نیز، شمولیتهای جهان‌بینی را ثابت می‌کند. آبادانی بلاد، در فرمان امام علی علیه‌السلام و نکات سه‌گانه فوق‌الذکر نیز، لزوم تعادل، عدالت و انصاف بهره‌مندی مناطق را نشان می‌دهد.

.. سرمایه‌گذاری بالاسری اجتماعی و اقتصادی حکومت، مطابق عرف موجود، ایجاد حق و حقوقی برای دولت می‌نماید. این حق، در واقع، حق اکتسابی و مصنوعی است و در کنار حق طبیعی

انفال، مکمل رعایت حقوق عامه مردم می‌شود. زیرا، بناسازی دولت، تمهیدکننده و زمینه‌ساز فعالیت اقتصادی است.

### نتیجه گیری

- اکتون یا مقدمات فوق مشخص می‌شود که:
- زکات مالیات بر بخش کشاورزی است (۷ قلم از ۱۰ قلم معین شده)
- ضرورت حکومتی جمهوری اسلامی مالیات بر بخش کشاورزی و روستا را معاف کرده است.
- بخش کشاورزی و روستا با عدم تعادل، فرصتهای پایین اشتغال، مهاجرت نیروی کار، به ویژه متخصص، کمبود امکانات تولید و رفاهی و در نهایت با عامل فرار و کمبود سرمایه و زیربنا مواجه است.
- حکومت اسلامی بر اساس روایات متعدد و به ویژه فرمان امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام، توجه به عمران مناطق محل اخذ مالیات و خراج (و در اینجا زکات) را لازم و فرض شمرده است.
- توسعه پایدار و تعادل منطقه‌ای به منظور حفظ نظام اقتصادی - سیاسی جمهوری اسلامی یک ضرورت انکار ناپذیر است.
- بنابراین، اصل و جوب جاری شدن احکام الهی چون زکات و خمس و خراج و دیگر مالیاتها بر اساس

اصل عدالت ایجاب می‌کند که حکومت اسلامی زکات را اخذ و در مناطق محل اخذ، برای تقویت بنیه اقتصادی، رشد، توسعه و رفع تنگناهای بخش کشاورزی و مناطق روستایی و عشایری خرج نماید. مالیات انفال، باید برای انفال و در همان محل، خرج شود تا موجب تخریب منابع و مناطق نشود.

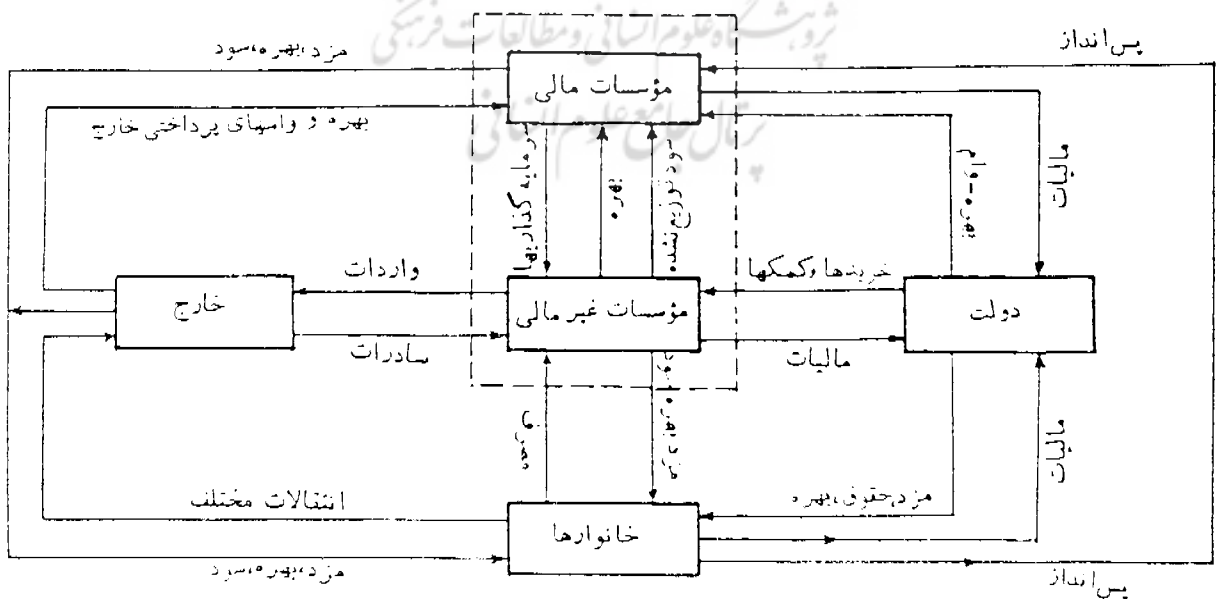
در این راستا، باید کلیه ابزارهای سیاستی اعم از مالی، پولی و درآمدی در جهت معکوس کردن جهت سرمایه به مناطق روستایی و بخش کشاورزی به کار گرفته شود.

بسیاری از روایات اسلامی و آیات قرآن به جامعه مسلمین این بشارت را می‌دهند که با اجرای فرمان خداوند تبارک و تعالی، تولید، درآمد و ثروت در جامعه اسلامی افزون می‌شود. این موضوع با رفع تنگناهای بخش کشاورزی و روستا با اصول عقلی و علمی نیز بسیار سازگار است.

### پیشنهاد و راه حل عملی

بررسی انجام یافته درباره صندوقهای صدقات کمیته امداد امام خمینی (قدس سره) نشان می‌دهد (۱۳) که با ایجاد و افزایش حجم و تعداد صندوقهای صدقات، به ویژه صندوقهای بزرگ در اماکن عمومی، حجم صدقات واریزی توسط مردم افزایش تصاعدی داشته است.

مدار اقتصادی و چرخه رفتار گروه عاملها باخذ : مستقر ظهور ، دکتر محمود " اقتصاد " ص ۳۱۷



در حال حاضر، در بعضی از کشورهای اسلامی نمایندگی‌هایی برای اخذ زکات از طرف دولتها منصوب شده‌اند. ما باید برای جمع آوری زکات نیز، امکاناتی را به وجود آوریم. تاکنون در این زمینه نه تنها اقدام عملی نکرده‌ایم، اقدامات ترویجی و تبلیغی نیز انجام نشده است. با ایجاد مؤسسات یا واحدهایی برای جمع آوری می‌توانیم این واجب الهی را جاری سازیم. یکی از مصارف زکات (۱۴) «عاملین علیها» می‌باشد. این دلالت دارد که ما برای جمع آوری زکات باید عاملینی منصوب کنیم و خرج آنها را نیز از محل زکات تأمین نماییم. همین طور از لفظ عاملین و نیز فرمان امام علی علیه السلام برمی‌آید که اگر مردم برای پرداخت به عاملین مراجعه نمایند، ما باید به سراغ آنها برویم.

مورد جا افتادن صندوق زکات فطره به ویژه در روز عید سعید فطر در جامعه اسلامی ما دلیل مبرهنی بر این امر است. خوشبختانه، اخیراً این موضوع مورد توجه واقع شده است. در لایحه فقرزدایی پیشنهادی دولت آمده است:

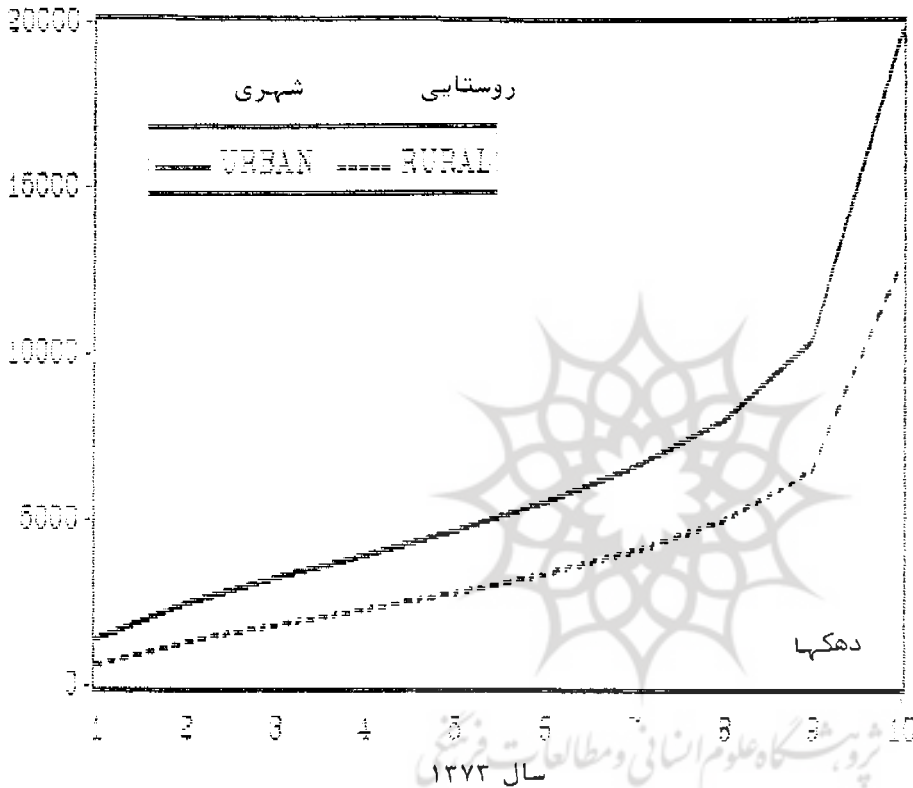
ماده ۵: به منظور استفاده از منابع حاصل از زکات و استفاده از سنت پسندیده قرض الحسنه در امر فقرزدایی در هر دهستان یا شهر، صندوقی تحت عنوان صندوق زکات و قرض الحسنه تشکیل می‌شود. کمک دولت به صندوقهای مذکور معادل وجوهی است که از منابع صندوق به مصرف فقرزدایی می‌رسد. دولت می‌تواند، کمکهای خود را از طریق این صندوقها پرداخت نماید(۱۵).

در بهره‌گیری از منابع زکات در امر فقرزدایی

نمودار سهم مخارج

دهکهای ده گانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۷۳

هزارریال



سال ۱۳۷۳

دهکها	مخارج شهری	سهم دهکهای شهری از مخارج (تجمعی)	مخارج روستایی	سهم دهکهای روستایی از مخارج (تجمعی)	مجموع مخارج شهری و روستایی
obs	URBAN	UR	RURAL	RR	TOTAL
1	1355861.	2.060000	558964.0	1.390000	1914825.
2	2440011.	5.780000	1251181.	4.510000	3691192.
3	3185400.	10.630000	1749186.	8.880000	4934586.
4	3878253.	16.540000	2231275.	14.450000	6109528.
5	4644795.	23.620000	2731781.	21.280000	7376576.
6	5499503.	32.010000	3302855.	29.530000	8802358.
7	6530590.	41.970000	4009269.	39.550000	10539859.
8	7967150.	54.120000	4931013.	51.880000	12898163.
9	10370934.	69.940000	6444379.	67.990000	16815312.
10	19675532.	100.0000	12777422.	100.0000	32452954.

۱۳- شیخی، عبدالمجید، " ترکیب اعتبارات و جایگاه صدقات در بودجه کمیته امداد امام خمینی (قدس سره) "

تهران تیرماه ۱۳۶۹

۱۴- مصارف زکات بنا بر قول قرآن ۸ مورد است:

۱- فقیران ۲- مسکینان ۳- عاملان زکات ۴- دلجویی شدگان ۵- بردگان ۶- بدهکاران ۷- غی سبیل... ۸- در راه ماندگان به نقل از " مبانی اقتصاد اسلامی " همان مأخذ ص ۳۵۶

۱۵- سازمان برنامه و بودجه " لایحه فقرزدایی در کشور - ماده ۵ ص ۲

۱۶- سازمان برنامه و بودجه " گزارش توجیهی لایحه فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران - فصل هفتم فقرزدایی از طریق زکات و قرض الحسنه ص ۱۰۳ - ۹۹

۱۷- قانون بودجه کل کشور سال ۱۳۷۵ - مصوب ۱۴۷۲/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی - انتشارات کیومرث ۱۳۷۵

و مکانی امام یا ولی فقیه مصلحت بدانند ممکن است، از موارد دیگر نیز، به عنوان مالیات ثانوی و موقت بگردد.

چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بنا بر روایتی، برای اسبهایی که به چراگاه می رفتند در هر سال دو دینار زکات وضع کردند. [فروع کافی ج ۲ ص ۱۰]

۳- همانطور که از حضرت امیر علیه السلام روایت شده است اسب چرنده به علت زاده ولد به موارد زکات

اضافه شده [وسائل الشیعه - کتاب زکات ص ۵۱ و ۵۲]...

۴- منتظر ظهور، دکتر محمود " اقتصاد " - انتشارات دانشگاه تهران خرداد ماه سال ۱۳۵۹ ص ص ۳۱۶ - ۳۲۷

۵- فطرس، محمد حسن " اثر هزینه های دولت بر شکاف درآمدی روستا - شهری " فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم شماره ۱۱ پائیز ۱۳۷۴ ص ص ۹۸-۷۷

۶- همان مأخذ، ص ۹۴.

۷- مرکز آمار ایران - طرح آمارگیری هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۷۳ - علت انتخاب هزینه ها

بجای درآمدها، واقعی تر بودن هزینه ها نسبت به درآمدهای اظهار شده خانوارهای نمونه است. هرچند، اختلاف معنی داری نیز بین درآمد خانوارهای شهری و روستایی نیز وجود دارد.

۸- مهرگان، نادر مقاله " اثر صادرات بر رشد بخش کشاورزی ایران " - دفتر مطالعات جامع و نظارت معاونت طرح و برنامه ریزی وزارت جهاد سازندگی - مقاله ارایه شده در اولین سمینار اقتصاد کشاورزی ایران در زابل، فروردین ۱۳۷۵.

۹- فطرس، دکتر محمد حسن، اثر هزینه های دولت بر شکاف درآمدی روستا - شهری " به نقل از: مهرگان، نادر (۱۳۷۱) عوامل مؤثر در تشکیل سرمایه مناطق روستایی - معاونت طرح و برنامه وزارت جهاد سازندگی ص ۳۰

۱۰- سازمان برنامه و بودجه " قانون برنامه دوم - توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸ مصوب ۱۳۷۲/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی چاپ دوم - تهران ۱۳۷۴ ص ۴۰

۱۱- جعفری، استاد محمدتقی جعفری " حکمت اصول سیاسی اسلام " ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام به مالک اشتر - انتشارات بنیاد نهج البلاغه. تهران ۱۳۷۳ ص ص ۴۷۱-۴۶۸

۱۲- با استفاده از مأخذ

pezy, john, " Sustainable Development Concepts " world bank

روستاییان کشور، نکات اساسی ذیل در طراحی نظام اجرایی و تشکیلاتی لایحه در نظر گرفته شده است.

۱- پیش بینی مصرف شرعی زکات در طراحی ساختار اجرایی

۲- پرهیز از گسترش تشکیلات اجرایی و بهره گیری از نظام غیر متمرکز در اجرا

۳- توجه به ابعاد تشویقی در رشد و توسعه اجرای احکام زکات

۴- اولویت مصرف زکات در منطقه

۵- مکانیزم اجرایی احیای امر زکات آموزش و پیگیری وصول آن و به کارگیری منابع حاصل در امر فقرزدایی. همچنین، در ادامه آمده است: ...

اولویت هزینه های منابع صندوق زکات به نیازمندان زیرخط فقر همان روستایی تعلق دارد، که زکات پرداخت نموده اند و تشخیص نیازمندان مذکور با نماینده بنیاد امداد امام خمینی (قدس سره) خواهد بود (۱۶).

در قوانین بودجه سالهای اخیر نیز، در تبصره های ۱۶ بند الف و ب نیز با ایجاد شرایطی اولویت هزینه کرد اعتبارات با اعطای خودیاری (بند الف) و زکات (بند ب) مردم محل را همان محل ذکر کرده است. این مسائل نشان از درک صحیحی است که با در نظر گرفتن جمیع شرایط اخیراً به وجود آمده است (۱۷).

خوشبختانه احاد مردم کشور ما در مواقع مختلف نشان داده اند که در اجرای اوامر ولی امر مسلمین به اندازه کافی مساعدت و همکاری با دولت می نمایند. در صورت ایجاد امکانات جمع آوری زکات، بدون تردید، این مهم نیز عملی خواهد شد.

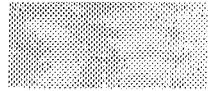
## ■ منابع و مأخذ:

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، " مبانی اقتصاد اسلامی"، انتشارات سمت، تهران سال ۱۳۷۱.

۲- بی آزار شیرازی، عبدالکریم " رساله نوین ۲ مسائل اقتصادی ترجمه بخشهایی از تحریر الوسیله امام خمینی قدس سره - ناشر مؤسسه انجام کتاب، تهران ۱۳۶۲ ص ص ۱۰۳ - ۷۶

۳- منبع پیشین ص ۷۸: چرا زکات منحصر به ده چیز است:

۱- در کتاب کافی از امام رضا علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام می فرماید که خداوند به مقدار نیاز فقرا بر مال ثروتمندان زکات وضع کرده است و پیغمبر اکرم صلی... علیه وآله وسلم - جز موارد ذکر شده را مورد عفو قرار داده اند [فروع کافی، ج ۲ ص ۱۰] ۲- اگر در زمان



# برخی مسایل اقتصادی ترویج و توسعه کشاورزی ایران

● مهندس قادر دشتی

عضو هیات علمی دانشگاه اردبیل

## ● پیشگفتار

وجود امکانات نسبتاً چشمگیر کشاورزی در کشور ایران از یک طرف، افزایش احتیاجات غذایی جامعه از طرفی دیگر و در نهایت، تحولات سریع تکنولوژی دنیای امروز، دست‌اندرکاران را بر آن می‌دارد که جهت بهره‌گیری بهینه از منابع موجود، ارشاد و هدایت تولیدکنندگان روستایی را در سرلوحه فعالیتها و برنامه‌های خود قرار دهند، چرا که، صرف ارائه نهاده‌های جدید، نمی‌تواند به هدف ارتقای سطح زندگی زارعین منجر شود.

تجربه چهار دهه فعالیت‌های آموزشی و ترویجی ایران، نشان می‌دهد که متأسفانه به رغم کوششهای اعمال شده، همانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، بهره‌وری و بازدهی عوامل تولید کشاورزی، از جمله: برنامه‌های آموزشی ترویجی، در سطح مطلوبی نیست. از این رو، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بخش کشاورزی، به عنوان عامل اساسی توسعه ضروری می‌نماید.

هر چند که درباره علل عدم موفقیت ترویج کشاورزی کشور، عوامل مختلفی عنوان شده، ولی کمتر به مسائل اقتصادی ترویج و توسعه کشاورزی پرداخته شده است. در مقاله حاضر، به مواردی، نظیر: سیاست آزاد سازی و ترویج، سرمایه‌گذاری در آموزش و ترویج، بهره‌وری در ترویج، بازاریابی و تعاونیهای تولید و نقش ترویج در آنها می‌پردازیم و در نهایت، پیشنهادهایی ارائه می‌کنیم.

## ● مقدمه

از آنجایی که توسعه روستایی با توسعه کشاورزی شروع می‌شود، آموزش و ترویج، به عنوان وسیله افزایش داناییها و تواناییهای انسان، نقش بس مهمی در توسعه کشاورزی و حل مشکلات مربوط به آن ایفا می‌کند. در فرآیند توسعه، جهت گذر از مرحله سنتی و حرکت به سمت مدرنیته شدن، باید موارد و مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی، به درستی مورد توجه واقع شوند.

در سالهای اخیر، به ویژه بعد از اعمال تعدیلات ساختاری در اقتصاد ایران، برخی موارد، قابل بحث و شایسته کنکاش بیشتری بوده‌اند. از جمله موارد مزبور، مسأله خصوصی سازی خدمات ترویج کشاورزی است. هم چنین با توجه به شکل‌گیری اقدامات و حرکات جدید در راستای گسترش فرهنگ بهره‌وری در کشور، مسأله بهره‌وری در فعالیت‌های کشاورزی نیز، جایگاه خاصی پیدا کرده است. در کنار این مسائل به رغم رشد کمی تولیدات کشاورزی کشور، نظام بازاری رسانی منسجم و کارا، که از عوامل سرعت بخشنده توسعه کشاورزی محسوب می‌شود، به چشم نمی‌خورد.

## ● نظام خصوصی ترویج کشاورزی

قبل از بحث بیشتر در مورد نظام خصوصی در ترویج کشاورزی، بهتر است، انواع نظامهای ترویجی در دنیا معرفی شوند.

## ● انواع نظامهای ترویج

به طور کلی، نظامهای ترویج کشاورزی، به سه دسته زیر قابل تفکیک هستند:

الف) نظام ترویج دولتی: نظام ترویج اکثر کشورهای جهان، نظیر: آمریکا، هند و بسیاری از کشورهای جهان سوم، بر اساس این الگو است. در این قبیل کشورها، فعالیت‌های آموزشی بخش خصوصی، به علت کم‌رنگ بودن، نمی‌تواند به عنوان نظام و معین تلقی شود.

ب) نظام ترویج نیمه‌دولتی: در این نظام، ضمن این که خدمات ترویج به وسیله دولت ارائه می‌شود؛ بخش خصوصی نیز، در این مورد فعالیت دارد، که هزینه مربوط به آن توسط خود کشاورزان تحت پوشش، پرداخت می‌شود؛ نظیر: سوئد و هلند.

ج) نظام ترویج خصوصی: مقصود از نظام ترویج خصوصی، آن است که تمام امور ترویج در کشور، توسط بخش خصوصی اداره شود، هیچ‌کسوری در جهان وجود ندارد، که نظام ترویج آن صد در صد خصوصی باشد. (۱ ص ۱۱۷)

## ● مسائل خصوصی سازی ترویج کشاورزی

از آنجایی که، طی سالهای اخیر، واگذاری خدمات مختلف دولتی به بخش خصوصی در کشور ایران، ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته است؛ مسأله خصوصی سازی در بخش کشاورزی و به ویژه زمینه خدمات آموزش و



ترویج در ایران، با توجه به شرایط خاص آن، از جمله نکات قابل تأمل و بررسی است. چرا که هر گونه اقدام و برنامه‌نسنجیده، ممکن است، تأثیر نامطلوبی بر ترویج و نهایتاً فعالیتهای کشاورزی داشته باشد. باید توجه داشت که یکی از معضلات امر ترویج و هرگونه آموزش به کشاورزان و جامعه روستایی، احساس بی‌نیازی آنان به آموزش است. از طرفی، دولتی بودن رادیو و تلویزیون به طور کامل، عدم استفاده چشمگیر از نشریات ترویجی و عدم استقبال از کلاسهای ترویجی دولتی رایگان، نشان می‌دهد که ترویج خصوصی، هنوز در ایران نمی‌تواند، جایگاهی داشته باشد.

هر چند که سازمانها و مؤسسه‌های بخش خصوصی، می‌توانند در کشورهای در حال توسعه نیز، به افزایش تولید زارعان خرده‌پا کمک کنند، با این حال، تمام اثرات خصوصی کردن ترویج، ضرورتاً مفید نیست. یکی از آشکارترین آنها، این است که هنگامی که خدمات بخش خصوصی در ناحیه‌ها و شرایط خاصی ارائه شود، انگاره‌های نابرابری موجود در توزیع درآمدهای روستایی و ارائه خدمات را تقویت می‌کند. وجود این تمایلات، گسترش خدمات ترویجی دولتی را در نواحی عقب‌مانده و دور افتاده، ضروری می‌سازند. سمت‌گیری دیگر، در خدمات ترویجی به وسیله بخش خصوصی، تأکید بر محصولات نقدی (Cash crops) برای کسب درآمد بیشتر است. بنابراین، بخش خصوصی نمی‌تواند در خدمات ترویجی که سبب بهبود کشاورزی زارعان معیشتی و بالا رفتن سطح تغذیه می‌شود، که از هدفهای اساسی در توسعه است، نقش داشته باشد.

## ● سرمایه‌گذاری در ترویج و آموزش کشاورزی

شولتز (T.W. Schultz)، برنده جایزه نوبل، در باب اهمیت آموزش در افزایش داناییها و تواناییهای کشاورزان می‌گوید:

توان اکتسابی کشاورزان در مدرنیزه کردن کشاورزی، ایفاگر نقش نخستین است و به علاوه این توان، مانند کالاهای سرمایه‌ای، ابزار ساخته دست بشر است، که در تولید کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ص ۳) (۸۳)

مطالعات نشان داده است: سرمایه‌گذاری آموزشی، مکمل سرمایه‌گذاری فیزیکی است. بررسی بانک جهانی در مورد آموزش و بهره‌کشاورزان (جامیلسو و لانو) نشان می‌دهد، وقتی کشاورزان حدود چهار سال از آموزشهای دوره ابتدایی را گذرانیده باشند، تأثیر سرمایه‌گذاری در بذره‌های اصلاح شده، آبیاری و کود، از نظر افزایش بازده بیشتر است. (ص ۴) (۶)

بررسیهای انجام گرفته در مورد ایران، نشان می‌دهد که طی سالهای ۶۷ - ۱۳۵۱، همه ساله، به طور متوسط ۸۱۰ میلیون ریال به قیمت ثابت، از سرمایه‌گذاری دولتی و ۳۹۰ میلیون ریال از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در امور کشاورزی کاسته می‌شود و جمع این دو، متجاوز از ۷ درصد سرمایه‌گذاری است. این در حالی است که: سالانه، بین ۵۰۰ - ۳۰۰ میلیون دلار، برای واردات فرآورده‌های کشاورزی از دست می‌دهیم.

امروزه، بخش خصوصی به دلایل متعدد، از جمله سودآوری کم کشاورزی نسبت به خدمات و صنعت، فاصله زیاد بین کاشت و برداشت (وام و بازپرداخت)، ریسک فعالیتهای کشاورزی، کمی کشش عرضه فرآورده‌های کشاورزی و سرانجام فاصله جغرافیایی و طبقاتی بین شهرنشین سرمایه‌دار وام‌دهنده و روستایی محتاج وام‌خواه، از سرمایه‌گذاری در این بخش، امتناع می‌ورزد. با عنایت به مورد فوق و مواردی مانند: رهایی از واردات محصولات راهبردی (استراتژیک)، پشتیبانی از اقشار آسیب‌پذیر روستایی و سهم قابل ملاحظه فرآورده‌های کشاورزی در صادرات غیر نفتی کشور، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش مزبور ضروری و منطقی می‌نماید. (ص ۵) (۸۷)

سوی نارساییهای مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری ملی در آموزش و پرورش بخش روستایی کشور، چه در گذشته و چه حال، هم به طور مطلق و هم نسبت به جمعیت شهری، بسیار ناچیز بوده است. با توجه به این که، هنوز نیمی از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند، لازم است، میزان بودجه اختصاص یافته به آموزش و پرورش مناطق روستایی مورد توجه واقع شود. از طرفی، اغلب فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ها و

دانشسراهای کشاورزی، خود را برای استخدام در مؤسسات دولتی یا خصوصی آماده می‌کنند. چون اکثراً می‌دانند، که کارایی آنان با آنچه امروزه قرار است یاد بگیرند، کم ارتباط است. به طور طبیعی، هدف آنان گرفتن مدرک و شغل اداری است. بنابراین، وجود چنین معضلاتی به نوعی موجب اتلاف سرمایه می‌شود.

در کشور ایران، گسترش تحقیقات، ترویج و آموزش، نیاز به سرمایه‌گذاری دارد که جزء منابع کمیاب و یا در حقیقت، جزء اخلاص در تخصیص منابع کشور است. به عنوان مثال، کمبود درصد کارشناسان و محققان یا تحصیلات بالاتر در مراکز مختلف، خود مؤید این مطلب است که متأسفانه در مورد سرمایه‌گذاری بر نیروی متخصص و ماهر در بخش کشاورزی، اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. در بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری، مشخص می‌شود که مقدار بهینه سرمایه در تخصیص با عوامل دیگر، بسیار بیشتر از میزان استفاده از آن است. از این رو لازم است که در کشور ایران نیز، برنامه‌های ترویجی به خوبی سازماندهی شود و سرمایه‌گذار بهای تکمیلی در پژوهش و آموزش صورت گیرد، که این خود نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شود.

## ● بهره‌وری فعالیتهای آموزشی و ترویجی

نظام‌های ترویجی، خواه به وسیله بخش خصوصی اداره شوند، خواه به وسیله بخش دولتی باید آن قدر منافع اقتصادی تولید کنند که هزینه آنها قابل توجیه باشد. یک نظام کشاورزی، که هم از نظر فنی، هم از نظر اقتصادی پویا باشد، نشان داده است که آموزش و ترویج کشاورزی، دارای بازده نسبتاً بالایی است. بهره‌وری به علت بهبود در کارایی<sup>۱</sup> (تخصیصی کشاورزان)، افزایش می‌یابد و کشاورزان دارای تحصیلات و آموزشهای کشاورزی، بهتر قادر هستند که حتی، در شرایط عدم حتمیت نیز، اتخاذ تصمیم نمایند. (ص ۹) (۳۵۶)

در سالهای اخیر، اقتصاددانان، مطالعات چندی در مورد اثرات برنامه‌های ترویجی انجام داده‌اند و تعدادی نیز، با مطالعات اقتصادی معدود، تلاش کرده‌اند تا سازه‌های تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری در نظامهای ترویجی را تعیین کنند. بر اساس مطالعات

ایونسون (Evenson) در زمینه اثرات برنامه‌های ترویج بر بازده مزارع و درآمد ناشی از آن، به ازای هزار دلار افزایش در هزینه ترویج در آمریکا، افزایشی به میزان ۲۱۳۷ دلار، در بازده مزرعه، طی ۲ سال، مشاهده شده است. (ص ۶۱۵)

امروزه، پرداختن به بهره‌وری فعالیتهای آموزش و ترویج در بسیاری از کشورهای جهان، مرسوم است. بهره‌وری بستگی مستقیم به آموزش دارد. اگر به آموزش کشاورزی توجه کنیم و فنون صحیح را بیاموزیم، بدون افزایش در حجم داده‌ها، حجم ستاده‌ها افزایش پیدا خواهد کرد.

در مورد ایران نیز، مطالعات نشان می‌دهند که بهره‌وری سرمایه در فعالیتهای مختلف متفاوت است. بهره‌وری سرمایه در آموزش و ترویج ۴۹٪، در امور دامپزشکی ۱/۴٪ و اصلاح مراتع ۱/۱٪ است. (۱۰) این اعداد نشان می‌دهند که با افزایش سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده این فعالیتها با رشد مناسبی افزایش خواهند یافت. در محاسبه این بهره‌وریها، از نسبت سرمایه استفاده شده است. مثلاً در بهره‌وری ارزش افزوده سرمایه‌گذاری در آموزش و ترویج مشخص می‌شود که برای یک ریال ارزش افزوده نیاز به ۰/۴۹ ریال سرمایه‌گذاری در آموزش و ترویج، می‌تواند یک ریال ارزش افزوده در بخش دام ایجاد کند. در هر حال باید در جهت ارتقای بهره‌وری عوامل تولید بخش کشاورزی، به ویژه برنامه‌های آموزشی و ترویجی، برنامه‌ریزی و عمل کرد.

## ● بازاررسانی محصولات کشاورزی و رسالت ترویج

در سراسر جهان، تولید کشاورزی در تمام سطوح، غیر از معیشتی، به نحو معنی‌دار متأثر از نظام بازاررسانی محصول است. غالباً نظام بازاررسانی مناسب، محصول، می‌تواند به مانند عامل کارایی فعالیتهای تولید، برای بهبود وضع خانواده کشاورز، حایز اهمیت باشد.

در زمینه بازار رسانی محصولات کشاورزی در کشورما، مسایل و نارساییهای زیادی به چشم می‌خورد. عدم وجود قیمت تضمینی، فقدان شبکه اطلاع‌رسانی مناسب و در نهایت عدم اطلاع زارعان از



هر چند که برنامه‌ریزی و اصلاحات، از عناصر تنظیم‌کننده بازار در اقتصاد کشاورزی و یکی از وسیله‌هایی است، که راه رسیدن به هدفهای کشاورزی را کوتاه خواهد کرد، لیکن در اقتصاد کشاورزی ایران، سیاست تنظیم بازار، جایگاه مستقل و معیار، تأثیرگذاری در جهت رسیدن به هدفهای کشاورزی بدست نیاورده است. این مورد در بازارهای بین‌المللی نیز مشهود است.

از جنبه تجارت بین‌المللی با وجود بازارهای خارجی مناسب برای تولیدات کشاورزی، به دلایل متعدد، از جمله استفاده بیش از حد مجاز از سموم و کودهای شیمیایی، صادرات محصولات مذکور در سطح نازلی است و ایران سهم ناچیزی در تجارت جهانی آنها دارد. مالیات بر درآمد صادرات، مشکل حمل و نقل فرآورده‌های کشاورزی را توجه به

تضمیمهای یکدیگر و لذا تولید (عرضه) بر اساس قیمت سال قبل و تقاضا بر اساس قیمت رایج، سبب بروز پدیده تاریکبوتی، به ویژه در زمینه محصولاتی نظیر: سیب‌زمینی و پیاز در کشور می‌شود که نتیجه بارز آن، تغییرات شدید قیمت و مقدار در سالهای مختلف و نهایتاً مواجه با ریسک تولید می‌باشد. از طرفی گستردگی و براكش تولیدات کشاورزی در سطح کشور، سبب ایجاد شبکه پیچیده‌ای از واسطه‌ها، میدان‌داران و دکان‌داران در توزیع این محصولات می‌شود که خود اینها در بالا رفتن ضریب هزینه بازاریابی مؤثرند. به طوری که اکثراً ضریب مزبور بالغ بر ۵۰ درصد می‌باشد. وجود چنین ویژگیهایی در بازار فرآورده‌های کشاورزی و ضعف مالی زارعین، سبب شده است که آنان از قدرت جانهدنی ضعیفی برخوردار باشند.

فسادپذیریشان، ضعف در تبلیغات و بسته‌بندی، نبود مسوق‌های صادراتی مناسب و در نهایت، نبود تشکیلات منسجم و کارا، از جمله مهمترین معضلات صادرات محصولات کشاورزی به شمار می‌روند. لیکن کشوری که در صدد الحاق به WTO (گات سابق) می‌باشد، باید به بازاربسندهی و توان رقابت تولیداتش یا پرداختن به محصولاتی که در تولید آنها مزیت نسبی دارد، توجه بیشتری نماید. در چنین شرایطی که وضعیت بازاریارسانی محصولات کشاورزی دچار آشفتگی و نابسامانی خاصی می‌باشد، باید کارکنان ترویجی با آگاهی از سیاست‌های، مشکلات حمل و نقل، نوع و ماهیت شرکت‌های بازاریابی محصول و ابعاد ذی‌ربط دیگر، معرف یک منبع مهم از آگاهی‌های مورد نیاز کشورشان باشند و این موضوع مهمی است، که اغلب توسط تشکیلات ترویجی که توجه خود را بیشتر معطوف تولید می‌سازند، مورد غفلت قرار می‌گیرد.

### ● تعاونی‌های روستایی و ترویج

از زمان‌های گذشته، صور مختلفی از تعاون و همکاری به صورت خودجوش در جوامع روستایی کشور حاکم بوده است. لازم است که در شرایط کنونی نیز، با استعانت از زمینه موجود، توجه بیشتری به این مورد معطوف گردد. چنانچه شرکت‌های تعاونی بتوانند، نقش خود را در مشارکت کشاورزان و روستاییان در فعالیتهای کشاورزی به خوبی ایفا کنند، علاوه بر آن که همه اعضا از کمک و حمایت مادی و معنوی یکدیگر بهره‌مند می‌شوند، قدرت تصمیم‌گیری، به ویژه در امور اجرایی کشاورزی، از دولت به شرکت‌های تعاونی منتقل می‌شود و در واقع، در اختیار اکثریت روستاییان و تولیدکنندگان کشاورزی قرار می‌گیرد. در این صورت، این نهاد می‌تواند، به عنوان هسته‌ای عمل کند و بدین ترتیب، ارتباط معنی‌داری بین مشارکت روستاییان و تغییرات ساختاری پدیدار خواهد شد.

در پاسخ به نظرخواهی سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در سال ۱۹۴۶، در مورد تأثیر گسترش تعاونی‌ها در توسعه اجتماعی - اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، ۶۹ حکومت پاسخ مثبت دادند و معلوم شد که تعاونی‌ها قادرند به نحو مؤثری، در انجام

تغییرات ساختاری عمل کنند و بدین ترتیب، به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای توسعه شناخته می‌شوند. (۸ ص ۱۴۶)

از آنجایی که کشاورزان کشورمان، هم در تأمین نهاده‌های مورد نیاز و هم در فروش و بازاریابی تولیدات خویش با تنگناهای متعددی مواجه می‌شوند، شایسته است که با کار فرهنگی و ارائه آموزشهای مناسب، زمینه تأسیس تشکیلهای اقتصادی بهره‌برداران خرد روستایی در مناطق مختلف میهنمان ایجاد و تثبیت شود. با توجه به تجربیات بدست آمده در مورد تعاونی‌های موجود در کشور، ضروری است که پس از تشکیل تعاونی، مسؤولین مربوط بر کار آنها نظارت داشته باشند و با ارائه آموزشهای مناسب و مورد نیاز سبب بهبود عملکرد آن شوند، چراکه، تعاونی‌های موجود کشاورزی در طول نیم قرن حیات خویش، نتوانسته‌اند به صورت مستقل و خودکفا، روی پای خود بایستند و بخش بزرگی از وظایف اجرایی کشاورزی را چنان که شایسته است برعهده بگیرند. در سایه تأسیس تعاونی‌های مؤثر و کارآمد، قسمت اعظمی از مشکلات مربوط به تأمین نهاده‌ها و اعتبارات و بازاریابی محصولات مرتفع و کار آموزش اعضا نیز، سهلتر و مؤثر تر می‌شود و در نهایت تولیدکنندگان از مزایای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، بهره‌مند خواهند شد.

### ● پیشنهادها:

با توجه به وجود نارسایی‌های ذکر شده و موارد متعدد دیگر، باید با حرکتی اصولی و برنامه‌ای دارای ضمانت اجرایی، در صدد سر و سامان بخشیدن به وضعیت بخش کشاورزی به ویژه فعالیتهای آموزشی ترویجی براییم. در این راستا، پیشنهادهایی چند ارائه می‌شود:

۱ - با عنایت به وضعیت فعلی ترویج کشاورزی

کشور، نه تنها اعمال سیاست خصوصی‌سازی در آموزش و ترویج کشاورزی توصیه نمی‌شود، بلکه بدل توجه فزونی‌تر دولت به ترویج با انجام سرمایه‌گذارانه‌های لازم و کافی، می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود.

۲ - نظر به وجود نارسایی‌های ناشی از کمبود و

● **باتوجه به وضعیت فعلی آموزش کشاورزی در مراکز و مؤسسات آموزش عالی، تأسیس یا تبدیل برخی از دانشکده‌های کشاورزی به دانشکده کشاورزان، مناسب و معقول می‌نماید. باید هدف از انتخاب و آموزش دانشجو در دانشکده‌ها این باشد که او یک سرمایه‌گذار و کارگذار کشاورزی بسازیم. به طوری که علاقمند و آماده کار در مناطق روستایی باشد.**

● **در زمینه بازاریارسانی محصولات کشاورزی در کشور ما، مسایل و نارسایی‌های زیادی به چشم می‌خورد. عدم وجود قیمت تضمینی، فقدان شبکه اطلاع‌رسانی مناسب و در نهایت عدم اطلاع زارعان از تصمیم‌های یکدیگر و لذا تولید (عرضه) براساس قیمت سال قبل و تقاضا براساس قیمت رایج، سبب بروز پدیده تار عنکبوتی، بویژه در زمینه محصولاتی نظیر: سیب‌زمینی و پیاز در کشور می‌شود.**

● **از آنجایی که کشاورزان کشورمان، هم در تأمین نهاده‌های مورد نیاز و هم در فروش و بازاریابی تولیدات خویش با تنگناهای متعددی مواجه می‌شوند، شایسته است که با کار فرهنگی و ارائه آموزشهای مناسب، زمینه تأسیس تشکیلهای اقتصادی بهره‌برداران خرد روستایی در مناطق مختلف میهنمان ایجاد و تثبیت شود.**

خلاء سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، لازم است جهت استفاده کارآتر از سایر عوامل تولید، میزان سرمایه‌گذاری در این بخش، به ویژه در زیربخش آموزش و ترویج، به منزله تسهیل‌کننده قرائیند توسعه، افزایش یابد.

۳- با توجه به وضعیت فعلی آموزش کشاورزی در مراکز و مؤسسات آموزش عالی، تأسیس یا تبدیل برخی از دانشکده‌های کشاورزی به دانشکده کشاورزان، مناسب و معقول می‌نماید. باید هدف از انتخاب و آموزش دانشجویان دانشکده‌ها این باشد که از او یک سرمایه‌گذار و کارگذار کشاورزی بسازیم. به طوری که علاقمند و آماده کار در مناطق روستایی باشد.

۴- سایسته است به ترویج و آموزش محصولات که در تولید آنها مزیت نسبی داریم، اهمیت بیشتری از جانب مسؤولین داده شود. این مسأله ضمن این که به تخصیص مطلوبتر منابع کمک می‌نماید، سبب می‌شود که در بازارهای جهانی نیز، از توان رقابت بالایی برخوردار شویم.

۵- ارزیابی بهره‌وری سرمایه صرف شده در برنامه‌های آموزش و ترویج جهت پی‌بردن به میزان عایدات حاصله و تقویت عوامل مؤثر بر رشد بهره‌وری، می‌تواند در اصلاح و بهبود وضع حاضر و نیل به وضعیت مطلوب مؤثر افتد.

۶- اتخاذ سیاستها و راهبردهای مناسب و عملی جهت سرو سامان دادن به نوسانات و بی‌ثباتیهای موجود در بازارهای داخلی و خارجی محصولات کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد. ارتداد تولیدکنندگان برای به‌کارگیری مطلوب‌تر و معقولتر سموم و کودهای شیمیایی، ارائه قیمت‌های تضمینی، حذف واسطه‌ها و مواردی از این قبیل، از جمله اقدامات شایان توجه هستند.

۷- زمیندسازی برای تأسیس تعاونیهای تولید و نیز، تقویت و ارشاد تسکلهای موجود به نحوی که

آنها قادر و مایل باشند که از امکانات بالقوه و توان جمعی خویش در برنامه‌ها و کارهای مربوط به خودشان به شکلی جهت‌دار، فعال و مؤثر استفاده نمایند.

بی‌نوست:

۱- Allocative Efficiency

فهرست منابع

۱- درخشان، حسن، "بررسی نفس آزادسازی در ترویج کشاورزی" فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه‌نامه) ۱۳۷۲، صفحات ۱۲۶-۱۹.

۲- کریمی، عزت‌الله و فنایی، ابوطالب "نظراتی، ترویج خصوصی" ۱۳۷۲ منبع شماره ۱ صفحات ۷۲-۲۶۱.

۳- زمانی‌پور، اسدالله، ترویج کشاورزی در فرایند توسعه، دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۲.

۴- سرکارآران، محمدرضا، آموزش و پرورش و توسعه فرهنگ توسعه ۱۳۷۲، شماره ۱۵.

۵- رونسقی، حسنعلی، "چاره‌اندیشی برای کمبودهای بخش کشاورزی" اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۳۷۳ شماره ۹۰-۸۹، صفحات ۹۰-۶۷.

۶- کریمی، عزت‌الله و فنایی، ابوطالب بررسی نظریه‌پردازیها در ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی ۱۳۷۲.

۷- شه‌بازی، اسماعیل و حجاران، احمد، مرجع ترویج کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی "۱۳۷۰".

۸- اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳۷۲، شماره ۲، صفحات ۱۱۵، ۱۴۵ و ۱۲۶.

۹- ارسلان‌پد، محمدرضا، بازده سرمایه‌گذاری در آموزش کشاورزی و روستایی مجموعه مقالات سمینار سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، سازمان ترویج کشاورزی ۱۳۷۱.

۱۰- موسی‌نراد، محمدعلی، سخنرانی در سمینار "بهره‌وری در توسعه و ترویج کشاورزی تهران ۱۳۷۳".

بقیه از صفحه ۳۴

تمامی برنامه‌های توسعه حده در سطح محلی و منطقه‌ای و حده در سطح ملی و بین‌المللی، با در نظر داشتن محدوده زیست، با هدف کاهش نابرابریهای اقتصادی و رفع فقر و محرومیت به اجرا درآید. به امید این روز.

منابع مورد استفاده

۱- سازمان محیط زیست - سازماندهی محیط زیست - شماره ۲، خرداد چهارم ۱۳۷۱، فرهنگنامه زیست.

۲- مرکز مطالعه و هماهنگی محیط زیست - محیط زیست - شماره ۲.

۳- تالیف دکتر یونس سمانی و دکتر اسماعیل سرکارآران، توسعه و بهره‌وری محیط زیست، تهران ۱۳۶۸.

۴- محیط زیست - تالیف دکتر یونس سمانی، توسعه محیط زیست - شماره ۲، خرداد ۱۳۶۸.

۵- کشاورزی - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۶- زیرساختها - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۷- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۸- محیط زیست - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۹- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۰- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۱- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۲- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۳- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۴- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۵- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۶- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۷- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.

۱۸- بهره‌وری منابع - تالیف دکتر اسدالله زمانی‌پور، اقتصاد کشاورزی و توسعه محیط زیست، تهران ۱۳۷۰.



**ارزیابی**

**عملکرد وزارت**

**جهاد سازندگی**

**در برنامه**

**اول توسعه**

قسمت پنجم (آخر)  
سپتبر بالوج

ارزیابی عملکرد زیربخشهای

صنایع روستایی و امور عشایری



## ۱- ارزیابی عملکرد زیربخش صنایع روستایی

ایجاد و گسترش صنایع روستایی کشور به عنوان مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید ادعان داشت که رشد و توسعه صنایع روستایی کشور نقش بارزی در مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رفح نابسامانیهای روستا و شهر خواهد داشت.

صنایع روستایی با توجه به جایگاه ویژه و نقش آن در اقتصاد، یکی از وظایفی است که بر عهده وزارت جهاد سازندگی گذاشته شده است. لذا، با عنایت به اهمیت و نقش صنایع روستایی در توسعه کشور، طی برنامه اول، به منظور ایجاد و حفظ اشتغال، جذب نیروی کار مازاد بر فعالیتهای بخش کشاورزی، بالا بردن سطح درآمد روستاییان، ایجاد تعادل بین نقاط روستایی و شهری، تولید بخشی از کالاهای ضروری و مصرفی مورد نیاز کشور، تقویت اقتصاد روستایی، رونق اقتصادی از طریق ایجاد ارزش افزوده محصولات کشاورزی، ارتقای سطح تکنولوژی فعالیتهای سنتی و بومی و ایجاد زمینه‌های لازم جهت رشد ابتکارات خلاقیتها و شکوفایی استعدادها، اقداماتی صورت گرفته است، که عمده فعالیتهای انجام شده در این راستا، بدین شرح بوده است.

## ■ ارزیابی عملکرد کمی بخش صنایع روستایی

زیر بخش صنایع روستایی، طی برنامه پنجساله اول، در خصوص تکمیل و ایجاد نواحی صنعتی، تهیه طرحهای تیب، مطالعه و تحقیقات و نمونه‌سازی ماشین‌آلات و ادوات، تشکیل تعاونیهای تولید صنایع و فرش و آموزش صنعتگران و ... اقدام نموده است.

چنانکه در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده بود، ۳۴ ناحیه صنعتی ایجاد و تکمیل شود که صد در صد هدف تحقق پیدا کرده است. گرچه، پیش‌بینی هدف در سال ۱۳۷۱، ۱۴ ناحیه صنعتی بوده و حدود ۳۶ درصد آن (۵ ناحیه) تحقق یافته است، ولی ۹ ناحیه باقیمانده (۶۴ درصد) در سال ۱۳۷۲ تکمیل و ایجاد شده است. همچنین در برنامه پنجساله اول، پیش‌بینی شده بود، ۶۰ طرح تیب

تهیه شود که عملکرد هدف مذکور ۴۰ مورد (۶۷ درصد) بوده است. نیز، طی دوره مذکور، پیش‌بینی شده بود ۴۰ مورد مطالعه، تحقیق و نمونه‌سازی ماشین‌آلات و ادوات صورت پذیرد، که ۳۰ مورد از هدف (معادل ۷۵ درصد) تحقق یافته است. همچنین با توجه به اهمیت آموزش در برنامه پنجساله اول، ۲۸۸۷۶ نفر روز، صنعتگر در این زیربخش آموزش دیدند.

به منظور اهداف پیش‌بینی شده زیر بخش در برنامه، سیاستهایی اتخاذ شده و در راستای این سیاستها، اقداماتی صورت گرفته است. عمده سیاستهای اتخاذ شده، عبارتند از:

- ایجاد نواحی و واحدهای صنعتی و بازسازی و نوسازی واحدها.
- حمایت از تولیدکنندگان و ارائه خدمات و امکانات به آنها.
- تهیه طرحهای تیب صنعتی، تحقیقاتی و نمونه‌سازی
- همچنین، عمده اقدامات انجام شده در جهت تحقق سیاستهای اتخاذ شده، عبارتند از:
- صدور موافقت اصولی، پروانه بهره‌برداری، کارت شناسایی
- شناسایی و تحت پوشش قرار دادن واحدها
- مساعدت در جهت جذب سیاستهای بانکی و تأمین تجهیزات و ماشین‌آلات
- تشکیل تعاونیها
- مطالعه، مکان‌یابی و انتخاب محل جهت استقرار نواحی صنعتی
- انجام مطالعات به منظور استعدادسنجی
- تهیه و تدوین چندین طرح تیب

## ■ ارزیابی سرمایه‌گذاری زیربخش صنایع روستایی

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری زیربخش صنایع روستایی در قالب فعالیتهای ایجاد واحدهای صنایع روستایی، بازسازی و نوسازی واحدهای موجود و طرح ایجاد صنایع روستایی صورت پذیرفته است.

چنانکه در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، طی برنامه پنجساله اول، پیش‌بینی گردید، ۱۳۰/۱۶۱ میلیارد ریال اعتبار به زیربخش صنایع روستایی اختصاص یابد، میزان سرمایه‌گذاری تحقق یافته در این زیربخش ۱۰۲ درصد و معادل

۱۳۳/۰۳۸ میلیارد ریال بوده است. میزان سرمایه‌گذاری در زیربخش صنایع روستایی با اندکی کاهش در سال دوم برنامه، از ۲۲/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۳۲/۳۸۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ رسیده است.

از مجموع ۱۳۳/۰۳۸ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری تحقق یافته در این زیربخش ۴/۱۶ میلیارد ریال جهت بازسازی و نوسازی واحدهای موجود صنایع روستایی و ۹۱/۴۳۸ میلیارد ریال جهت ایجاد واحدهای صنایع روستایی اختصاص یافته است که ۱۰/۲۸ میلیارد ریال از مبلغ مذکور، مربوط به طرح ایجاد صنایع روستایی مورد توافق با سازمان برنامه و بودجه به شماره موافقتنامه ۴۰۴۰۲۲۱۷ می‌باشد.

## ■ منابع اعتباری

جدول شماره ۳ پیش‌بینی و عملکرد سرمایه‌گذاری در زیربخش صنایع روستایی را به تفکیک منابع اعتباری نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مذکور ملاحظه می‌شود، تحقق سرمایه‌گذاری از محل بخش عمومی ۴/۶۳ میلیارد ریال است که برابر با میزان پیش‌بینی شده می‌باشد. همچنین میزان سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده از محل سیستم بانکی و سایر منابع به ترتیب ۸۴/۶۵۵ و ۴۰/۸۷۶ میلیارد ریال بوده است که میزان سرمایه‌گذاری تحقق یافته از منابع مذکور، به ترتیب ۶۵/۹۸۷ و ۶۲/۴۲۱ میلیارد ریال بوده است که میزان سرمایه‌گذاری تحقق یافته از منابع مذکور، به ترتیب ۶۵/۹۸۷ و ۶۲/۴۲۱ میلیارد ریال بوده است. در صد تحقق هدف سرمایه‌گذاری از محل منابع مختلف اعتباری، شامل؛ بخش عمومی، سیستم بانکی و سایر منابع، به ترتیب ۱۰۰ و ۷۸ و ۱۵۳ درصد بوده است و در مجموع ۱۰۲ درصد هدف اعتباری تحقق یافته است.

## ■ ارزیابی عملکرد زیربخش عشایری

### ۱-۲- ارزیابی عملکرد کمی

وزارت جهاد سازندگی در راستای اهداف کلان برنامه پنجساله اول، در جهت نگهداشت جمعیت عشایری بر اساس رابطه متعادل، نسبت دام و ظرفیت مراتع، تأمین مشاغل مولد برای عشایر، ارتقای سطح بهداشت دام جهت افزایش تولید، خدمات رسانی به عشایر، کنترل کوچ و ... اقدامات

زیادی انجام داده است.

با توجه به طرحهای توسعه امور عشایری، اقدامات انجام شده در مورد عشایر در مجموع حول سه محور اساسی صورت پذیرفته است که عبارتند از: طرحهای مربوط به منابع طبیعی، دام، امور عمرانی و زیربنایی. با توجه به گسترش و تنوع اقدامات، جمعبندی این فعالیتهای در قالب یک یا چند هدف کمی امکان پذیر نبوده است.

لازم به ذکر است که، مهمترین مسأله در فعالیتهای امور عشایری، فقدان جایگاه بخشی اهداف کمی در برنامه بوده است.

جدول شماره ۴، عملکرد اهداف کمی زیربخش دام عشایر را نشان می دهد. چنانکه ملاحظه می شود، فعالیتهایی همچون بهسازی آغلهها، احداث حمام ضد کنه، تجهیز کلینیک دامپزشکی، پروار بندی دام و ... در این بخش انجام گرفته و به طور متوسط ۹۰ درصد اهداف تحقق یافته است.

لازم به ذکر است که علاوه بر موارد مندرج در جدول شماره ۴، در طرح دام عشایری، فعالیتهایی از قبیل، سمپاشی آغلهها، قرنطینه دام، احداث آبشخور دام و آموزش ترویجی و ... انجام گرفته است.

جدول شماره ۵، عملکرد اهداف کمی زیربخش منابع طبیعی عشایری را طی سالهای برنامه نشان می دهد. فعالیتهای انجام شده در طرح مذکور، عبارتند از کشت و تأمین علوفه، کنترل کوچ، مدیریت قرقبانی و پخش سیلاب.

در طرح منابع طبیعی عشایری طی برنامه پنجساله اول، تلاش شده است، تا در راستای تحقق اهداف کلان برنامه که حفظ و احیای بهره برداری اصولی از منابع طبیعی است. اقدامات لازم صورت گیرد. لذا، مجموعه فعالیتهای در جهت تحقق هدف مذکور بوده است. چنان که در جدول شماره ۵ ملاحظه می شود به منظور جلوگیری از تخریب و احیای مراتع در سالهای ۷۲-۱۳۶۸، در سطح ۱۷۹۰ هکتار علوفه کشت شده است، تا با در اختیار قرار دادن آن جهت مصرف دام، از فشار بیش از حد چرا در مرتع کاسته شود. همچنین، طی دوره مذکور، در سطح ۱۵۳۴ هزار هکتار، کوچ عشایر کنترل شده است، تا از چرای بی موقع و شدت تخریب جلوگیری شود. نیز، در سطح ۱۰۹۴۰۰ هکتار، مدیریت قرقبانی اعمال و در

جدول شماره ۱ - عملکرد زیربخش صنایع روستایی طی دوره ۷۲ - ۶۸

سال	شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد		درصد تحقق
							پیش بینی	۱۳۶۸-۷۲	
ناحیه	تکمیل و ایجاد واحدهای صنعتی	-	۱۰	۱۰	۵	۹	۳۲	۳۲	۱۰۰
مورد	تهیه طرحهای تیب	-	۲۰	۲۰	-	-	۲۰	۲۰	۶۷
مورد	مطالعه، تحقیق و نمونه سازی ماشین آلات و ادوات	-	۲۰	۱۰	-	-	۳۰	۴۰	۷۵
نفر روز	آموزش صنعتگران	۶۵۸۷۱	۱۰۰۰۵۷۰	۴۴۵۶۹	۳۲۵۲۷	۲۵۲۰۳	۲۸۸۷۶۰	-	-

جدول شماره ۲ - عملکرد سرمایه گذاری زیربخش صنایع روستایی در سالهای ۷۲-۱۳۶۸ به قیمت جاری

(میلیارد ریال)

سال	شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد		درصد تحقق
							پیش بینی	۱۳۶۸-۷۲	
روستایی	ایجاد واحدهای صنایع روستایی	۱۷/۳	۱۸/۲	۲۳/۳	۵/۹۷۷	۱۶/۳۸۱	۸۱/۱۵۸	۸۹/۰۸۱	۹۱
موجود صنایع دستی	بازسازی و نوسازی واحدهای موجود صنایع دستی	۴/۳	۳/۸	۷/۴	۱۱/۱	۱۵	۲۱/۶	۳۰/۸	۱۳۵
روستایی	طرح ایجاد صنایع روستایی	۱/۱	۰/۶	۰/۶۳	۶/۹۵	۱	۱۰/۲۸	۱۰/۲۸	۱۰۰
جمع		۲۲/۷	۲۲/۶	۳۱/۳۳	۲۲/۰۳۷	۳۲/۳۸۱	۱۳۳/۰۳۸	۱۳۰/۱۶۱	۱۰۲

جدول شماره ۳ - پیش بینی و عملکرد سرمایه گذاری در زیر بخش صنایع روستایی به قیمت جاری طی سالهای ۷۲-۱۳۶۸ به تفکیک منابع اعتباری

منابع اعتباری	بخش عمومی	سیستم بانکی		سایر منابع		جمع
		پیش بینی	عملکرد	پیش بینی	عملکرد	
ایجاد واحدهای صنایع روستایی	-	-	۶۴/۲۵۵	۴۷/۰۸۷	۲۴/۸۲۶	۸۱/۱۵۸
بازسازی و نوسازی واحدهای موجود صنایع روستایی	-	-	۲۰/۴	۱۸/۹	۱۰	۴۱/۶۰
طرح ایجاد صنایع روستایی	۲/۶۳	۲/۶۳	-	-	۵/۶۵	۱۰/۲۸
جمع	۲/۶۳	۴/۶۳	۶۴/۹۸۷	۸۴/۶۵۵	۶۲/۴۲۱	۱۳۳/۰۳۸

جدول شماره ۴ - عملکرد اهداف کمی زیربخش طرح دام عشایری در سالهای ۷۲-۱۳۶۸

سال	واحد شاخص	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد	پیش‌بینی	درصد تحقق
		۱۳۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	
بهبودی آبها	باب	۴۰۰	۲۲۰	۲۷۰	۳۵۰	۳۸۰	۱۷۲۰	۱۷۶۰	۹۹
احداث حمام ضدکمه	دستگاه	۱۱۰	۳۰	۱۵	۱۰	۱۵	۱۸۰	۱۸۰	۱۰۰
ارائه خدمات دامپزشکی	هزار رأس	۲۴	۱۷	۱۳	۱۱	۱۲	۷۷	۹۷	۷۹
تجهیز کلینیک دامپزشکی	دستگاه	۳۵	۲۶	۲۴	۳۱	۴۵	۵۶۶	۵۷۲	۹۹
برواریندی دام مازاد	هزار رأس	-	۲۵۰	-	۴۵	۲۰۰	۱۲۰۰	۱۳۲۰	۹۰
ایستگاه بیست دامپزشکی	مورد	۸	۸	۷	۵	۹	۳۷	۴۲	۸۸
احداث کشتارگاه و سردخانه	مورد	۲	-	-	-	-	۲	۲	۱۰۰

سطح ۷۶۴ هکتار پخش سیلاب صورت گرفت تا توان تولیدی مراتع بالا برود و دستیابی به دیگر اهداف برنامه میسر شود.

چنان‌که در جدول شماره ۵، ملاحظه می‌شود، ۹۴ درصد هدف کمی در کشت و تأمین علوفه در برنامه اول تحقق یافته است. همچنین، درصد تحقق هدف در طرح کنترل مدیریت قرقبانی و پخش سیلاب به ترتیب ۸۲، ۵۹، ۸۷ درصد بوده است، لذا در مجموع، به جز مدیریت قرقبانی که ۵۹ درصد از هدف پیش‌بینی شده تحقق یافته است، در سایر موارد، ۸۲ تا ۱۰۰ درصد از هدف تحقق یافته است، که قابل ملاحظه است.

همچنین، علاوه بر فعالیتهای مندرج در جدول شماره ۵، در طرح منابع طبیعی عشایری، در ۱۴ استان جایگاه سوخت فسیلی ایجاد گردید.

چنانکه ذکر شد، محور دیگر فعالیت زیربخش

امور عشایری در خصوص امور زیربنایی فعالیتهای قابل ملاحظه‌ای انجام شده است. جدول شماره ۶

عملکرد اهداف کمی زیربخش عمران و امور زیربنایی عشایری را در برنامه پنجساله اول نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول مذکور ملاحظه می‌شود، در برنامه پنجساله اول، ۲۰۳۰ کیلومتر ایستگاههای عشایری احداث شده و ۱۷۱۵۶ کیلومتر راههای عشایری نگهداری شده و ۱۳۳۰ کیلومتر، مطالعه راههای عشایری صورت گرفته است. همچنین ۱۰۶۲۰ متر مربع ساختمانهای اداری،

جدول شماره ۵ - عملکرد اهداف کمی زیربخش طرح منابع طبیعی عشایری در سالهای ۷۲-۱۳۶۸

سال	واحد شاخص	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد	پیش‌بینی	درصد تحقق
		۱۳۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	
کشت و تأمین علوفه	هکتار	۵۰۰	۲۰۰	۲۵۰	۲۲۰	۳۰۰	۱۷۹۰	۱۹۱۰	۹۲
کنترل کوچ	هکتار	-	۱۸۰۰۰	۳۷۰۰۰	۴۹۲۰۰۰	۴۹۲۰۰۰	۱۵۲۲۰۰۰	۱۸۶۲۰۰۰	۸۲
مدیریت قرقبانی	هکتار	۲۰۰۰۰	۱۸۰۰۰	۳۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۱۲۰۰	۱۰۹۴۰۰	۱۸۴۴۰۰	۵۹
پخش سیلاب	هکتار	۴۰۰	۹۵	۸۱	۸۰	۱۰۰	۷۶۴	۸۷۵	۸۷

جدول شماره ۶ - عملکرد اهداف کمی زیربخش عمران و امور زیربنایی عشایری در سالهای ۷۲-۱۳۶۸

سال	واحد شاخص	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد	پیش‌بینی	درصد تحقق
		۱۳۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲	
احداث ایستگاههای عشایری	کیلومتر	۵۰۰	۳۶۰	۴۵۰	۳۶۰	۳۶۰	۲۰۳۰	۲۴۰۰	۸۵
نگهداری راههای عشایری	کیلومتر	۳۰۷۶	۶۳۰۸	۳۵۳۸	۱۱۳۴	۳۱۰۰	۱۷۱۵۶	۲۰۶۵۸	۸۳
مطالعه راههای عشایری	کیلومتر	۵۸۰	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۳۰۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۰۰
ساختمانهای اداری	متر مربع	-	۶۲۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۶۲۰	۱۲۲۰۰	۸۷
سرویسهای بهداشتی	باب	۱۷۵	۲۸	۲۱	۲۰	۸۵	۳۲۹	۳۹۶	۸۳
احداث جایگاه سوخت	دستگاه	۵۳	۳۰	۲۸	۱۸	-	۱۲۹	۱۶۲	۸۰
احداث مدرسه عشایری	دستگاه	۳	۴۹	۳	-	-	۵۵	۷۰	۷۹
احداث کلینیک دامپزشکی	دستگاه	۲	۴	۶	۲	-	۱۴	۲۰	۷۰
احداث فروشگاه تعاونی	دستگاه	۵۲	۳۱	۳۶	۲۰	۱۸	۱۵۷	۲۱۴	۷۳
احداث مجتمعهای عشایری	دستگاه	۳	۱۸	۱۰	۲	۳	۳۶	۵۶	۶۴

۳۲۹ باب سرویسهای بهداشتی، ۱۲۹ جایگاه سوخت، ۱۵۷ فروشگاه تعاونی، ۵۵ مدرسه و ۱۴ کلینیک دامپزشکی و ... احداث شده که از جمله فعالیتهای مربوط به زیربخش عمران و خدمات زیربنایی عشایری بوده است.

علاوه بر موارد مندرج در جدول ۶، از دیگر فعالیتهای قابل ذکر زیربخش عمران و امور عشایری در برنامه پنجساله اول، می توان خرید ۲۸ حلقه چاه نیمه عمیق و همچنین، حمایت از تعاونیهای عشایری را ذکر کرد.

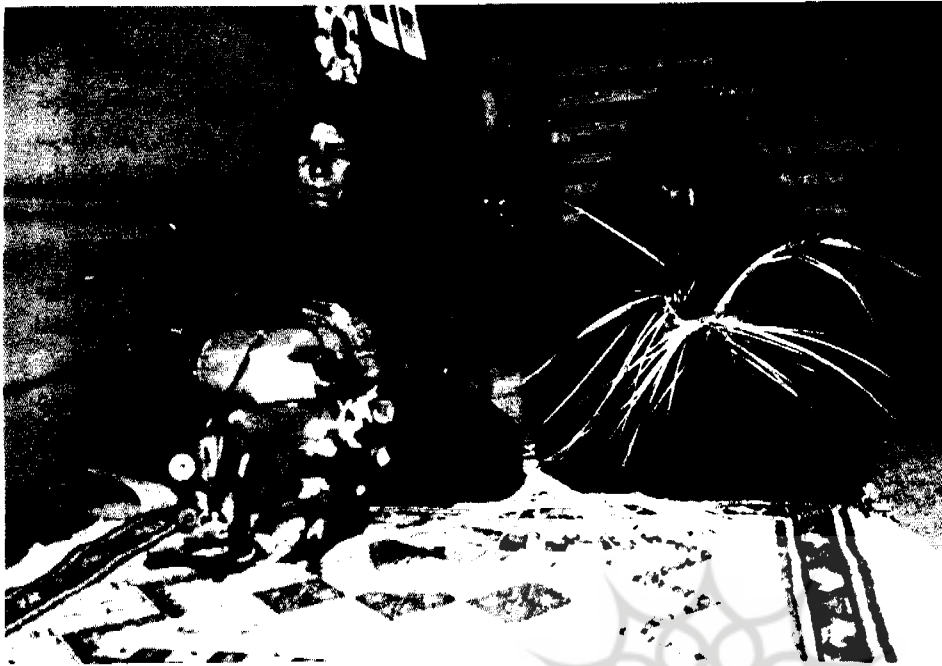
### ارزیابی سیاستهای اتخاذ شده و اقدامات انجام شده در زیربخش امور عشایری

با توجه به اهداف کلی مندرج در قانون برنامه اول توسعه و به منظور تحقق اهداف مذکور و نیز با در نظر گرفتن سه محور اساسی فعالیتها، شامل: طرحهای مربوط به منابع طبیعی، دام، امور عمرانی و زیربنایی عشایری، سیاستهای اتخاذ شده و مطابق سیاستهای اتخاذ شده، اقداماتی نیز صورت گرفته است، که شرح موارد مذکور، در جداول ۷ و ۸ و ۹ درج شده است.

بررسیها نشان می دهد، که اقدامات انجام شده، در راستای سیاستهای اتخاذ شده، به منظور تحقق اهداف، در مجموع، موفقیت نسبی داشته است و در پاره ای از موارد نیز، کاملاً موفق بوده و صد در صد اهداف تحقق یافته اند. در زیربخش طرح دام عشایری، استفاده از مشارکتهای مردمی به خصوص در انجام واکسیناسیون و امور بهداشتی دام و همچنین آموزش و احداث حمامهای ضد کنه و ... با توجه به اعتبارات تخصیصی، اقدامات انجام شده، نتایج خوبی داشته است. در زیربخش منابع طبیعی عشایری و همچنین، در طرح امور زیربنایی در راستای ساماندهی عشایر متمایل به اسکان، احداث و نگهداری راهها در حد اعتبارات تخصیص یافته، موفق بوده است.

### ارزیابی سرمایه گذاریهای انجام شده در زیربخش امور عشایری

به منظور تحقق اهداف کمی برنامه در زیربخش طرحهای منابع طبیعی، دام، امور عمرانی و زیربنایی عشایری، با توجه به



جدول شماره ۷ - ارزیابی سیاستهای اتخاذ شده و اقدامات انجام شده در زیربخش طرح دام عشایری

سیاستهای اتخاذ شده	اقدامات انجام شده
- استفاده از همیاری مردمی در جهت مبارزه با بیماریهای دام - آموزش در سطح جامعه عشایری و نیروهای خدمات رسانی به عشایر - ایجاد اشتغال و افزایش درآمدهای جانبی خانوارهای عشایری کشور - بهداشت دام - احداث انبار و سیلو به منظور ذخیره علوفه و مواد مصرفی در زمینه های دامداری	- استفاده از توان مردمی در اجرای پروژه های عمرانی و مسائل بهداشتی - اجرای آموزشهای کوتاه مدت در فصل قشلاق و تشکیل کلاسهای کاردانی - احداث حمامهای ضدکنه و سمپاشی آنها - احداث سیلو به خصوص در جهت غنی سازی کاه

جدول شماره ۸ - ارزیابی سیاستهای اتخاذ شده و اقدامات انجام شده در زیربخش منابع طبیعی عشایری

سیاستهای اتخاذ شده	اقدامات انجام شده
- استفاده از مشارکتهای مردمی در تعاونیهای عشایری و ایلهها - جلوگیری از چرای زودرس در مراتع میان بند و بیلاقی - آموزش و ترویج احداث جایگاه سوخت و حمل و نقل و نگهداری و فروش مواد سوختنی	- چرای به موقع دام در مراتع میان بند و بیلاقی و جلوگیری از ورود دام مازاد به مراتع - ایجاد جایگاههای مواد سوختنی (نفت)

موافقتنامه‌های مبادله شده طی برنامه پنجساله اول، ۳۸/۵۹۱ میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی شده بود که ۳۵/۵۹۲ میلیارد ریال آن، معادل ۹۲ درصد تحقق یافته است، از میزان ۳۵/۵۹۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری، ۷۱ درصد معادل ۲۵/۱۶۹ میلیارد ریال به طرح امور عمرانی و زیربنایی عشایری، ۲۱ درصد معادل ۷/۴۴۲ میلیارد ریال جهت طرح دام‌عشایری و ۸ درصد دیگر، معادل ۲/۹۸۱ میلیارد ریال، به طرح منابع طبیعی عشایری اختصاص یافته است.

بررسی درصد تحقق هدفهای پیش‌بینی شده در هر یک از طرحهای مذکور نشان می‌دهد، طی دوره مذکور برای طرح منابع طبیعی عشایری ۲/۰۱۷ میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی شده بود که ۷۲ درصد آن تحقق یافته است. نیز، طی این دوره، برای طرح دام‌عشایری و طرح امور عمرانی و زیربنایی به ترتیب ۷/۹۲۴ میلیارد ریال و

۲۶/۶۵ میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی شده بود که ۹۴ درصد آنها تحقق یافته است. نمودار زیر پیش‌بینی و عملکرد سرمایه‌گذاری هر یک از محورهای اساسی فعالیت در زیربخش عشایری، شامل: منابع طبیعی، دام، عمران و زیربنایی را نشان می‌دهد.

### ■ خلاصه و نتیجه‌گیری:

برنامه پنجساله اول توسعه، بعد از انقلاب اسلامی، در شرایطی شروع شد که کشور از جنگ نظامی نابرابر فارغ گشته بود. آثار نامساعد اقتصادی و اجتماعی، ناشی از فقدان برنامه اقتصادی و هجوم مستقیم اهریمنان، هر گونه برنامه و فعالیت را تحت الشعاع قرار داده بود. مشکلات ناشی از جنگ، رغبت به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده بود و نیز از دیدگاه برخی از کارشناسان، امکان اجرای

جدول شماره ۹ - ارزیابی سیاستهای اتخاذ شده و اقدامات انجام شده در زیربخش طرح و امور عمرانی و زیربنایی عشایری

سیاستهای اتخاذ شده	اقدامات انجام شده
- ارائه خدمات زیربنایی در مناطق مستعد و قابل توسعه به منظور ساماندهی جامعه عشایری	- اجرای پروژه‌های اشتغال‌زا در کانونهای توسعه عشایری
- استفاده از مشارکتهای مردمی به منظور حفظ و نگهداری و استفاده صحیح از پروژه‌های اجرا شده	- مطالعه در خصوص بهبود روش تولید و تغییر روش دامداریهای سنتی به صنعتی
- اجرای پروژه‌ها در راستای اهداف کانونهای توسعه	- اجرای پروژه‌های راهسازی و نگهداری راه و بالا بردن کیفیت راهها
- انجام مطالعات جامع در سطح کلیه ایلات و طوایف	

جدول شماره ۱۰ - عملکرد سرمایه‌گذاری زیربخش عشایری به قیمت جاری در سالهای ۷۲-۱۳۶۸ هکتار

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عسکرد	پیش‌بینی	درصد تحقق	سهم از کل درصد
شرح						۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۸-۷۲		
طرح منابع طبیعی عشایری	۰/۰۲۰۵	۰/۱۵۹	۰/۱۳۵	۱/۲۴۱	۱/۲۴۱	۲/۹۸۱	۲/۰۱۷۷	۷۴	۸
طرح دام‌عشایری	۱/۲۳۲	۱/۶۹۳	۱/۷۳۷	۱/۳۹	۱/۳۹	۷/۴۴۲	۷/۹۴۲	۹۴	۲۱
طرح امور عمرانی و زیربنایی عشایری	۵/۰۵۹	۵/۳۳۸	۶/۰۱۸	۴/۳۷۷	۴/۳۷۷	۲۵/۱۶۹	۲۶/۶۸	۹۲	۷۱
جمع	۶/۴۹۶	۷/۱۹	۷/۸۱	۷/۰۰۸	۷/۰۰۸	۳۵/۵۹۲	۳۸/۵۹۱	۹۲	۱۰۰

برنامه و تحقق بخشی از اهداف پیش‌بینی شده با تردید و در بعضی موارد غیرقابل وصول می‌نمود. وزارت جهاد سازندگی، در برنامه اول با وجود کاستی‌ها و مشکلات و نارسائی‌های فراوان از جمله مشکلات مربوط به تأمین اعتبارات، نیروی انسانی متخصص و مضافاً جوان بودن آن و عدم تجربه اجرایی در برنامه‌های میان مدت و بلندمدت، با تلاش و جدیت و با همت والای خویش با بهره‌گیری از تجارب اکتسابی در جنگ تحمیلی و با انگیزش سازندگی و با اتکاء به تعهد، شروع به فعالیت کرده و به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. وزارت جهاد سازندگی در زیربخش‌های عمرانی منشاء اثر بسیار عمده‌ای به جهت ایجاد خدمات زیربنایی و تولیدی و رفاهی در روستاها گشته است. ارزیابی در زیربخش‌های کشاورزی گرچه در مدت کوتاهی متولی امور گردیده است ولیکن بیش از آنچه که تصور می‌شد کارایی خویش را نشان داده است.

زیربخش شیلات و آبزیان دو سال قبل از اجرای برنامه به وزارت متبوع ملحق گردید و زیربخشهای مهمی همچون دام و طیور، جنگل و مرتع نیز از نیمه دوم سال ۱۳۶۹ بر اساس قانون تکمیک وظایف فی‌مابین وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی به وزارت جهاد سازندگی الحاق شده است و با تلاش مجدانه جهادگران تحقق اهداف برنامه، پیگیری گردید.

در مجموع می‌توان گفت: طی سالهای ۷۲-۱۳۶۸ فعالیت وزارت جهاد سازندگی چشمگیر و قابل ملاحظه بوده است. لذا جهت آشنایی و اطلاع پژوهشگران و محققین محترم در پنج شماره گذشته و در قسمت‌های مجزا سعی گردید، مطالبی تحت عنوان «ارزیابی عملکرد وزارت جهاد سازندگی طی سالهای برنامه پنجساله اول توسعه» به رشته تحریر درآید در هر قسمت تلاش شده است تا امکان شناسایی اهداف کمی و سیاستهای پیش‌بینی شده برنامه اول میسر گردد. البته بخش اعظم عملکرد وزارت متبوع در چارچوب اهداف برنامه نگنجیده و در قالب فعالیت‌های فرا برنامه‌ای انجام گرفته است که خود نقش بسیاری در فرآیند توسعه و سازندگی داشته است.

چنانکه خوانندگان گرامی ملاحظه فرمودند: در قسمت اول از پنج قسمت گزارش تهیه شده،



موضوع «سرمایه گذاری» وزارت متبوع جهت تحقق اهداف برنامه مورد بررسی قرار گرفته است. تنها به ذکر این نکته می‌پردازد که طی برنامه پنجساله اول در زیربخشهای مختلف وزارت متبوع «در مجموع ۲۶۹۷/۳۷۶ میلیارد ریال سرمایه گذاری صورت است، که متوسط رشد سالیانه آن ۴۴/۷ درصد بوده است. از مجموع سرمایه گذاری فوق‌الذکر حدود ۶۳ درصد آن در زیربخشهای کشاورزی (جنگل و مرتع، شیلات و آبزیان، دام و طیور) و حدود ۳۲ درصد در زیربخشهای عمران، صنایع روستایی و امور عشایر و حدود ۳ درصد در زیربخشهای تحقیقی، آموزشی و ترویجی هزینه شده است.

در قسمت دوم گزارش به ارزیابی تولیدات محصولات، صادرات و واردات زیربخشهای دام و طیور و شیلات و آبزیان پرداخته شد. چنانکه ملاحظه گردید در زیربخش شیلات و آبزیان، حدود ۶۳ درصد از هدف کمی تولید بچه ماهی و ۷۵ درصد بهره‌برداری از منابع آبزی، تحقق یافته است و در زیربخش دام و طیور، تحقق اهداف کمی

بیش از صد در صد اهداف پیش‌بینی شده است. در قسمت سوم و چهارم به ترتیب عملکرد زیربخش منابع طبیعی و زیربخشهای عمران روستایی، ارزیابی گردیده است. فعالیتهای زیربخش منابع طبیعی، با توجه به سرمایه‌گذاریهای انجام شده به دلیل عدم تأمین اعتبار، بالا رفتن هزینه اجرایی، استفاده از امکانات موجود و مشارکت بخشی خصوصی و ... در مواردی بیشتر از اهداف و در پاره‌ای موارد نیز کمتر از میزان پیش‌بینی هدف بوده است.

در زیربخش منابع طبیعی، ۸۶ درصد از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده، معادل ۴۸۲/۳۳۹ میلیارد ریال تحقق یافته است عملکرد اهداف کمی و کلان زیربخش مذکور طی برنامه اول به شرح زیر می‌باشد.

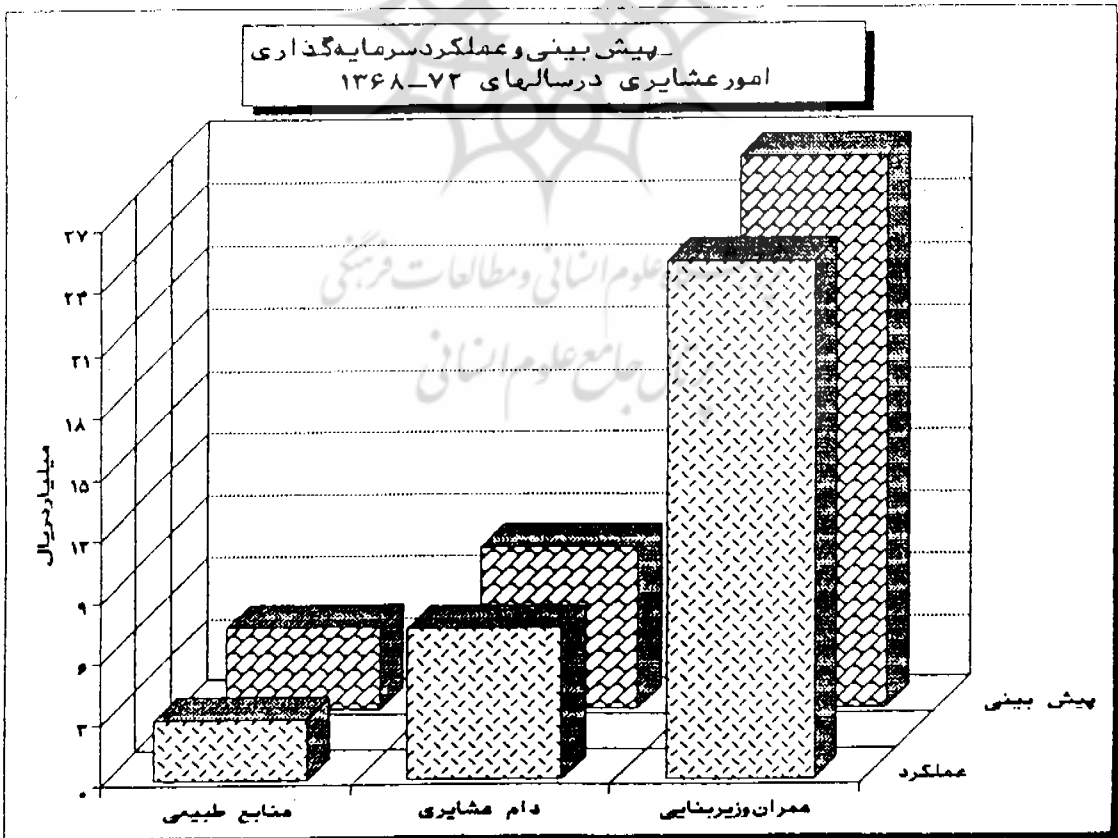
- تثبیت شنهای روان ۲۱۹۵ هزار هکتار.
- مرعداری و تولید علوفه ۳۶۸۱۳ هزار هکتار.
- حفاظت آبخیزها ۳۱۶۵ هزار هکتار.
- بهره‌برداری از جنگلهای شمال ۹ میلیون متر مکعب.

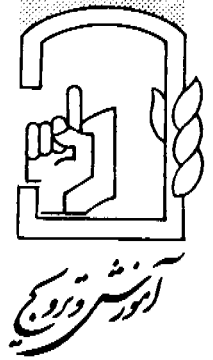
- تهیه طرح جامع جنگلداری ۵۳۴ هزار هکتار.
- ممیزی و تفکیک مستثنیات ۱۴۲۰۰ هزار هکتار.
- مطالعه و شناسایی منابع طبیعی ۱۸۴۰۰ هزار هکتار.
- احداث و تکمیل راه روستایی ۱۸۱۱ کیلومتر.
- ساماندهی و خروج دام از جنگل ۴۰ هزار واحد دامی.

میزان سرمایه‌گذاری عمرانی در زیربخشهای خدمات روستایی، شامل راهسازی، بهسازی، بهداشت محیط و برق رسانی در برنامه پنجساله اول، به میزان ۷۳۰/۸۸۲ میلیارد ریال به قیمت جاری بوده است، که در زیربخش راههای «روستایی، جنگلی، عشایری» و بهسازی کمتر از هدف پیش‌بینی شده و در بهداشت محیط و برق‌رسانی بیش از هدف پیش‌بینی شده، تحقق یافته است.

عمده‌ترین فعالیتهای انجام‌یافته در زیربخش‌های عمران روستایی طی برنامه اول، احداث و تکمیل ۱۲۵۹۰ کیلومتر راه، تهیه ۶۳۷

پیش‌بینی و عملکرد سرمایه‌گذاری  
امور عشایری در سالهای ۷۲-۱۳۶۸





# آموزش برای بزرگسالان روستایی

□ امالو وان تیلبرگ

□ آلن بی، مور، ۱۹۸۹

ترجمه: مهندس اسماعیل کریمی دهکردی

## ■ مقدمه

ساخت و بررسی موقعیت مناطق روستایی کشورهای گوناگون و نیز فعالیتهای آموزشی مرتبط با آنان، در انتخاب شیوه‌های مناسب ارائه خدمات آموزشی، حایز اهمیت هستند.

مقاله حاضر، ترجمه یکی از فصلهای کتاب راهنمای آموزش بزرگسالان و مستمر است، که به بررسی آموزش بزرگسالان در روستاهای آمریکای شمالی می‌پردازد. بر این اساس، نویسندگان، مشکلات و نیازهای جامعه روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهند و نیز زمینه‌هایی را به منظور بهبود آموزش بزرگسالان در این مناطق معرفی می‌کنند.

از جمله بحثهای موجود در مقاله، می‌توان به: مفهوم روستا، خصوصیات افراد و اجتماعات روستایی، فعالیتهای آموزشی کنونی در روستاها، زمینه‌های آموزش بزرگسالان، روشهای آموزشی و آینده آموزش بزرگسالان روستایی، اشاره نمود.

در هنگام شنیدن کلمه روستا، چه چیزی به نظر تان می‌آید؟ شهرک استخراج زغال سنگ در شرق آمریکای شمالی، روستای ماهیگیری کوچکی در سواحل اقیانوس اطلس، سرزمین دور افتاده‌ای واقع در توندرا در آلاسکا، دهکده‌ای کوهستانی در سلسله جبال داکای کانادا یا سرزمینی با خاکهای سرخ و رسی گرم و مرطوب قاره‌ای در بیچ و خم دره می‌سی‌سی‌پی، کدام یک روستاست؟

همه نمونه‌های فوق، (با حتی هیچ کدام از آنان) می‌توانند جزء مناطق روستایی باشند. تعریفی که برای یک ناحیه روستایی مصداق دارد، ممکن است برای ناحیه دیگر مصداق نداشته باشد. هلج (۱) (1984: p. 236) در مدارس روستایی بخسها، نیازهای کودکان تحت نوسن را مورد بررسی قرار می‌داد، عقیده داشت، «به علت تنوع خرده فرهنگهای اجتماعی، جوامع روستایی با تعداد جمعیت نخبسان، مراکندهی برابر و از این قبیل، نیز، اختلاف فاحشی با هم دارند» (۲) و پیلر (۳) و کرایدر (۴) (1982)، ناهمگنی جامعه روستایی را، ناشی از سه عامل اصلی می‌دانند: که به طور عمده، در گروهبندی اجتماعی به نام روستا متفاوت می‌باشند؛ درجه ذمعهیت استغالی یا بوم‌سناسی زندگی روستایی (زسن زراعی و زارعین مختلف)، مشخصات ساختمی جمعیت (سن، درآمد، آموزش، جنس، نژاد و قومیت) و تنوع نواحی جغرافیایی که باعث به وجود آمدن مناطق روستایی آمریکای شمالی شده است (پستی و بلندی و مربوط به محل اشتغال).

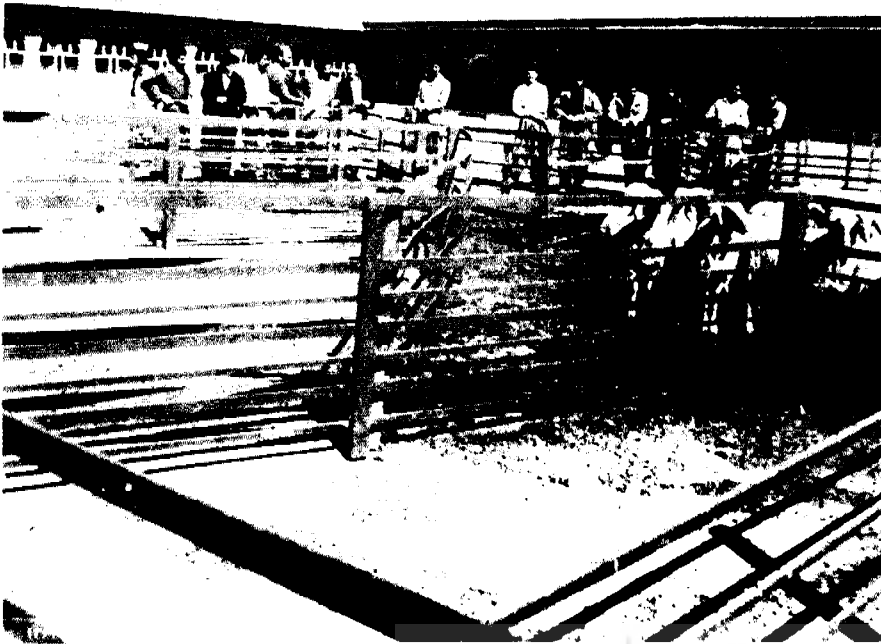
با وجود مشکل ساخت مردم روستایی، به عنوان زیر گروه ویژه‌ای از جامعه آمریکای شمالی، نویسندگان با ویلتز، بیلر و کرایدر موافق هستند. در این که: «تفاوتهای مهم، بین شهر و روستای ایالات متحده و [همه آمریکای شمالی] همچنان ادامه دارد.»

بنابراین، هدف این فصل [مقاله] و تاکید نویسندگان، بر این است، که A بتواند به، و مسووح، بزرگسالان روستایی را به عنوان یک خرده فرهنگ خاص توصیف نمایند و اسایل آنان را بهتر بسناسند و نحوه ارائه خدمات آموزشی به آن خرده فرهنگ را روشنتر کنند.

## □ چرا این فصل به آموزش بزرگسالان روستایی اختصاص یافت؟

«اکثر جمعیت جهان، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، بخش عمده‌ای از زمینهای جهان، به فعالیتهای روستایی اختصاص یافته است و از این مناطق مسکونی، روستاها هستند.» (Bunce, 1982, P. 13) در ایالات متحده، یک چهارم جمعیت، آنهاهی که: «در مزارع، حاشیه شهرها یا در مناطق غیر شهری با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر، زندگی می‌کنند» به عنوان روستایی تقسیم‌بندی شده‌اند (Miller, n.d.). در کاربرد یک تعریف ثابت و کلی از آبادیهای روستایی - آنهاهی که کمتر از ۲ هزار نفر جمعیت دارند - می‌توان گفت: بین از ۱۴ میلیون از چنین آبادیهایی در دنسیا وجود دارد. (Bunce, 1982)

دانشمندان به وضوح تصدیق نموده‌اند، حتی با این فراوانی زمین، اجتماعات و افراد روستاها، اغلب تحقیقات آموزشی به شهر تمایل سدیدی دارند و



گرایشی ما بین جامعه شهری و روستایی را بشناسد.<sup>۹</sup> هملیچ<sup>(۹)</sup> و وان تیلبرگ<sup>(۱۰)</sup> (1987)، در راستای نظر بانس، مفهوم روستا را به عنوان یک خرده فرهنگ می‌دانند. یک خرده فرهنگ، نشان دهنده گروهی از مردم است که تجارب زندگی یا صفات منحصر به فردی را در یک جامعه بزرگتر دارد. مدرسین آموزش بزرگسالان اعتقاد دارند: آموزش بزرگسالان روستایی بخشی از خرده فرهنگ روستایی است، آنها می‌توانند از پنج توصیه پیشنهادی هملیچ و وان تیلبرگ (1987, PP. 11 - 13) بهره‌مند گردند:

- ۱ - باورهای خرده فرهنگ را یاد بگیرید، درک کنید که این باورها ممکن است مختلف باشند. زندگی کردن با این باورها را بیاموزید. البته نه این که ضرورتاً باورها باعث پذیرش رفتار می‌شوند.
- ۲ - ارزشهای روستایی را درک کنید. با احترام گذاشتن به آن ارزشها و جای دادن آنان در روشهای آموزشی، احترام و اطمینان به دست آورید.
- ۳ - بدانید که چگونه خرده فرهنگ می‌آموزد و افراد چه کسی و چه چیزی را قبول می‌نمایند؟ سنت تأثیر بسزایی بر شیوه‌های آموختن گروهها دارد.
- ۴ - هر خرده فرهنگی، درباره فرهنگ اصلی که آموزشگر بدان متعلق است، اعتقاداتی دارد. تاریخ کنش متقابل بین دو گروه را بیاموزید، تا در تسهیل کسب اطمینان و همکاری به شما کمک نماید.

اداره برنامه‌های آموزشی ویژه در ایالات متحده<sup>(۶)</sup> در طبقه‌بندی مدارس ناحیه‌ها، تعریف ثابت زیر را به کار می‌برد: ناحیه‌ای (آبادی)، روستایی است که ساکنین آن، کمتر از ۱۵۰ نفر در مایل مربع باشد یا آن آبادیهایی که ۶۰ درصد یا بیشتر از جمعیت شهرستانها در اجتماعاتی کمتر از ۵ هزار نفر در آنجا اسکان دارند. نواحی با بیش از ۱۰ هزار دانش آموز و آنهايي که در مناطق آبادی استاندارد شهری قرار سرشماری (SMSA) گرفته‌اند، بر طبق قرارداد اداره ایالات متحده،<sup>(۷)</sup> روستا نیستند.

(1984a, p.296,11c1g)

انتقادی که بر تعریف آماری یاد شده، وارد می‌شود این است که برای تفکیک شهر و روستا، مشخصاتی تعریف نمی‌کنند. از نظر جمعیت شناسی، در تعریف باید، مسایل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اداری ملاحظه شود. با توجه به این انتقاد، بانس<sup>(۸)</sup> (1982) چهار معیار اصلی قابل استفاده در شناخت مناطق شهری از روستایی، ذکر میکند: جمعیت‌شناسی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی. از این چهار مورد، معیار اجتماعی فرهنگی، برای شناخت و درک روستا، مهمترین آنان به نظر می‌رسد. بر طبق نظر بانس (1982, P. 16)، این دیدگاه سعی دارد "در اغلب سکل‌های رفتاری در روستا، جامعه‌شناسی و روانشناسی روستایی را دخالت دهد. به این منظور، در تلاش است تا تفاوت‌های رفتاری و

(Darnell and simpson, 1981; Nash, 1980; sher, 1981) اما روندی در حال شروع است که تمایل فزاینده و مادامی - که مقتضی بخش روستایی است - به آموزش روستایی دارد. و در برخی موارد، جریان بالعکس مهاجرت به مزارع و شهرکهای کوچک دیده می‌شود (Deyoung, 1987). حتی اگر در اثر بحرانهای مالی مزارع، با از دست دادن پایه‌های اقتصادی، باعث از بین رفتن بعضی مناطق روستایی شود (Avery, 1985)، دیگر مناطق روستایی، رشد زیادی خواهند داشت. به رغم این تمایل، بیستر مطالبی که در مورد آموزش روستایی نوشته شده است؛ بر جمعیت ویژه‌ای همچون: اهالی شرق آمریکای شمالی، بومیان آمریکا، کومپروها، اسکیموها و سیاهان متمرکز است (Deyoung, 1987) و به خرده فرهنگ روستایی، به عنوان یک گروه متحدالشکل، دارای خصیصه‌ها، گرایشها، ارزشها و انگیزشهای مشترک توجهی نمی‌شود.

این فصل [مقاله] به عنوان بخش مجزایی از کتاب راهنمای آموزش بزرگسالان، حایز اهمیت می‌باشد، زیرا که اختلاف افراد و اجتماعات روستایی را نشان می‌دهد و از طرفی خرده فرهنگ ویژه‌ای را به نام "خرده فرهنگ روستایی" معرفی می‌نماید. اکنون توصیف روشنی از روستا در آمریکای شمالی ارائه می‌شود.

## □ مفهوم روستا

در این مقاله، انتظار نداشته باشید، تعریف جامعی از روستا<sup>(۵)</sup> آورده شود. آموزشگران، مدیران، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و دیگر کسانی که از این کلمه استفاده می‌کنند، سالهاست که به دنبال یافتن صفاتی از افراد و اجتماعهای روستایی هستند، تا بتوانند، آنها را در یک تعریف جهان شمول، سازماندهی کنند. به دلیل این که مفهوم شهر و روستا از نظر فرهنگی، تاریخی، سیاسی، اداری، بوم‌شناسی و مسایل مربوط به استغال، جدایی ناپذیرند، برای نودیف این که چه چیزی روستاست و چه چیزی نیست، چندین دیدگاه و روش وجود دارد. اما استفاده از یک دیدگاه، از کاربرد دیگر نظرات، در تعریف روستا، متنوعت به عمل می‌آورد. و از طرفی، هر دیدگاه با خود، تعداد زیادی بیش فرض، به همراه خواهد داشت.

۵- باید درک کنید که تاریخ گذشته خرده فرهنگ با موضوعات برنامه‌های آموزشی مرتبط است، تا کنون گرایشها، از طریق تجارب گذشته شکل یافته‌اند و ممکن است، به عنوان مانع یا مشوق عمل کنند.

در معرفی بزرگسالان روستایی به عنوان یک خرده فرهنگ به خاطر داشته باشید که یادگیری نقشهای یک خرده فرهنگ - از نظر کسب عاداتها و مهارت‌ها - مختلف است و شاید سطح متفاوتی از عملکرد شناختی را نیاز داشته باشد (Hallowell, 1953). آموزشگران با توجه به آن دسته صفات فرهنگی که بزرگسالان روستایی را به هم می‌پیوندند، قادرند، آموزش بزرگسالان روستایی را ارائه دهند.

دیدگاه دیگری نیز، در بحث مناظره‌های مقایسه شهر و روستا، توسط تهرانی<sup>(۱۱)</sup> (1986) آمده است (Mirkovic, 1980). نثر تهرانی و دیدگاه نیابن، شاید، در انطباق با کار پیرجسنه سورکین<sup>(۱۲)</sup> و زیمرمن<sup>(۱۳)</sup> (1929)، بهتر تشریح شده باشد. در این مورد، آنان تفاوت‌های بین خصیصه‌های شهری و روستایی را از نظر سغلی، محیطی، اندازه اجتماع، برآکنندگی جمعیت، تمایز و قشربندی اجتماعی و تحرک و نظام‌های کنش متقابل اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. (جدول شماره ۱)

هوپس<sup>(۱۴)</sup> و دیلمان<sup>(۱۵)</sup> (1987, P.70) به مشخص نمودن اطلاعات موجود در جدول شماره (۱)، کمک کردند: «اغلب، خصوصیات فیزیکی مناطق یا گرایشهای مردم، باعث بوجود آمدن اختلاف بین شهر و روستا می‌شوند. به طور مشابه، معیارهای سغلی، بوم‌شناسی و اجتماعی فرهنگی نیز، به طور مجزا یا توأم باعث اختلافات می‌گردند. از نظر بوم‌شناسی، مناطق روستایی دارای توزیع جمعیت کم، محل‌های سکونت کوچک و آزاد هستند و به طور نسبی، اجتماع‌هایی جدای از دیگر بخشهای جامعه می‌باشند. از نظر سغلی؛ شغل در روستاها، صنایع جانبی است. در روستاهای آمریکا، کشاورزی همچون صنعت، عمده‌ترین شغل است. اگر چه، استخراج معدن، بهره‌برداری از جنگل و ماهیگیری نیز وجود دارند. از نظر اجتماعی فرهنگی، مناطق روستایی با خصوصیات: تفوق شخصی، روابط اجتماعی چهره به چهره بین افراد مشابه و تغییرات کند و نسبتی در

میراث سنتی فرهنگ، مشخص می‌شوند.»

## □ خصوصیات افراد و اجتماع روستا

انتقاد عمده‌ای که به مطالعه مقایسه‌ای خصوصیات روستا و غیر روستا وارد می‌شود و ایراد این تعریف را روشن می‌سازد، این است که، بزرگسالان روستایی را نادیده گرفته است. از این مطالعه چنین می‌توان استنتاج کرد که: در مجموع، در آمریکا، روستا، شامل: همه مناطق غیر شهری جامعه است و از طرفی، هیچ معیار سنجشی برای این که چگونه روستا یا هر محل مسکونی دور افتاده و مجزایی در منطقه غیر شهری واقع شده است، ارائه نمی‌دهد (Barker, 1985 a)

در تعریف این که چه کسی غیر روستایی نامیده می‌شود، نیز، مشکل مشابهی وجود دارد. کودن آف<sup>(۱۶)</sup> (1971) برای مواردی مانند: اختلاف گروه‌های شهری، آمیختگی زمین‌های قومی و زبانی، طبقات اجتماعی گوناگون، اختلاف آیین و فرقه‌های مذهبی و نیز بسیاری از شغل‌های اختصاصی و مجزا، مینا و مرجعی را به وجود آورد. این نوع نیز، به خوبی و به طور زیادی در مناطق غیر شهری یافت می‌شود. بنابراین، صرف نظر از روستا یا غیر روستا، با شناخت ارزشها، باورها، سنتها و تجارب زندگی ویژه‌ای که اعضای یک خرده فرهنگ را تجمع داده است،

می‌توان برای آموزشگران، اطلاعات مورد نیاز را - جهت ارتقای معلومات - فراهم نمود، و به آنان کمک کرد، تا بر مسائل دخیل در اختلافات سطحی خصوصی ذکر شده، فایق آیند.

بارکر<sup>(۱۷)</sup> (1985 b) خصوصیات را از اجتماعات روستایی مشخص نمود که شاید می‌توانستند، ارزشها، باورها و سنتهای روستا را نشان دهند. وی اظهار نمود: مناطق روستایی دارای جمعیت پراکنده و دور افتاده‌اند، که اجتماعات آنها آزادانه پیوسته‌اند و از خدمات دور هستند. درصد بالایی از فقر، گریبانگیر بیشتر آنان است، در مناطق روستایی، استاندارد محل‌های سکونت پایین است و به امکانات پزشکی مناسب، دسترسی کمی دارند. به علاوه، وی عقیده داشت: در مناطق روستایی، جاذبه‌های فرهنگی بسیار کم و خدمات عمومی محدود است و به طور کلی، از امکانات رفاهی کشور آمریکا محروم مانده‌اند. البته به رغم کاستیهای فوق، در مناطق روستایی، رفتار ملایم‌تر، بهره‌مندی از منابع طبیعی، فعالیتهای مختلف روستایی، دوستی و میزان جرایم کمتر، ارزشها، باورها و سنتهای مثبت این مناطق بیان شده است. در هر حال، این ارزشهای مثبت و محدود زندگی روستایی وجود دارند. به بیان دیگر، افسانه‌های نیستند. از طرف دیگر، این ارزشها و باورها، باعث تشکیل تصورات روستایی می‌شوند.

جدول شماره (۱): اصطلاحات سورکین و زیمرمن در مورد تفاوت‌های شهر و روستا

شهر	روستا	خصیصه
فعالیت‌های صنعتی، تجاری، بازرگانی و اداری	فعالیت‌های کشاورزی، کشاورزی تجاری و فعالیتهای جنبی	شغل
جدای از طبیعت، بیشتر محیط‌های مصنوعی تا طبیعی	با طبیعت، بیشتر محیط‌های طبیعی تر تا مصنوعی	محیط
جماعت‌های بزرگتر مردم، مجاور شهرهای بزرگ	اجتماع‌های کوچک، دهکده‌ها و حاشیه شهرها	اندازه اجتماع
توزیع بیشتر، در هر مایل مربع افراد بیشتر، مردم در شهرها با شهرک‌های ۵ هزار نفری یا کمتر زندگی می‌کنند.	یک شهرستان، در اجتماع‌های ۵ هزار نفری یا کمتر زندگی می‌کنند.	توزیع جمعیت
گرایش بیشتر به سمت گروه‌های نامتجانس	گرایش بیشتر به سمت گروه‌های متجانس	خصوصیات جمعیت
تمایل بیشتری به تمایز و قشربندی دارد	تمایل کمتر به تمایز و قشربندی دارد	تمایز و قشربندی اجتماعی
در دهه ۱۹۷۰ حرکت به خارج از شهرها در دهه ۱۹۸۰ برگشت به شهر یا نزدیک شهرها (شهرک‌های اقماری)	در دهه ۱۹۶۰ تمایل مهاجرت به شهرها در دهه ۱۹۷۰ برگشت به مناطق روستایی در دهه ۱۹۸۰ برگشت به شهرها یا حاشیه شهرها	تحرک
گرایشهای جمعی و کمتر شخصی، توجه به افراد متنوع می‌تواند شخصی باشد.	گرایشهای فردی، شخصی، چهره به چهره	نظام‌کنش متقابل

آیا مشخصات روستایی آمریکا، سنتها، ارزشها و باورهای آنان را نشان می‌دهد یا محرومیتشان را بیان می‌کند؟ آیا بزرگسالان روستایی، چون خود خواسته‌اند، محروم و به دور از خدمات رفاهی هستند یا این که به راستی، توان مقابله با خصیصه‌های مشکل آفرین را ندارند؟ وان نیلبرگ در مطالعه خود، تحت عنوان "کاربرد مشارکت بزرگسالان در برنامه‌های آموزشی خدمات ترویج تعاون گونه اوهاییو"<sup>(۱۸)</sup>، در نتایج مقدماتی خود، بیان نمود که در جمعیت روستایی، ارزشها و گرایشهای مستقل، غالب می‌یابند. مطالعه مشارکتها، به منظور ارزیابی عوامل مربوط به مشارکت بزرگسالان، در برنامه‌های آموزشی، مورد تاکید بود، بدین صورت که عوامل ممانعت کننده و انگیزشگر مؤثر بر مشارکت، تعیین گردید. عوامل ممانعت کننده، بیشتر ارتباط مستقیمی با کنش متقابل مردم داشت. کنش متقابل با دیگران در برنامه، تسهیم اطلاعات با دیگران و سهیم بودن در علایق دیگر افراد، در طول برنامه به عنوان موانع مشارکت نام برده شدند. نتایج آماری دیگر اشاره داشت بر این که؛ جلوگیری از اجرای برنامه شخصی و به هدر دادن وقت شخصی، همچنان از موانع مشارکت روستایی به شمار می‌رود. تعبیری که شاید بتوان، از این یافته‌ها در اوهاییو به عمل آورد، این-که؛ بزرگسالان روستایی توجه خاصی به موضوعات شخصی دارند و مخصوصاً نمی‌خواهند مخالف دیگران عملی انجام دهند، همچنین براین اشاره داشت که برخی بزرگسالان روستایی، محرومیت را انتخاب می‌کنند.

در مطالعه دیگر (Archer, 1988)، با استفاده از روش بررسی درسنامه یستی و به طور تصادفی، نیازهای آموزشی افراد را مورد توجه قرار دادند. پاسخها از یک نمونه پنج هزار نفری افراد ایالت اوهاییو تهیه شد و تفاوت بین افراد شهری و روستایی را، از نظر منابع اطلاعاتی که بیشتر استفاده می‌کنند یا با آنها در ارتباطاند، نشان دادند. پاسخ دهندگان روستایی، کتابخانه‌ها، بانکها، کایسها و مؤسسات محلی، همچون: خدمات احیا و نگهداری خاک و خدمات ترویج تعاون گونه را به عنوان منابع مهم اطلاعات آموزشی مشخص کردند. در مقابل، بزرگسالان شهری، متخصصین و دانشگاهها را به



عنوان مهمترین منابع برسمردند.

مجدداً، سؤالی برای آموزشگران مطرح می‌شود و آن، انتخاب در مقابل شانس است. آیا پاسخگویان به دلیل این که منابع اطلاعاتی مناسب دیگری در اختیار ندارند، این منابع را انتخاب می‌کنند (مانند دانشگاهها و برنامه‌های رسمی). یا این که منابع اطلاعاتی مورد نظرشان را با اعتقاد راسخی برمی‌گزینند؟

مک کنون<sup>(۲۰)</sup> در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۱ داشت؛ برنامه‌های آموزشی بزرگسالان روستایی و غیر روستایی را در می‌نویسود<sup>(۲۱)</sup> مورد مقایسه قرار داد و تفاوت محتوای هر دوره را گزارش نمود. هنگام استفاده از اطلاعاتی، مانند: مطالعه مک کنون، آموزشگران علاوه بر توجه به اختلافات، باید علل تفاوتی موجود را نیز در نظر بگیرند.

### □ اقداماتی برای آموزش بزرگسالان در مناطق روستایی

از یک مدرسه تک کلاسه پایه ششم گرفته تا مدارس ابتدایی بزرگ دولتی یا محلی، در همه، آموزش جوانان جزئی از اجتماعات روستایی آمریکای شمالی است. همزمان با توسعه نظامها و شبکه‌های آموزشی به تدریج برای بزرگسالان فرصتهای یادگیری مستمر<sup>(۲۲)</sup> به دست آمد (Gelpi, 1985). انجمنهای کشاورزان،<sup>(۲۳)</sup> دفاتر مزرعه<sup>(۲۴)</sup> و دیگر سازمانها،

جهت ارائه اطلاعات با ارزش، در زندگی بزرگسالان انتخاب شدند. خدمات ترویج تعاون گونه در افزایش دانشکده‌های موجود از سطح دانشگاه تا اماکن محلی روستایی پیشرو بود، مؤسسه‌های دیگر، از جمله: درمانگاهها، کتابخانه‌ها، مدارس فنی و حرفه‌ای، دانشکده‌ها و دانشگاهها و کمیسیونهای ملی، ایالتی و محلی نیز در آموزش بزرگسالان روستایی سابقه‌ای دارند (Hone, 1984; Treadway, 1984) همزمان با افزایش اطلاع و آگاهی جامعه، زمینه‌ها و فرصتهایی نیز، در جهت آموزش مستمر جمعیت متنوع بزرگسال روستایی فراهم می‌شود.

گزارشهای هون<sup>(۲۵)</sup> (1984)، میز<sup>(۲۶)</sup> و اسپیرز،<sup>(۲۷)</sup> (1985) نشان داد که هیچ مؤسسه‌ای به تنهایی برای جامعه متنوع روستایی مناسب‌ترین ارائه دهنده اطلاعات نیست. در واقع، هون ۵۴ برنامه مجزا را در جهت ارائه آموزش روستایی برشمرد. میز و اسپیرز، مشخصات سازمانهای موفق در آموزش روستایی را بیان نمودند. مطابق نظر این نویسندگان: یک مؤسسه موفق، پاسخگوی نیاز ویژه اجتماع و انتظارات فراگیر بزرگسال است، همکاری گسترده‌ای با دیگر مؤسسه‌های اجتماعی دارد و مطالبی توصیفی مختصر و عاری از اصطلاحات را، برای برنامه‌ها و خدمات پیشنهاد کند.



مؤسسه‌ای به نام دانشگاه بشر<sup>(۲۸)</sup> (UIM)، مشخصات ذکر شده میز و اسپیرز را نشان داده است. در انتشارات UIM، میز تجربه چهار مؤسسه اجتماعی ارائه دهنده آموزش بزرگسالان روستایی را گزارش داد. این مؤسسه‌ها، عبارتند از: کتابخانه‌ها، ائتلاف آموزشدهنده‌های خصوصی،<sup>(۲۹)</sup> خدمات ترویج تعاون‌گونه ایالتی و اداره ایالتی امور روستاها.<sup>(۳۰)</sup> مطابق با نظر میز، چون این مؤسسه‌ها مخاطبین و نیازهایشان را شناختند و با دیگر مؤسسه‌های محلی همکاری داشته‌اند و به شیوه‌ای مؤثر خدماتشان را عرضه نموده‌اند، بیشتر آنان در ارائه آموزش به بزرگسالان روستایی موفق بوده‌اند.

آموزشده‌های اجتماع،<sup>(۳۱)</sup> در ارائه برنامه آموزشی به مناطق روستایی، نقش بسزایی دارند. (Sullins and Atwell, 1986)، به طور کلی، فلسفه آموزشدهنده اجتماع در آمریکا، به منظور ایجاد ارتباط و هماهنگی نقش آموزش در اجتماع طرح شد. از دیگر رهیافتهای منحصر به فرد آموزش روستایی، می‌توان به مدل آلاسکایی<sup>(۳۲)</sup> اشاره نمود، که از شبکه آموزش از راه دور، توسط سیستم مخابراتی استفاده می‌کند (کمیسیون آموزش بعد از تحصیلات متوسطه در ایالت آلاسکا، 1985)<sup>(۳۳)</sup> بنابر گزارش مارگونیس<sup>(۳۴)</sup> (1986)، مردم شهر کانریز<sup>(۳۵)</sup>، برای تشویق آموزش بزرگسالان مناطق روستایی، با تهیه دستورالعمل و برنامه کاری به صورت یک راهنما، دست به ابتکار زدند.

به منظور شناخت مشکلات و درک نیازهای آموزش بزرگسالان و آموزش بعد از تحصیلات متوسطه روستاییان و تحقیق و توسعه مطالعات (برنامه‌های کاری، شناخت برنامه‌های موجود و ارزشیابی از نظام آموزشی)، از صندوق بهبود آموزشدهنده‌های بعد از تحصیلات متوسطه<sup>(۳۶)</sup> (TIPST)، استفاده شد، تا تسهیلاتی را در جهت نیازهای آموزشی بزرگسالان روستایی فراهم آورد. این پروژه (1986)، چهارچوب و شبکه‌ای را در جهت طرح و ارائه خدمات آموزشی به بزرگسالان، مشخص می‌کند.

در نتیجه اقتباس از آموزگاران اروپایی، در مورد مفهوم دبیرستانهای قدیمی، بعضی مدرسين آموزش

بزرگسالان آمریکا، سعی نموده‌اند تا مراکز آموزشی آموزش بزرگسالان را در ایالات متحده تأسیس کنند. یک مدرسه قدیمی در منطقه کوهستانی<sup>(۳۷)</sup> در نیومارکت،<sup>(۳۸)</sup> تنسی<sup>(۳۹)</sup> مرکز اصلی آموزش روستایی آمریکاست، که به بالا بردن قدرت خلاقیت، افزایش اعتماد به نفس و درک بهتر از خویشتن،<sup>(۴۰)</sup> اهمیت می‌دهد. فرد ساکن در منطقه کوهستانی، به طور بنیادی، در مسایل حقوق مدنی فعال شده و نقش وی در بسیاری از مسایل روستایی که در آنها توانمند شده است، استمرار می‌یابد. داستان مدرسه قدیمی کوهستانی کمک کرد، تا یک تفسیر بدیلی از آموزش سنتی کشور ارائه شود (Adams, 1972)

## ■ تلاشهایی برای زمینه‌های آموزش بزرگسالان روستایی

مؤسسه‌هایی که وظیفه آموزش روستایی را برعهده دارند، در چگونگی ارائه خدمات آموزشی از اغرض و خطا عاری نیستند (McDaniel, 1986). انزوای اجتماعی و دوری از مهارتهای تخصصی و دوری از خدمات، همچنین، موانع جغرافیایی، برای سازمانهای آموزشی که در پی استخدام و حفظ متخصصین لازم هستند، مانع ایجاد می‌کند. روستاها، اغلب نمایندگان برجسته کمتری دارند و سطح حقوقی آنها پایین تر است. تسهیلات آنان در حد کفایت نیست و فرصتهای سغلی کمتری دارند. آنان فاقد رای و قدرتی هستند که توسط گروهی از نمایندگانشان بتوانند، در جهت بهبود مسائلشان تلاش نمایند.

اما پاسخ به موقعیتهای خاص یادگیری، آگاهی از ارزشها و باورها، یادگیری چگونگی بررسی اختلافات مهم و توسعه شیوه‌هایی برای هماهنگی این اختلافات با موقعیتهای آموزشی، شناس موفقیت خوبی را برای مدرسین آموزش بزرگسالان فراهم می‌کند. در زیر، زمینه‌هایی برای آموزگاران آموزش بزرگسالان روستایی، ذکر شده است.

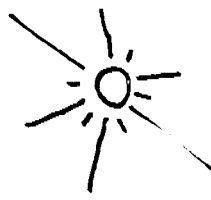
حل مسأله<sup>(۴۱)</sup> کسی که گزارش کیلاکی<sup>(۴۲)</sup> (1984) را می‌خواند، ممکن است، زندگی بزرگسالان روستایی را به صورت خلاق، با استعداد و دارای قابلیت بالا تصور کند، استعداد شخصی، باعث استقلال و عدم وابستگی فرد می‌شود. در نتیجه؛ مدرسین آموزش

بزرگسالان باید آن را در روشها و نظامهای آموزشی، مورد توجه قرار دهند. ارزیابی دقیق از موقعیت آموزشی، به برنامه‌ریزی کمک می‌کند و بدون این که افراد نقاط ضعفشان را نشان دهند. به همکاری تشویق می‌شوند. به نظر می‌رسد، مدلی تحت عنوان دانشگاه آزاد روستایی (maes, 1981)، به منظور برآورده کردن نیازهای یادگیری و آموزشی بزرگسالان روستایی مناسب باشد.

شبکه‌های ارتباطی<sup>(۴۳)</sup> ارتباطات درونی مناطق روستایی، نسبت به روایا شهر با روستا یا حتی برخی موارد نسبت به روایا درونی مناطق شهری، بهتر صورت می‌گیرد. بنابراین، شبکه‌های ارتباطی محلی در انتشار اطلاعات، می‌توانند وسایل مؤثرتری باشند. بیشتر مطالعاتی که در مدل‌های قبلی ذکر شده (spears and Maes, 1985; maes, 1981) در مناطق مزبور می‌توانستند، روابط ناسلمومی را در برنامه‌ریزی آموزشی، ارائه دهند و شیوه‌های موفق (رهیافتهای موفق) را برای فعالیتهای آینده مشخص کنند. در برنامه‌ها و خدمات متکی بر تعاون، می‌توان از رهبران محلی به عنوان یک الگو در شبکه‌های ارتباطی استفاده کرد.

دخالت<sup>(۴۴)</sup> (جذب و همکاری): ماهیت افراد روستایی، ساده است و جدای از خانواده، اجتماع و محیط نیست. کومیز<sup>(۴۵)</sup> و اهدم<sup>(۴۶)</sup> (1974)، به منظور بهبود زمینه‌هایی که بزرگسالان روستایی می‌توانند، در برنامه‌ریزی آموزشی نقش داشته باشند؛ از طریق هماهنگی علایق خاص بزرگسالان، پیشنهادهایی ارائه نمودند. برای مثال، در زیر مواردی آمده است:

- آموزش پایه عمومی: شامل سواد آموزی، ریاضیات، شناخت اجمالی محیط
- آموزش خانه‌داری: برای بهبود وضع زندگی خانواده، دانش، مهارت و نگرشهای مفیدی را در خانه‌داری و کودکیاری ارائه می‌دهد.
- آموزش بهبود اجتماع: به منظور تقویت فرآیندها و نهادهای ملی و محلی است.
- آموزش اشتغال: برای کسب شغل و حفظ آن، دانش و مهارتهای لازم را توسعه می‌دهد.
- برنامه‌هایی که چند منطقه را در برمی‌گیرد،



۲ - چه کسانی را باید مورد هدف قرار دهد؟  
 ۳ - مناسب‌ترین وسیله برای انتقال پیام چیست؟  
 آموزسگران دربارهٔ این سؤاها، به پاسخهای بشمارى برخوردار مى‌کنند. در کار با بزرگسالان، به عنوان افراد، انفرادى در درون گروهها و گروههایی با هویت جمعى، مدرس آموزش بزرگسالان روستائى، باید بتواند، پاسخها را تنظیم نماید، مورد ارزیابى قرار دهد و مناسب‌ترین راه حل را برای موقعیت خاص انتخاب کند. تعداد زمینهای مدرس آموزش بزرگسالان روستائى در مقایسه با دیگر آموزشگران، زیادتر نیست، اما ممکن است، از نظر گستردگى، ابتکار، خلاقیت و عمق حساسیت مسایل خرد فرهنكى که نیازمند آموزشگر است، منحصر به فرد باشد.

### ■ دیدگاههای روش شناسى، تکنولوژى و شیوههای ارائه خدمات آموزشى

در کار با بزرگسالان روستائى، دیدگاههای روش شناسى زیادى وجود دارد. از نظر مدرسین آموزش بزرگسالان، آنان مى‌خواهند از شیوههای گروهى به جای روشهای دیگر استفاده کنند، بسیاری از سازمانهای موفى آموزش بزرگسالان روستائى همچون خدمات ترویج تعاون گونه، بهداشت روستائى و سازمانهای داوطلب، روشهای گروهى را به کار مى‌برند. اما اعمال روشهای گروهى در هنگام برخورد مستقیم با بزرگسالان و استفاده از روشهای یادگیرى انفرادى، برای آموزشگران مشکلاتى مى‌آفریند. نتایج مطالعه وان تیلبرگ (1988, Appendix D, P. 17) شامل موارد زیر مى‌شد: «چگونگى انجام کار را با دقت به من نشان دهید یا چگونگى آن را به من بگوئید تا آن کار را انجام دهم» و «در کار با گروه، یا کارهای مربوط به اجتماع، برای من دردرس ایجاد نکنید». این عواطف سنتى، نشان مى‌دهد که فراگیران روستائى موقعیت یادگیرى انفرادى را ترجیح مى‌دهند و آنان وقتشان را برای کار و فعالیتهای اجتماعى تفکیک مى‌کنند. آموزش در چین کار است، هنگام انجام کار ممکن است، زمان فعالیتهای اجتماعى (اجتماعى شدن) نیز باشد.

برنامه‌های آموزش بزرگسالان مى‌تواند و باید،

خودشان اطلاع و آموزش دهند. همچنین، برنامه‌ها و مهارت‌های کشاورزى را که قبلاً قابل دسترس نبود، توسعه دهند. آنان، به ویژه، توانستند، میزان ترکیبات شیمیائى مورد استفاده در تولید مواد غذائى دامها را کاهش دهند. و نیز، توانستند، در شهر، برای بزرگسالانى که قادر بودند، از لحاظ شیمیائى مواد غذائى تمیزترى را خریدارى کنند. بازار جدیدى معرفى نمایند. این خانواده‌های کشاورز، از طریق کار و یادگیرى توانم در برنامه‌ها و فعالیتهای کشاورزى، استقلال بیشترى به دست آوردند.

اما مثالهای یاد شده، برای مدرسین آموزش بزرگسالان، زمینه‌هایی هستند که باید در آنها تلاش کنند. بسیاری از این زمینه‌ها، مستقیماً به پاسخهای سه سؤال زیر مربوط مى‌سوند:

۱ - پیام چیست؟ و چه باید باشد؟

نسبت به برنامه‌های متمرکز بر یک منطقه خاص، موقعیت بیشتری دارند. به نظر مى‌رسد، بزرگسالان روستائى به دلیل داشتن خانواده، شغل و اجتماع، منسجم‌تر و کرایش پیوستگى و همکاری‌شان بیشتر است.

مطالعهٔ هاور کمپ (۱۷) (1988)، در خانواده‌های کشاورز میشیگان، نمونه‌ای از برنامه آموزش بزرگسالان روستائى است که از این رهیافت چند بعدى (۱۸) استفاده نمود. این برنامه، قدرت تصمیم‌گیرى روستائیان را در مورد مسایل و مشکلات کشاورزى افزایش داد. وی دریافت، خانواده‌هایی که برای مسایل خاص کشاورزى باهم کار مى‌کردند، قادر بودند، تا وضع زندگیشان را بهبود دهند. این خانواده‌ها، یک شبکه ارتباطى و جریان یادگیرى بوجود آورده بودند، که توسط آن مى‌توانستند، به

نمایندگان جمعیت‌های روستایی را مورد هدف قرار دهد. برای کمک به بزرگسالان مناطق روستایی، ابزار گوناگونی وجود دارد. از این ابزارها: ماهواره‌های تلویزیونی (۵۱)، down links، cable TV (۵۱) و دستگاه ضبط ویدیو کاست (۵۲) (VCRs) و نوارهای ویدیویی، برنامه‌ها و شبکه‌های کامپیوتری ویدیوهای دارای کنش متقابل، (۵۳) (رادیوهای دو سوپه (۵۴) و تلفن‌ها را می‌توان نام برد. بیش از یک وسیله از آنها را می‌توان در خانه، اداره، مراکز اجتماعی، محل کار یا مراکز صنعتی در دسترس داشت. همچنین، در دانشکده‌ها یا مدارس خصوصی و عمومی و دیگر سازمان‌های خدمات اجتماعی، همچون اداره‌های دولتی یا انجمن‌های داوطلب، قابل دسترس هستند. تهیه مواد آموزشی لازم برای بزرگسالان نواحی روستایی، به مواردی همچون: منطقه جغرافیایی، اعتقادات فرهنگی و دسترسی به تکنولوژی و ابزار برای ارائه برنامه‌ها، بستگی داد. هملج هامیستر (۵۵) (1984) و دیلمان (1985)، در مورد این که چگونه تکنولوژی می‌تواند، دسترسی به اطلاعات و فرصت‌های یادگیری را تسهیل نماید، مثالهایی آورده‌اند:

- cable TV، برای ارائه برنامه‌هایی که مستقیماً یا از طریق کانال‌های ماهواره‌ای تلویزیونی دریافت می‌شوند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.
- در برخی شغلها، همچون: اتومکانیک (۵۶) و لوله‌کشی، برای آموزش مهارت‌ها می‌توان از نوارهای ویدیویی استفاده نمود.
- وان موبایلها (۵۷) همراه با کامپیوترها و ابزار ویدیویی دو سوپه، می‌توانند به مدارس، محلهای کار، کارخانه‌ها، محلهای فروش، فروشگاههای محلی و روستاها، خدمات برسانند.
- تلفنهای کنفرانس، ممکن است، برای برخی گروهها کاربرد داشته باشد.
- خلبانها، خدمه‌های نفت کنشها، کامیون داران و دیگر افرادی از این قبیل، برای انتقال اطلاعات می‌توانند، از رادیوهای دو سوپه (CBS) و دیگر رسانه‌های خبری استفاده کنند.
- کتابخانه‌های محلی دارای ایستگاههای رادیو و تلویزیون، کتاب، مجله و اسخاصی برای کمک به

بزرگسالان و فعالیتهای مختلف یادگیری می‌باشند. ● شبکه‌های انفرادی در شغل‌های فنی و حرفه‌ای، از تابلوهای اعلانات کامپیوتری برای ارسال و دریافت پیامها، اطلاعات و دانش درباره مسایل و مفاهیم استفاده میکنند.

همه این ابزار و سوبه‌های ارائه خدمات، جهت ارسال پیام و دسترسی به نرم‌افزار و سخت افزار، به سطح درآمد یا منبع حمایتی پایه‌ای نیاز دارند. به طور کلی، هیچ برنامه‌ای برای روستاییان فقیر ساخته نشده است. کسانی که: ۱ - یا مزد کم ساعتها کار می‌کنند. ۲ - برای حرکت در درون یا بیرون منطقه‌شان منابع محدودی دارند. ۳ - دانش و مهارت استفاده از این وسایل را ندارند. ۴ - منابع مالی لازم برای پرداخت حق اشتراک استفاده از وسایل، اجاره بها یا خرید نرم افزار و سخت افزار را ندارند.

بنابراین، چگونه به این بزرگسالان، خدمات ارائه شود؟ هون (1985) و دیگران نشان دادند، که باید حداقل سطح حمایت، در دسترس همه بزرگسالان نیازمند، در مناطق مزبور، قرار گیرد.

### □ آینده آموزش بزرگسالان روستایی

دیلمان، سوالهایی را مطرح نمود، که کسانی که تسهیل کننده راه حل و مشکلات بزرگسالان روستایی بودند، آنها را جواب ندادند. اولین سوال: چگونه تکنولوژی، خرده فرهنگ روستایی را تغییر و پیشرفت می‌دهد یا آن را حذف می‌کند؟ آیا تکنولوژی، مناطق و مردم روستایی با محل، ارزشها، نیازها یا کنشهای متقابل اجتماعی یکسان را به طور ریشه‌ای تغییر خواهد داد؟

سوال دوم: در آینده، در مناطق روستایی، چه کسی زندگی خواهد کرد؟ آیا مناطق روستایی کم شده و همچون شهرکهای خیالی جنوب غربی خالی از سکنه می‌شوند یا این که رشد و پیشرفت خواهند کرد؟

سوال سوم: چه کسانی یا هم کنش متقابل خواهند داشت و پیامدهای این برخوردها چیست؟ به دلیل وجود سیستم مخابراتی از راه دور، آیا پراکندگی مردم بیشتر می‌شود یا کمتر؟ آیا مردم به یک شهرک محلی، شهر، یا شهرستان مرتبط می‌شوند یا با شبکه‌های ملی یا محلی ارتباط می‌یابند؟

سوال آخر: چه نهادهای ساختاری از بین می‌روند و برای ارائه خدمات به بزرگسالان روستایی چه نهادهای جدیدی تشکیل می‌شوند؟ آیا نهادها در روستا و محل یا در فاصله برخی شهرکها قرار می‌گیرند. یا به عنوان جزئی از یک شبکه مخابراتی از راه دور، در فاصله ایستگاه تأسیس می‌شود.

در هنگام بررسی ارزشها و باورهایی که منشأ خصیصه‌های اسنادی هستند و مطالعه دیدگاه جهانی به هم پیوستن بزرگسالان روستایی، اگر آموزشگر، بزرگسال روستایی را به عنوان عضوی از خرده فرهنگ موجود در روستا در نظر گیرد، چهارچوب کار برای آن شخص می‌شود.

درک خصوصیات عمومی بیشتر بزرگسالان روستایی و آگاهی از ارزشها و باورهایی که منبع آن خصوصیات هستند، می‌تواند تصویر جامعی از بزرگسال روستایی، ارائه دهد. آن گاه این درک با کمک تشریح تصویری که به روشنی قادر است، صفات فرهنگی پنهان شده را نشان می‌دهد؛ اختلاف فراگیران شهری و روستایی را مشخص می‌کند. سنتهایی که با پیچیدگی خاصی در گذشته، حال و آینده یک فرهنگ به وجود آمده‌اند، درک عمیق‌تری از دلایل مربوط به ارائه خدمات آموزشی به بزرگسالان روستایی عرضه می‌کنند.

### ■ این متن از کتاب زیر برداشته شده است:

Emmalou Van Tilburg and Allen B. Moore (1989) "Education for Rural Adults", in Sharan B. Merriam and Phyllis M. Cunningham, (ed) Hand Book of Adult and Continuing Education. N. W. Washington, D. C. U. S. A : American Association for Adult and Continuing Education.



# نقدی بر مدیریت ترویج و پیشنهادی برای تحول

● مهندس جواد محمدقلی نیا

## مقدمه

ترویج به عنوان یک نوع آموزش غیر رسمی، اگر به طور عام به معنای اشاعه و رواج اطلاعات فرض شود، شاید وقتی بشر خود را ساخت و فکر خود را جهت بهتر زیستن به کار بست، این آموزش وجود داشته است. انسان جهت زیست بهتر و غنی تر شدن دانش خود، نسبت به گذشته، سعی در حفظ و انتقال آن به آیندگان داشت و این نوع انتشار و انتقال اطلاعات را، می توان نوعی فعالیت ترویجی محسوب کرد. ولی در اینجا هدف ما از دید دوره سنانسی تاریخی به منظور طبقه بندی فعالیت های آموزشی و ترویج کشاورزی به دوره پنجم، یعنی : دوره تفکیک آموزش های رسمی کشاورزی، ترویج غیر رسمی و آموزش های بدون رسمیت برمی گردد (منبع ۳ - ص ۵)

تا تشکیل وزارت کشاورزی، در شهریور ۱۳۲۰، ترویج کشاورزی به صورت یک اداره با تشکیلات مستقل وجود نداشت و ارائه خدمات ارشادی که از سال ۱۳۰۵ جزء وظایف عمده ادارات کشاورزی بود، توسط کارکنان این ادارات انجام می شد. از سال ۱۳۳۲، کار ترویج با همکاری متخصصین فنی آمریکایی، در جارجوب یک سازمان مستقل ارشادی، تحت نظر وزارت کشاورزی شروع شد. (منبع ۷ - صفحات ۶۱ و ۶۲)

سطح پایین اطلاعات عامه مردم، پستوانه قوی و حمایت زیاد منابع تحقیقاتی خارجی، وجود آموزش های بدو و ضمن خدمت برای کارکنان ترویج، انتخاب افراد متعهد و متخصص جهت کار، تازگی امر، ... سبب شد که ترویج، دوران طلایی خود را در آن دهه سپری کند. در آن زمان، فقط به اثر بخشی "effectiveness" این نظام فکر می شد و رسیدن به هدف با هر مقدار سرمایه که باشد، مد نظر بود ولی برای ایجاد کارایی "efficiency" در این نظام، فکری نشده بود. تا بتوان با حداقل هزینه، حداکثر بازده را حاصل کرد. (منبع ۲ - ص ۳)

ایجاد کارایی، زمانی مطرح می شود که فکر اولیه کار، از خود افراد باشد یا اگر تفکر اولیه وارداتی است، لزوم آن و شرایط و موقعیت آن تفکر، توسط افراد درک و تعیین شود. در غیر این صورت، انتظار کارایی، یک توقع بیجاست. این قضیه، در مورد نظام ترویج نیز صدق می کند، چون فکر ایجاد نظام و نحوه ورود آن، بدون درک و تفکر کافی در مورد گذشته، حال و آینده آن و فقط به دلیل یک نیاز مقطعی، وارد کشور شده بود و با اولین برخورد غیر اصولی با آن، یعنی واگذاری کار اصلاحات ارضی از سال ۱۳۴۱، دچار رکود شد و ماهیت ضعیف خود را نشان داد و به صورت جریانی منززل درآمد که با هر تند باد حوادث، به یک سمت

## چکیده

هر رشته از علوم، احتیاج به مدیریت خاصی دارد و این در مورد کشاورزی نیز صدق می کند. ساختار نظام کشاورزی برای تداوم در بهره دهی، احتیاج به مدیریت خاصی دارد که با این نظام آشنا باشد و از نزدیک مشکلات آن را لمس نماید. این مقاله، سعی دارد با ارائه ترویج به عنوان مدیریت مناسب در کشاورزی، به بحث در مورد آن پردازد و لزوم تغییر در ساختار فعلی آن و همچنین نحوه پرورش دانشجو در آن را متذکر شود. تا با همفکری و در نهایت وحدت نظر، به یک تشکیلات مدیریتی قوی در کشاورزی و یک ساختار پایرجا و نو در ترویج به عنوان "مدیریت ترویج در کشاورزی" و همچنین هدفی شایسته در پرورش دانشجو، در رشته های مختلف کشاورزی را بطور اعم و در ترویج و آموزش کشاورزی بطور اخص برسد.

کشیده می‌شد و هر کاری که به آن واگذار می‌شد، ناچار به اجرای آن بود.

این روند، بعد از انقلاب نیز ادامه یافت تا این که فکر تدوین نظام ترویج ایران و ضرورت این عمل، توسط مسؤولان و اساتید فن احساس شد و اقداماتی نیز صورت گرفت که هنوز هم ادامه دارد. این مقاله سعی دارد، با عنوان نمودن بعضی از مشکلاتی که در متن ترویج وجود دارد و همچنین در نحوه تربیت دانشجویان در این رشته، راه حلی به نام "ایجاد مدیریت ترویج در کشاورزی" را ارائه دهد و باب بحث و تبادل نظر بیشتر در این میدان را باز نماید.

## انواع نظامها در علم ترویج

در تاریخچه علم ترویج به انواع نظامها برخورد می‌کنیم مثل :

سیستم استعماری نظام ترویج Colonial extension system (منبع ۴ - ص ۱۲۵)  
سیستم لند - گرانت - کالج Land - Grant College (منبع ۴ - ص ۱۴۷)  
سیستم کلاسیک یا رایج ترویج Classical extension system و ...

نظامی که وارد کشور شد نظام معمولی ترویج یا سیستم کلاسیک بود. اهداف اساسی، ساخت اداری، چگونگی تأمین هزینه و اعتبارات، روشها و محتویات آموزشی و ... وارداتی بود و تطابق چندانی با شرایط کشور نداشت. متعاقب ورود این شاخه از دانش به کشور، با انواع رهیافتهای آن آشنا شدیم. مثل: رهیافت کلی ترویج کشاورزی، رهیافت تخصصی کالا، رهیافت آموزش و دیدار، رهیافت مشارکتی ترویج کشاورزی، رهیافت پروژه، رهیافت توسعه نظامهای زراعی، رهیافت تسهیم هزینه، رهیافت مؤسسه آموزشی و ... (منبع ۱ - صص ۱۰۲ - ۵۷)

هر چند که بعضی از آنها، در شرایط کشور ما در سطح بسیار محدود آزمون شدند، ولی هیچ کدام، تحت شرایط کشور به طور جامع و دقیق مورد بررسی قرار نگرفتند و فقط درباره مسائل تئوری آنها کار شد، که آن نیز، برداشتی از منابع خارجی بود. مسائل بالا را می‌توان، در مورد روان‌شناسی، فلسفه، هدفهای عملی و اصول و خلائف و شیوههای ترویج نیز تعمیم داد. یعنی: اکثراً فقط مورد تقلید قرار گرفته‌اند. (تعاریف

مفاهیم عنوان شده در منبع ۶ - صص ۸۴ - ۱۵)  
با این اوصاف، دور از انتظار نیست که این نظام از بنیانی سست برخوردار باشد و جای واقعی خود را پیدا نکند و اسفناک‌تر آن که قدرت درجه‌بندی مسایلی که در متن آن قرار دارند را نیز، نداشتند. یک مدیریت به دنبال آموزش و نقش زنان روستایی ... می‌رود و روز دیگر، به سمت عمران و مشارکت، تعاون، منابع طبیعی، محیط زیست، کشاورزی پایدار و ...، یعنی: بدون داشتن هدفی مشخص و برنامه‌ریزی جامع، فقط به طور مقطعی فعالیت می‌نماید و بعد از چند مدت نیز، آن موضوع را فراموش می‌کند و این روند را همچنان از نو ادامه می‌دهد.

ترویج در کشور ما، هنوز در متن خود دچار مشکل است. ابتدا باید جهت حرکت را روشن کرد، سپس وارد ساحب جزئی‌تر، مثل ترویج خصوصی، ... شد.

یکی از دلایل موفقیت ترویج در ابتدا، یستوانده قوی تحقیقات و حمایت بی‌دریغ آن از نظام ترویج بود. ولی پس از حذف این منابع خارجی، متأسفانه ایجاد مراکز تحقیقاتی قوی مورد توجه قرار نگرفت و اگر مراکزی نیز ایجاد شدند، تحقیقات را برای تحقیقات می‌خواستند نه عمل، یا ارتباط مستحکمی با نظام ترویج برقرار نکردند که حداقل، آن محدود اطلاعاتی را که بدست آورده‌اند، در اختیار آن بگذارند. از نظر نگارنده، سردرگمی و بلاتکلیفی فقط در ترویج و تحقیق دیده نمی‌شود، وضعیت آموزش رسمی و هدف از تربیت دانشجویان نیز، در این رشته معلوم نیست. دانشجویان با یک بلاتکلیفی در این رشته تربیت می‌شود و صد البته به دلیل همین سردرگمی، کارایی لازم را جهت شروع فعالیت، بعد از تحصیل، نخواهد داشت. بهره‌وری از کار، در صورتی افزایش می‌یابد که فرد دقیقاً هدف از کار و مقیاس سنجش کار انجام شده را بداند. در نظام فعلی ترویج، اولاً: هدف از تربیت دانشجویان، چندان مشخص نیست یا تعدد و بی‌ثباتی هدف، آن قدر مطرح است که فرد را سرخورده می‌سازد. ثانیاً: مقیاسی برای ارزشیابی کار وجود ندارد. چون ساخت مقیاس ارزشیابی با توجه به هدف یا اهداف است، ولی در این جا، هنوز اهداف اصلی زیر سؤال است.

## کاهش بهره‌وری: حاصل «جایگزینی وسیله به جای هدف»

مسئله اصلی ترویج، جایگزینی سدن وسیله به جای هدف است. یعنی حالتی که، روشهای کسب هدف، مهمتر از خود هدف می‌گردند و این کار سبب کاهش بهره‌وری یا حتی فقدان آن می‌شود. بهره‌وری سازمانها، از حاصل ضرب دو عامل انگیزش و شایستگی گروههای کاری به دست می‌آید و بهره‌وری کارکنان یا گروههای کاری تابع، توان، تمایل، شناخت، شغل، حمایت سازمان، سازگاری طبیعی و ... می‌باشد. از طرفی، اجزای کلیدی توان، عبارتند از: دانش کاری مربوط به شغل، تجربه کاری مربوط به شغل، استعداد مربوط به کار. اگر کارکنان، مشکل انگیزش داشته باشند؛ نخستین گام در رفع آن، بررسی شیوه تشویق و تنبیه است. چون نهاد فعلی ترویج، استقلال چندانی ندارد و از یستوانه قانونی نیز برخوردار نیست، عدم رعایت اکثر موارد بالا، دور از ذهن نمی‌باشد و این به ذات فعلی ترویج منسوب می‌شود. اگر ترویج بخواهد به صورت قانونی مطرح شود، باید نقش حقیقی آن روشن شود و این، کار بیشتری می‌طلبد. چنانچه جهت و مسیر این نظام به درستی روشن شود، در خود، افراد موثری را نیز پرورش خواهد داد، افرادی که نسبت به ارباب رجوع، سازمان، افراد گروههای کاری و حتی خودشان احساس تعهد می‌نمایند. تعهد نسبت به کار را می‌توان، با حفظ تمرکز صحیح بر کار، ساده کردن کار، روشن ساختن اهمیت کار، عملی نمودن کار و ... نشان داد و تعهد نسبت به خود را با استقلال در فکر و عمل و نه تابع بودن محض، کسب مهارتهای لازم برای اعمال مدیریت، پذیرش انتقاد و رفع نقص و ... می‌توان ارائه نمود. تعهد نسبت به افراد و گروههای کاری را با نشان دادن علاقه و سناسایی افراد مثبت و منفی و دادن بازخورد ارشادی و ترغیب افراد به ارائه تفکر خلاق و غیره می‌توان، نمایان ساخت.

در ترویج باید به معقولیت نسبی برسیم. یعنی: کاهش دادن بیچیدگی مساله برای کاستن از بدیها و این، اشاره به محدودیت طبیعی انسان دارد، ولی نباید به این سطح اکتفا کرد و رضایتمندی را مد نظر داشته باشیم. یعنی انتخاب عمدی، جهت محدود کردن رادحاهای ممکن، به عبارتی، سطحی بالاتر از



مفقولیت نسبی.

در کار باید مدل را مشخص کرد. یعنی: الگویی که از واقعیت گرفته شده است، و روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این راستا، شناسایی موانع ذاتی در ارتباطات، از اهم وظایف می‌باشد. مثل: موانع ادراکی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی، خون ترویج برای افراد کار می‌کنند نه برای خود.

این نهاد باید دارای برنامه‌ای جامع باشد که بر منافع آتی، ساختار انعطاف‌پذیر، روشهای تجربه نشده انجام کار و... استوار باشد و در عین حال، دارای برنامه‌های عملیاتی باشد که بر بازدهی فوری و کوتاه مدت، ثبات ساختار و روشهای تجربه شده انجام کار تأکید دارد.

باید از تفکر سببی (علمی) یا شکل دادن حوادث و دستاوردهای آتی به جای واکنش آن، به حوادث آینده، استفاده کنیم. همچنین تفکر قضاوتی (حل مسأله) یا کسب واقعیت در هر وضعیت، برای تعیین مسأله و تجزیه و تحلیل واقعیات به طور منطقی و ایجاد رابطه معین بین آنها را مد نظر داشته باشیم.

از نظر نگارنده مشکل ترویج، دیگر با ترجمه کتب و منابع بیگانه حل نمی‌شود، ترویج اگر قصد زنده ماندن دارد، نیازمند خلاقیت کنترل شده و میدان عمل است. در غیر این صورت، روز به روز باید شاهد زوال این بخش از دانش در کشور باشیم. ترویج، دیگر دید محدود را نمی‌بسنند، ولی حال را نیز نباید فراموش کرد، چون حال، آینده گذشته بوده است و آینده نزدیک، حال آینده دور می‌باشد. تنها برنامه‌ریزی برای روستا و روستایی ساده کافی نیست، باید چنان برنامه‌ریزی کنیم که در آینده، انتظار خدمات‌رسانی به روستایی دارای امکانات بالا و حتی خدمات‌رسانی به جامعه شهری را داشته باشیم.

دو زمینه که ترویج در آنها ضعیف عمل می‌کند، عبارتند از: مدیریت و ارزشیابی. لازمه رفع مشکل ارزشیابی، تعیین دقیق اهداف کار می‌باشد و ارزشیابی دستاوردهای کیفی نیز، تلاش بیشتر را جهت سنجش می‌طلبد.

در مورد رفع مشکل مدیریت، باید تفکرات باید اولاً نهادی ثانوی از ترویج را ارائه نمود. مانیا باید در پیروان دانشجو و روس تربیت آن و حکومتی این روند، دقت

لازم را مبذول داشت. در زیر، اشاراتی در این مورد می‌سود، باشد که بعنوان یک مقدمه، سبب شروع بحثهای جدید شود.

### «مدیریت در کشاورزی» وظیفه عمده ترویج

هر رشته از علوم، مدیریت خاصی را می‌طلبد و ترویج را می‌توان، مدیریت در کشاورزی نامید. ترویج در کشاورزی باید چون ملاتی باشد که خشتهای سایر علوم کشاورزی را بر هم استوار می‌سازد و دیوار آبادانی را ایجاد می‌نماید. یکی از مهمترین وظایف و شاید وظیفه اصلی ترویج، مدیریت در کشاورزی به معنای اخص کلمه است. یعنی باید عناصر مدیریت، مثل: برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و کنترل را در حیطه خود بگیرد. درست است که ترویج ماهیت میان‌رشته‌ای یا "interdisciplinary" دارد. (منبع ۵ - ص ۵) وای این دلیل نمی‌شود که در هر حیطه، از دانش، بخواهد به صورت تخصصی وارد شود. ترویج باید از دستاوردهای سایر رشته‌ها استفاده نماید نه این که خود وظیفه دخالت در حیطه عمل هر رشته را برعهده گیرد. یک متخصص یا کارشناس ترویج، باید درک نماید که مهارتهای مدیریتی را در خود تقویت کند، نه مهارتهای تخصصی در سایر رشته‌های کشاورزی را. در اینجا، منظور از کلمه کارشناس یا متخصص ترویج کسی است که تحصیلات خود را در رشته ترویج و آموزش کشاورزی گذرانده است. اگر مدیریت را دارای ۳ سطح مدیر کل - مدیر متوسط و مدیر اجرایی فرض کنیم، در اینجا تأکید ما بر این است که ترویج باید سطوح مدیر کل و مدیر متوسط را در برگیرد و مدیریت اجرایی باید برای مروج یا متخصص باشد.

### ● سطوح تواناییهای مدیر، از نظر هانری فایول

طبق نظر هانری فایول (۱۹۲۵ - ۱۸۴۱)، در جدول تواناییهای مدیریت، ۳ سطح توانایی می‌توانیم مشاهده نماییم.

- ۱ - تواناییهای عام مدیریت
  - ۲ - تواناییهای خاص مدیریت
  - ۳ - تواناییهای فنون یا تخصصی
- تواناییهای خاص، عبارتند از:
- ۱ - برنامه‌ریزی

مدیر کل	مهارتهای	مهارتهای
مدیر متوسط	انسانی	ادراکی
مدیر اجرایی	فنی	(اجتماعی)

مدیر کل	۶
مدیر متوسط	تخصصی
مدیر اجرایی	فنی

- ۲ - سازماندهی
- ۳ - هماهنگی
- ۴ - فرماندهی
- ۵ - کنترل

اینها در واقع همان عناصر مدیریت هستند.

تواناییهای عام مدیریت نیز عبارتند از:

- ۱ - امور مالی
- ۲ - امور بازرگانی
- ۳ - امور حسابداری
- ۴ - امور اداری
- ۵ - امور تأمین
- ۶ - امور فنی (منبع ۲ - ص ص ۱۱ - ۹)

طبقه‌بندی فایول از دو جهت با تقسیم‌بندی جدید در باب وظایف مدیر تفاوت دارد. اول این که: امور اداری در تقسیم‌بندی جدید از تواناییهای عام جدا شده است و دوم این که: در نظریه‌های جدید به جای فرماندهی در تواناییهای خاص، اصطلاح رهبری به کار می‌رود. با این اوصاف باز، بر درستی کلام، خدشه‌ای وارد نمی‌شود.

هر چه از سمت مدیر کل به سمت مدیریت اجرایی می‌رویم، میزان مهارت فنی بیشتر می‌شود و هر چه به سمت بالا می‌رویم، میزان مهارت عام بیشتر می‌شود. مهارتهای خاص تقریباً برای هر دو سطح لازم است.



فصل دوم

## بحث، نتیجه‌گیری، پیشنهادها

مدل پیشنهادی تربیت مدیر برای ترویج، به این صورت است که اولاً: به جای تربیت دانشجو در مقطع کارشناسی، تربیت دانشجو مستقیماً در مقطع کارشناسی ارشد صورت گیرد (مانند رشته معماری) و از هر کدام از رشته‌های کشاورزی، تعدادی درس که آن رشته خاص را به خوبی معرفی نماید، انتخاب شود. بهتر است، سطح این دروس بالاتر از حد دروس اصلی باشد. مثلاً از رشته خاکشناسی، می‌توان ۳ درس، ۲ واحدی که سطح آن بالاتر از درس خاکشناسی عمومی است، در نظر گرفت، و از طرفی، در دروس تخصصی این رشته، بر دروسی مثل: مدیریت، اقتصاد، بازاریابی، اعتبارات، توسعه، تعاون، مسارکت، آموزش، ترویج و ... تأکید بیشتری نمود. با اگر حالت بالا امکان‌پذیر نیست و تربیت دانشجو در مقطع کارشناسی باید صورت گیرد، می‌توان به جای ارائه درس کرایسی، که قبلاً به تعداد زیاد در ترویج وجود داشت و در یک رشته خاص ارائه می‌شد، دروس کراسی را بین رشته‌های مختلف کشاورزی تقسیم کرد و از هر رشته، چند واحد، در سطح بالاتر از دروس اصلی ارائه نمود. از طرفی، از تعدادی از دروس، که

الزامی برای رشته ندارد، کاست و در مقطع کارشناسی ارائه، تأکید بیشتری بر دروس برویجی کرد. در حد زورنی که از راه خیل دوم استفاده شود، می‌توان دانشجویان در سطح لیسانس را، برای قسمت مدیریت متوسط و فوق لیسانس به بالا را برای سطح مدیریت کل پرورش داد و مروجین را در قسمت مدیریت اجرایی گمارد. چون مهارت‌های خاص برای هر دو سطح مدیریت اجرایی و کلی لازم است. لذا می‌توان بر تعداد واحد دروس ترویج جهت آشنایی بیشتر دانشجویان سایر رشته‌های کشاورزی افزود. این کار، هماهنگی بیشتر، بین کارشناس ترویج و مروج را به همراه خواهد داشت. سوالی که مطرح می‌شود، این است که چرا ما، دانشجویان سایر رشته‌های کشاورزی را مجهز به تخصص در ترویج نکنیم و وارد میدان نسازیم، در جواب باید گفت: اولاً: تعداد دانشجویان سایر رشته‌ها نسبت به خود رشته ترویج بسیار زیاد است. ثانیاً: تعداد رشته‌های کشاورزی و ساخن‌های آن نیز زیاد است. ثالثاً: آنها در رشته خود متخصص هستند و در ارتباط با سایر رشته‌ها اطلاعات زیادی ندارند و اثر اطلاعات در مورد سایر رشته‌ها را تا آن حد به هم‌دیگر ارائه دهند که،

با عدم تناسبی کامل هم‌کردند (متنظور ارائه ۳۰۰ واحد درسی کراسی است). بهتر است کشاورزی عمومی را ایجاد کنیم تا از هدر رفتن سرمایه جلوگیری شود. از طرفی اگر مثلاً ۲۰ - ۱۵ واحد درس ترویج به هر کدام از رشته‌های کشاورزی بدهیم و به استفاده قصد تربیت مروج متخصص را در ترویج داشته باشیم، باید گفت: این کار جز اتلاف وقت و هزینه، ثمر دیگری ندارد. چون دوباره مسأله ایجاد هماهنگی بین آنها مطرح می‌شود و نیاز مجدد به رشته ترویج ایجاد می‌گردد. پس معقول است که از دو روس بالا استفاده نکنیم، از طرفی، برای این که در خود دانشجویان رشته ترویج یک ناهماهنگی شناختی و تضاد و احساس سردرگمی ایجاد نشود، باید به طور مختص بر نقش مدیریتی آنها تأکید شود و آموزش‌های لازم را در این زمینه ببینند. با دادن نقش مدیریتی به ترویج و با ارتقاء سطح تحصیلات آنها به طور مستقیم تا کارشناسی ارشد، سبب ایجاد یک نوع انگیزه نیز در آنها می‌شویم و احتمالاً افرادی با توانایی بالاتر، حداقل از نظر علمی، وارد این رشته می‌شوند و این کار با محدودی، سبب ایجاد خلاقیت نیز می‌گردد. چون خلاقیت: به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد

یک مفهوم یا فکر جدید می‌داند و به کارگیری ایده نوین نامی از خلاقیت نیز، ابداع نام دارد و این همان چیزی است که هر سگال به آن نیازمند می‌باشد.

از طرفی، برای مروجین تخصصی، علاوه بر مدیریت اجرایی و درگیری عملی در کار، می‌توان ستادهای فنی نیز، در نظر گرفت که در کنار مدیریت متوسط و مدیریت سطوح کل، به انجام وظیفه و ارائه نظریه‌های تخصصی، جهت تصمیم‌گیری صحیح‌تر، مسخول به کار می‌باشند.

باز ممکن است، سوال شود که چرا ترویج به شکل ستاد عمل نکند و مروج تخصصی به صورت مدیر کل و مدیر متوسط و مدیر اجرایی وارد میدان نشود. باید در این جا متذکر شد، کسی که وظیفه مدیریت را برعهده می‌گیرد، باید حداقل یک پیش آگهی از کاری که انجام می‌دهد، داشته باشد. اگر مروج یک رشته خاص، مثل آبیاری، به عنوان مدیر کل انتخاب گردد، چون بیش زمینه در مورد سایر رشته‌های کشاورزی ندارد نمی‌تواند به صورت مؤثر عمل کند و یک بعدی عمل می‌نماید و اگر بخواهیم برای آن یک واحد ستاد فنی، مرکب از مروجین سایر رشته‌ها تشکیل دهیم، یک دوباره کاری انجام داده‌ایم. دانا، این مروج خاص، از دانش مدیریتی نیز در حد لزوم برخوردار نیست، پس می‌بینیم که این فرض نیز مردود است. کار دیگری که می‌توانیم به مروجین تخصصی، را بنا بودن آنها با تحقیقات است که می‌تواند، دستاوردهای لازم را که تحقیقات در رشته آنها بدست آورده است، به ترویج منتقل کنند و ترویج با کمک مروج تخصصی، برنامه آموزشی را فراهم سازد.

در پایان باید مجدداً متذکر شد که زمان آن رسیده که ترویج آباد کند و نظارت نماید و برنامه‌ریزی کند. ایجاد ترویجی بنا بر این سه ضرورت است، تک وظیفه و سهولت است نه یک مسئله‌های گوناگون و این سه چیز را افراد مسئول مروج، به‌طور جدی در نظر خواهند بخشید. این کار را در صورت مبرور به دست از دست رهنمون با ترویج آید که در کس اوزری یک دستور، تمام خواهد شد و این قابل چشم‌پوشی نیست. این است که این مطالب را به جهت دسترس بیشتر و در این زمینه بهتر شود، با سهولت ترویج و دسترس بیشتر برای افراد در این زمینه، در دسترس قرار گیرد.

## منابع و ماخذ

- ۱- آکسین، جورج. اج (۱۳۷۰)
- راهنمای رهیافت‌های گوناگون ترویج (ترجمه غلبرضا کاشانی و جواد میر). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی - وزارت جهادسازندگی
- ۲- اقتداری، غلاممحمد (۱۳۷۲)
- سازمان و مدیریت سیستم و رفتار سازمانی. تهران: انتشارات موسوی
- ۳- ایراوانی، هوستنگ (۱۳۷۱)
- تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. مشهد: نشر مشهد
- ۴- زمانی پور، اسد... (۱۳۷۳)
- ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. مشهد: ناشر، مؤلف
- ۵- سلمان زاده، سیروس (۱۳۷۲)
- واژه نامه ترویج کشاورزی (انگلیسی - فارسی). اهواز: دانشگاه سهند جمران اهواز
- ۶- گراول آی. اس و ار. اس تاویر (۱۳۶۷)
- مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (ترجمه سیروس سلمان زاده). اهواز: دانشگاه سهند جمران اهواز
- ۷- ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۲)
- مبانی ترویج کشاورزی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی

بقیه از صفحه ۱۷

## منابع و ماخذ:

- 1- Human Development Report. 1990, 1991, 1992, 1993, 1994, 1995, UNDP
- ۲- برنامه عمران ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ (جدولها و گزیده‌ای از متن)، مترجم: قدرت الله معمارزاده، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴
- ۳- برنامه عمران ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵، مترجم: غلامحسین صالح نسب، جهاد، سال پانزدهم، شماره ۱۸۱ - ۱۸۰
- ۴- گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، «انتخاب متغیرهای اصلی برای محاسبه شاخص توسعه انسانی»، تامسون اوگ وانگ، سازمان برنامه و بودجه، سال دوازدهم، اردیبهشت ۱۳۷۴
- ۵- گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی، «نشریه برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۵ مه ۱۹۹۳»، «نشریه بینرگال، سازمان برنامه و بودجه، سال یازدهم، اردیبهشت ۱۳۷۳
- ۶- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی. جلد اول، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- جهاد (ماهنامه علمی توسعه روستایی و ترویج کشاورزی)، «مقایسه درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی استانهای کشور»، حسینی. میرعبدالله، شرکت صالحان روستا، سال شانزدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، شماره ۱۸۵ - ۱۸۴
- ۸- مجموعه مقالات سمینار شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی استان خراسان، «اهمیت سرمایه گذاری در نیروی انسانی از لحاظ رشد اقتصادی»، بقایی. جواد، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، دی ۱۳۷۴
- ۹- مطالعات تحولات جمعیت ایران در
- ۱۰- ریزوی کالبدی منی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱
- ۱۱- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هرتنه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۴
- ۱۲- مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری خانوار جمعیت، ۱۳۷۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی